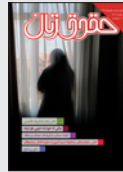


دلیل الحرجی



حقوق زنان
شماره ۳۹
۱۴۰۳
قیمت ۱۰۰,۰۰۰ تومان

شناسنامه:

حقوق زنان - فصلنامه اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: اشرف گرامی‌زادگان
همکاران این شماره: رویا تیرگری (دبیر هنری)، آرزو عزیز، سید محسن مقیمی، محمدرضا شمس، هما مهری، زهرا داورزنی، لیلا صادقی.

مدیر امور مالی و اجرایی: همایون کوچک‌زاده

طراح لوگو: مرتضی ممیز

مشاور فنی: علیرضا فرزای

مدیر هنری و طراح جلد: مریم فرزای فرد

گرافیکست و صفحه‌آرا: عاطفه هاشمی

حروف چینی: حقوق زنان

چاپ: چاپ نظر

نشانی: تهران - خیابان ایرانشهر جنوبی - کوچه مهزاد - پلاک

۱۱ - واحد ۴۰۱

تلفن: ۰۹۱۲ ۱۳۰۲۷۷۵ - ۸۳۶۱۸۴۹۹

پست الکترونیکی: h_q_zanan@yahoo.com

سایت نشریه: www.hqzanan.org

* نویسندگان و مترجمان ارجمندی که مايلند آثارشان در فصلنامه‌ی حقوق زنان انتشار یابد، به همراه مطالب، درباره‌ی تحصیلات، شغل، آثار پژوهشی و ترجمه‌ی خود توضیح کوتاهی ضمیمه کنند و یا رزومه‌ی خود را به ایمیل نشریه ارسال نمایند.

* مطالب به‌صورت تایپ شده از طریق ایمیل به نشریه ارسال شود.

* مطالب ترجمه‌شده باید بایک نسخه از متن اصلی همراه باشد.

* لطفاً نسخه‌ای از مطلب خود را در پایگانی داشته باشید.

* حقوق زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

* هرگونه استفاده از مطالب و تصاویر اختصاصی نشریه‌ی

حقوق زنان منوط به کسب اجازه از مدیرمسئول است.

* حقوق زنان در موضوع فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی،

اقتصادی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.

فهرست

* سرمقاله

■ بر ما چه گذشت! / مدیرمسئول / ۰۲

* جهت اطلاع

■ قوانین زنان در انتظار تغییر! / اشرف گرامی‌زادگان / ۰۴

* زنان و جامعه

■ نه به جنگ! / سید محسن مقیمی / ۰۱۰

■ جنگ چگونه می‌تواند بر زندگی زنان، دختران و کودکان تاثیرگذار باشد؟ / آرزو عزیز / ۰۱۹

* زنان و فرهنگ

■ ستاره‌های دیروز - هدی لامار (ستاره‌های شگفتانگیز و مسحورکننده) / ۰۲۹

■ ستاره‌های امروز - آنابل والیس (بانوی فیلم‌های تاریخی و عاشقانه) / ۰۳۴

■ داستان کوتاه: شاهزاده خوشبخت / اسکار وایلد، مترجم: محمدرضا شمس / ۰۳۶

* زنان و قانون

■ قسمت آخر: لایحه‌ی حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب / هما مهری / ۰۴۵

■ نقد کارشناسان به لایحه عفاف و حجاب / ۰۷۴

* یادمان

■ شهلا لاهیجی / ۰۷۸

■ سید محمد موسوی بجنوردی / ۰۸۰

■ زهرا شجاعی / ۰۸۲

* زنان و اخبار

■ نقش احزاب، زنان و نسل‌های حقوق بشر / ۰۸۳

■ بخش عربی / لیلا صادقی / ۰۹۰

■ بخش انگلیسی / زهرا داورزنی / ۰۹۴

* اشتراک / ۱۰۰



اشرف گرامی‌زادگان
مدیرمسئول

بر ما چه گذشت؟

است. در طول این سال‌ها منتقدانی دلسوز می‌گفتند که بیش از این که دیر شود به این شکاف‌ها باید توجه کرد اما متأسفانه بازیگرانی اجازه ندادند که آن نقدها شنیده شود و تأثیرگذار باشد. نصیحتی که هدفش منتفع شدن جامعه و مردمی بود که سال‌ها برای حفظ نظم و قانون و رسیدن به عدل و انصاف، صبورانه با همه سختی‌ها مقابله کرده بودند. متأسفانه صدای منتقدین در نطفه خفه شد و گوش شنوایی برای آنها وجود نداشت. نتیجه بازی گرفتن آن دغدغه‌ها گسست امروز در جامعه است. اکنون زمان و مکان به سود هیچکس نیست.

در این سال‌ها بودند زنان و مردانی که در راه احقاق حقوق زنان کوشیدند و تعداد زیادی طرح و لایحه به هدف حذف محدودیت‌ها و محرومیت‌ها و احقاق حقوق انسانی در دسترس قانونگذاران قرار دادند، اما این موارد به کام حاکمان خوش نیامد. اگر به لیست بلند طرح‌ها و لوایح انتخابی ارائه شده به دولت و مجلس بنگریم، درمی‌یابیم که

سال ۱۴۰۲ گذشت. سالی که صراحتاً باید گفت سالی بود مملو از حسرت فرصت‌های از دست‌رفته، سالی بدون دستاورد. زنان در طول سال‌های متماد، نتوانسته‌اند خواسته‌های به‌حق خود را به گوش تصمیم‌گیران برسانند و در روند تصمیم‌سازی تأثیر بگذارند. چه بسا که خواسته‌های زنان، خواسته آنان نبوده و نیست و مطالبات زنان در زمره اولویت‌های آنان قرار نداشته و حتی شاید که مسئولان ما در این سال‌ها اصولاً تأثیرناپذیرند.

با ذره‌ای تأمل و کاوش در اقدامات و اتفاق‌ها سالیان اخیر متوجه می‌شویم که مسائل زنان جزو دغدغه‌های مسئولین نبوده و برنامه‌ها و اقدامات آنها حول محورهای دیگر و علاقمندی‌های دیگری بوده است. شکاف حاصل شده در جامعه امروز ایران نیز نتیجه این‌گونه مغایرت‌هاست. فاصله عمیقی است بین خواسته‌های مردمی که از بطن اجتماع سرچشمه می‌گیرد و اقدامات مسئولین که نه فقط متفاوت بلکه گاهی در تضاد با خواست جامعه



متأسفانه گاهی محاکم برای نقد و اعتراض شهروندان، مجازات‌هایی را صادر می‌کنند که در بین حقوقدانان و قضات، اسباب حیرت شده است. انتظار این است که انتقاد و اعتراض به عنوان وظیفه شهروندان محترم شمرده شود و در مواردی که نقض قانون صورت گرفته نیز نیاز است که مجازات با جرم صورت گرفته منطبق باشد. بدیهی است که اگر تصمیم‌گیران اولویت را بر حقوق ملت و نفع عمومی قرار دهند شهروندان نیز پیامدهای آن را در زندگی روزمره خود حس خواهند کرد. حال که سال ۱۴۰۲ را پشت سر گذاشتیم و وارد سال ۱۴۰۳ شده‌ایم در برابر احیای حقوق شهروندان مان کجا قرار داریم و به چه سمت می‌رویم. پاسخ به این سوال را به مسئولان واگذار می‌کنیم.

مدیر مسئول

چقدر می‌توانست اصلاح قانون مدنی و قانون جزا امکان‌پذیر و عملی باشد. چقدر می‌توانستیم فاصله بین زنان و مردان و شکاف جنسیتی در قانون را کاهش دهیم و بالطبع آسیب‌های ناشی از تبعیض و همچنین فشار روانی وارده به جامعه زنان کاهش پیدا می‌کرد. لازم به ذکر است که در اکثر طرح‌ها و لوایح اصلاحی نظرات و انتقادات حوزویان و کارشناسان علوم اسلامی نیز لحاظ شده بود و ایرادات برخی قوانین فعلی نیز از منظر دینی و فقهی مورد بررسی کارشناسانه قرار گرفته بود.

نگارنده معتقد است وظیفه ما شهروندان تأمل و تفکر برای رسیدن به راهی است که با استفاده از عقلانیت و خردگرایی منجر به اصلاح هرگونه تبعیض و نابرابری گردد. همه مردم فارغ از جنسیت و یا محل زندگی باید حس کنند که در برابر قانون برابرند و از حقوق و مزایای مساوی و متناسب با احوال خود برخوردارند. انتقاد منتقدان باید شنیده شود نه آنکه مثل دشمنان خارجی با آنان برخورد شود.





قوانین زنان در انتظار تغییر!

اشرف گرامی‌زادگان
کارشناس ارشد حقوق بشر

مقدمه

جوامع در سراسر جهان تابع قوانین و مقررات و عرفی هستند که بتوانند راهی به سوی پیشرفت و توسعه بیابند ضمن آن که به ارزش‌ها و اخلاق نیز پایبند باشند. علل رفاه و توسعه هر جامعه‌ای به هدف حفظ حقوق اولیه و ثانویه انسان‌هایی است که در جغرافیای آن منطقه زندگی می‌کنند و خود را ذی‌حق به آن حقوق می‌دانند. حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موضوعاتی کلی هستند که در دل خود ده‌ها حق دیگر را در بر می‌گیرند. حقوقی که هر انسانی باید از آن برخوردار باشد تا بتواند در کمال آزادی و امنیت زندگی کند. ولی دارا بودن از این حقوق دارای چارچوبی است که نباید حق فرد به حقوق افراد دیگر زیان وارد کند. از این‌رو ضوابط متناسبی از طرف قانونگذاران برای آن حقوق ترسیم می‌شود تا این مشکل حل شود. این چارچوب در قوانین و مقررات خود را نشان می‌دهد زیرا حامل آن مبنا و ریشه آن حقوق، ویژگی عدالت و انصاف را حمل می‌کند.

تدوین قوانین و مقررات بر این اساس مدون می‌شود و در اختیار جامعه قرار می‌گیرد تا همه انسان‌ها ضمن دانستن حقوق خود، از حق خود صیانت کنند لذا تشکیل دادگاه برای رسیدگی به حقوق ضایع شده افراد، نتیجه روند رشد حقوق بشر و حمایت از حق است.

نکته مهم دیگر عدم تفاوت بین انسان‌ها است. زن یا مرد، بزرگسال یا کودک، با هر ویژگی فردی، همه در قوانین دارای حقوق هستند. در برخی جوامع تبعیض و بی‌توجهی به اقشار و برخی گروه‌های جامعه منجر به تجمیع نگاهی بین‌المللی شد تا حاکمان نتوانند با ابراز قدرت و فشار بر جوامع، به تضییع حقوق افراد اقدام کنند. لذا کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها و پروتکل‌ها





شکل گرفت تا جامعه جهانی نگاهی کلان به کلیه جوامع داشته باشد و دولت‌های هر کشوری به امضاء خود در مورد حقوق مردم جامعه خود متعهد باشند.

نکته دیگر این که جوامع همه پایبند به مصوبات سازمان ملل که مجمعی جهانی است، نیستند. برخی هنوز به علت و علل این نظارت پی نبرده‌اند و برخی این نظارت را مداخله در امور داخلی کشورها می‌دانند و چه بسا که علل و دلایل دیگری را نیز در نظر بگیرند. اما خرد جمعی جهانی همانگونه که در برابر گرسنگی و بهداشت و انواع مصائب جهانی خود را مسئول می‌داند، ناگزیر مسئول حقوق بشر در جهان نیز می‌باشد.

روند رسیدن به حقوق انسان‌ها، تلاش دولت‌ها با بهره گرفتن از داشته‌های موجود در هر کشور است. مهم‌ترین پشتوانه هر حکومتی برای دستیابی به حقوق پنج گانه نخست، اعتماد و همراهی مردم آن سرزمین است. اندیشمندان و متخصصان هر کشوری با تعامل و همکاری و ارائه راهکارهای مناسب باید برای رفاه و حفظ حقوق جامعه خود تلاش کنند. در واقع این اندیشمندان، متخصصان و اساتیدی هستند که بهتر می‌توانند راهکارهای پیشبرد حقوق بشر را تعریف، برنامه ریزی و اقدام کنند.

در جامعه ایران، علیرغم مشکلات متعدد در کشور که مهم‌ترینش جنگ و سازندگی پس از آن بود، کلیه علاقمندان به حقوق بشر تلاش وافر کردند تا مردم ایران بتوانند به حقوق خود دست یابند. زنان از جمله گروهی بودند که با طرح مسائل و مشکلات عدیده با اقدامات متنوع و گوناگون، دست به تدوین پیشنهادات اصلاحی زدند. سازمان‌های دولتی و غیردولتی، مراکز مطالعاتی و پژوهشی انگیزه‌ای شدند تا تاثیر خواسته‌ی آنان به شکل طرح و لایحه از مجاری قانونی - دولت، مجلس - مطرح شود. در برخی مواقع آن خواسته‌ها قانونی شد و در برخی موارد در راهروهای مجلس و دولت معطل ماند! تلاش‌هایی که می‌توانست در جامعه تأثیرگذار باشد و از رنج و حرمان زنان بکاهد.

در این متن برخی از تلاش‌های صورت‌گرفته در کشور، که خواسته‌های زنان بود ولی از تصویب بازمانده است، یادآور می‌شویم. این متن سه موضوع مهم حیاتی خانواده، زنان و کودکان و ضرورت صیانت از آنان را در منظر خوانندگان قرار می‌دهد. همگان به این بیندیشیم که اگر این چند خواسته تصویب می‌شد، جامعه تا حدودی می‌توانست ضمن داشتن امید به بهبودی، همچنان به حرکت سازنده خود ادامه دهد و امنیت و آرامش بیشتری برای خانواده و زنان سرزمین‌مان باشد.

ضرورت امنیت زنان در برابر خشونت

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در حوزه امنیت و مصونیت زنان در کشور نیاز به توجه داشت و سال‌ها برای تدوین آن تلاش شد، لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت بود. حوادث پیش‌آمده در متن جامعه و وجود پرونده‌های متعدد که نشان‌دهنده خشونت علیه زنان و اعضای خانواده در محاکم بود، علت اصلی توجه جامعه به این معضل ضد حقوق بشری به‌شمار رفت. بخصوص که در مجلس ششم پس از عدم تصویب کنوانسیون منع خشونت علیه زنان که توسط سازمان ملل متحد

به کلیه کشورها به تصویب آن توصیه شده بود، در شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت مسکوت ماند! سرنوشت کنوانسیون و عدم تأیید آن در محافل قانونگذاری، مدافعان حقوق بشر و حقوق زنان را در سازمان‌های دولتی و حتی غیردولتی به فکر یک لایحه بومی به نفع حقوق زنان با موضوع منع خشونت انداخت. این خواسته منجر به تدوین لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت در معاونت امور زنان و خانواده در دولت شد. این تدوین قصه طویلی دارد چون نگرانی از





**این همه زمان با هدف منع
خشونت برای زنان، که امری
حقوق بشری است، بیش از
حد انتظار جامعه طول کشید.
از این رو بسیاری به صراحت
بیان کردند که دولت، مجلس و
هیچ مرکز تصمیم گیری قصد
تصویب آن را ندارد!**

عدم تصویب آن از آغاز احساس می‌شد، لذا متن لایحه با وسواس و تغییرات متعدد همراه بود مضافاً که تادئوین این مقاله در آغاز سال ۱۴۰۳ نیز همچنان در مجلس و در سکوت خبری بسر میبرد. سالهاست که این لایحه سرگردان است و گویا تا رسیدن به مقصد بازمه باید صبر کرد اگر هدف تصویب آن باشد!

نخستین تدوین این لایحه به سال پایانی دولت دهم بر می‌گردد. پس از آن دولت یازدهم و دوازدهم به مدت ۸ سال به بررسی، اصلاح و بازنگری آن پرداختند. این لایحه از مسیر دولت به قوه قضاییه و مجدداً دولت در رفت و آمد بود و سپس بسیاری از مراکز مطالعاتی به بررسی و اظهار نظر در باره آن پرداختند. با قاطعیت می‌توان گفت که این لایحه بیشترین توجه افکار عمومی جامعه را به خود مشغول کرد. در طول زمانی فوق، برخی مراکز خود به تدوین نوعی دیگر و یا بازنگری مبنایی دیگری پرداختند و به مراکز تصمیم‌گیری ارائه کردند. این همه زمان با هدف منع خشونت برای زنان، که امری حقوق بشری است، بیش از حد انتظار جامعه طول کشید. از این رو بسیاری به صراحت بیان کردند که دولت، مجلس و هیچ مرکز تصمیم‌گیری قصد تصویب آن را ندارد!

این لایحه که با نام «لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر

خشونت» و «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» نیز از آن یاد می‌شود، هم از نظر زمانی و هم از نظر تغییرات متعدد در متن، یک پدیده حقوقی است! این لایحه با هدف: حفاظت از کیان خانواده و ارتقاء سلامت آن، تأمین امنیت و صیانت از کرامت زنان، پیشگیری از جرائم خشونت‌آمیز علیه زنان و حمایت از زنان خشونت‌دیده یا در معرض خشونت تهیه و تدوین شد. در استمرار تهیه، اصلاح و تدوین لایحه مذکور قوه مجریه و قوه قضاییه همکاری داشتند. یادآوری این نکته لازم است که نظرات مخالف و موافق در متن لایحه مذکور را می‌توان از تغییر سه‌باره عنوان لایحه و هم‌چنین از تعداد متغیر مواد متن لایحه که ناشی از نگرش‌های متفاوت بود، پی برد!

این لایحه در ۵۷ ماده و در تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۲ در دولت نهمی و به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. لایحه دارای سند پشتیبان فقهی نیز می‌باشد. قابل توجه است که بجز کار گروه قوه قضاییه، دفتر امور حقوقی معاونت امور زنان و خانواده با اساتید دیگر حقوقی نیز جهت تکمیل و رفع برخی نواقص لایحه، جلساتی را تشکیل داد. همکاری دیگری که در کنار بررسی حقوقی شکل گرفت.

بررسی



استفاده شده است که نشان‌دهنده تغییر در مفهوم واقعی خواسته تدوین‌کنندگان اولیه لایحه است. این چهارمین دولت چهار ساله است که برای تعیین تکلیف یک لایحه در حوزه مهم‌ترین مسائل زنان، همه جامعه را منتظر گذاشته است!

فقهی لایحه توسط اساتید دانشگاه مفید قم بود. قابل ذکر است که خارج از چهارچوب بیان‌شده، متاسفانه لایحه فوق‌الذکر با تغییراتی اکنون در مجلس است. این تغییرات دارای ایراد فراوانی است ضمن آن که نام خشونت نیز از عنوان لایحه حذف و به جای آن از کلمه آسیب‌پذیر

میانیت از حریم زنان توسط دادگاه صالح (ماده ۶۳۰ ق.ا.م.ا)

عقلی قابل‌پذیرش نیست بخصوص در زمانی که می‌توان انواع حیل را برای وانمود کردن خیانت و توطئه برای انجام قتل به وجود آورد. در دنیای امروز تنها مرکزی که قانوناً حق بررسی جرم و قضاوت و صدور حکم را در اختیار دارد دادگاه است که زیر نظر قوه قضاییه دارای چنین اختیاری است و نباید به یک فرد - در هر نقشی - سه مرحله مهم قضایی را که به حق حیات افراد تعلق دارد، به فرد دیگری واگذاشت. اصولاً واگذاری چنین اختیاری زینده هیچ دستگاه قضایی نیست. عجیب است که مخالفت بسیاری از حقوق‌دانان و نظریه‌پردازان حقوقی توانسته است این ماده را از دل قانون مجازات اسلامی حذف کند.

ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.»

یکی از مسائل مهم که نگرانی‌های متعددی در کشور ایجاد کرده است قتل غیرقابل توجیه زنانی است که توسط شوهر صورت می‌گیرد و به نام قتل در فراش شهرت دارد. ماده‌ای از قانون مجازات اسلامی که به شوهر اختیار داده است بدون شکایت و طرح موضوع و ثبوت جرم در محکمه، خود شخصا قاضی شود، شخصا حکم صادر کند و شخصا دست به اجرای حکم - قتل - بزند! این روند توسط هیچ یک از افراد صاحب نظر از نظر علمی و





معاونت امور زنان و خانواده درخواستی مبنی بر حذف این ماده قانونی با هدف جلوگیری از سوءاستفاده شوهران به بهانه زناى همسر، منع کسب جایگاه قضاوت توسط قاتل و احترام به حرمت حیات انسانی به دولت ارائه کرد. ادله این پیشنهاد بیش از همه احترام به ساختار محاکم و حکم قاضی دادگاه و ضرورت بررسی ادله توسط فرد صالح و حق حیات زنان بود. زیرا که مسئولیت صدور حکم ایجاب می‌کند که جرم با ادله کافی بررسی شود. تقصیر روشن و موشکافی گردد و مقصر در صورت تشخیص و علم قاضی متناسب با اوضاع، منجر به صدور حکم و مجازات گردد. در غیر این صورت شاهد قتل‌های بدون ضابطه و ضایع شدن حقوق و امنیت زنان خواهیم بود.

لایحه حذف ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی به دلایل فوق به دولت ارائه شد. این لایحه در قوه قضائیه نیز بررسی شد. اما برای بررسی فقهی آن توسط شورای فقهی دانشگاه مفید و موسسه فقه‌التقلین در



ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بیان

می‌دارد: «هرگاه مردی همسر خود

را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده

کند و علم به تمکین زن داشته باشد

می‌تواند در همان حال آنان را به قتل

برساند و در صورتی که زن مکره باشد

فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند.

حکم ضرب و جرح در این مورد نیز

مانند قتل است.»



پدر صالح با اوصافی که همگان در مورد پدر می‌دانیم، نیست. در اینجا دادگاه و قاضی شایسته باید مصالح عالی‌ه کودک را در نظر بگیرد. امر قضاوت، به اندازه کافی به قضات محترم قدرت داده است که حکم کنند چه برای کودک ضروری است. معاونت امور زنان و خانواده در تحلیل این فاجعه با ارائه پیشنهاد اصلاح ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی بر سه محور تاکید کرد: نخست آن که پدر بی‌کیفر نماند. جایگاه پدری و داشتن مسئولیت رفیع است و هر پدری از آن سقوط کند باید متنبه شود. دومین محور این که پدر از ولایت بقیه فرزندان محروم شود. متأسفانه نکته چالش‌برانگیز، عدم مجازات پدر و جد پدری از جنایت است. و سومین محور این که پدر مشمول هیچ ارفاقی نشود حتی عفو و سایر موارد.

مبنای این اصلاحیه نشان از ارزش و اهمیت پدر شدن و پدر بودن است زیرا این جایگاه برای پدران شایسته و علاقه‌مند به فرزند و خانواده است که خداوند نعمت ولایت را به آنان داده است. امنیت و آرامش در خانه به حضور پدر و مادر متعهد بستگی دارد. این لایحه در شورای فقهی حقوقی معاونت امور زنان و خانواده تدوین و این موضوع در شورای فقهی قم هم مورد بررسی قرار گرفت. لایحه مذکور به منظور تشدید مجازات پدر در قتل فرزند به معاونت حقوقی ریاست جمهوری برای قوه قضاییه جهت بررسی ارجاع و در معاونت حقوقی مطالعه و مجدد در تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۸ به معاون امور مجلس رییس‌جمهور ارائه شد. طبق آخرین اطلاعات پیشنهاد فوق در یک ماده و ۳ تبصره در نوبت تقدیم به مجلس شورای اسلامی است.

منابع:

۱. تک‌نگاشت حقوقی و پارلمانی - حقوقی معاونت امور زنان و خانواده، دولت دوازدهم - ۱۳۹۶-۱۴۰۰
۲. کتاب بررسی مهم‌ترین چالش‌های حقوقی زنان، نویسنده و محقق سید علی ایازی، صص ۲۷۳ الی ۳۳۰، ناشر معاونت امور زنان و خانواده، مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، مرکز مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه مفید، تابستان ۱۳۹۹

شهر قم مورد مطالعه قرار گرفت و با تشکیل جلسه و دعوت از شخصیت‌های علمی و مذهبی به نتایج ملموسی دست یافت. یکی از نکات قابل توجه در جمع‌بندی بحث فقهی این لایحه و تاکید بر حذف این ماده عبارت بود از: ۱- جلوگیری از توهّم و تصور اشتباه ۲- پیشگیری از سوءاستفاده‌ها ۳- رد شائبه تبعیض جنسیتی ۴- پیشگیری از نقض حق حیات و حق بر سلامت زنان و رفع نوعی تعارض با مواد دیگر از جمله با اصل ۳۶ قانون اساسی. این لایحه در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۷ به کمیسیون دولت رفت. لازم به ذکر است که این ماده سال‌هاست که مورد انتقاد حقوق‌دانان و اساتید است. اما دولت این لایحه را به مجلس ارائه نکرده است.

ممانعت از خطر قتل فرزند خانواده (ماده ۶۱۲ ق.م.ا.)

اتفاقات صورت گرفته در جامعه منجر به نگرانی، نقد و اعتراض بسیاری از مردم درباره اعضای خردسال خانواده می‌شود. خانه‌ای که باید مأمن اطمینان بخش اعضای آن باشد با خطری چون فاجعه رومینا روبروست! این حوادث در کشور به طور متناوب رخ می‌دهد. حوادثی که حتی از یادآوری آن نیز دچار اضطراب مستمر خواهید شد!

البته هر چند گاه یک بار در جامعه شاهد چنین فجایی هستیم. پدر به دلایل آشکار و پنهان اقدام به قتل فرزند می‌کند. گاه گفته می‌شود آداب و رسوم و یا تعصب پدران است. گاه پدر بیمار و پرخاشگر و عصبی است که باید درمان شود. در هر صورت این پدر با این رفتار از مقام پدری منزل است و دیگر شایسته عنوان پدر، ولی و... نیست. پدر تا وقتی پدر است که به حقوق و تکالیف خود در قبال اعضای خانواده، همسر، فرزند و والدین عمل کند. اگر چنین فجایی رخ بدهد، پدر نه تنها باید از ولایت ساقط شود بلکه برای فرزندان دیگرش نیز یک



نه به جنگ!



سید محسن مقیمی
دانش آموخته
کارشناسی ارشد
حقوق بشر

مقدمه

منع خشونت و جنگ اهمیت بسیاری در حفظ صلح و استقرار امنیت جامعه دارد. این مفهوم نه تنها به مقابله با خشونت در داخل کشورها اشاره دارد بلکه به جلوگیری از تداوم نزاع‌ها و جنگ‌های بین‌المللی نیز توجه دارد. اجتناب از استفاده نیروی نظامی و به جای آن، توسعه مذاکرات دیپلماتیک و راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای حفظ ساختارهای جامعه است که می‌خواهند به دنیایی پایدارتر و بهتر برسند. همچنین منع جنگ و حفظ صلح در قالب کنوانسیون‌های ژنو به عنوان یک استراتژی بین‌المللی ظاهر شده است. کنوانسیون‌های ژنو، از جمله کنوانسیون ژنو در مورد حمایت از زخمی‌شدگان و بیماران نظامی، سعی در تکریم اصول حقوق بشر و حقوق بین‌الملل انسانی دارند. این توافق‌نامه‌ها به منظور کاهش رنج‌ها در جنگ و افزایش حمایت به افراد زخمی و غیرنظامیان متضرر از نزاع‌ها طراحی شده‌اند، با هدف حفظ انسانیت و افزایش اراده‌ی مشترک برای جلوگیری از نقض قوانین جنگ.

قواعد مربوط به ممنوعیت کاربرد زور و استثنائات آن، جوهره نظام حقوقی بین‌المللی برآمده از بزرگ‌ترین فاجعه انسانی تاریخ یعنی جنگ جهانی دوم است. در این نظام حقوقی، صلح به عنوان اساسی‌ترین ارزشی که باید مورد حمایت باشد، تلقی شد و برای ممنوعیت کلی کاربرد زور مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، تنها یک استثناء در ماده ۵۱ منشور شناخته شد که دفاع از خود فردی و جمعی را مجاز می‌دارد. امیدها برای تحقق یک نظم صلح‌آمیز بین‌المللی در فاصله سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۹ و نیز پس از فروپاشی کمونیزم خیلی زود به یأس گرایید. امروز، استفاده از زور در روابط بین‌الملل نسبت به دهه‌های پیشین شایع‌تر است.



اصولاً حقوق جنگ به آن شاخه‌ای از حقوق گفته می‌شود که در مباحث خود اصول کلی مربوط به افراد درگیر جنگ و نیز کسانی که استحقاق کمک و مساعدت دارند را مورد بررسی قرار می‌دهد و راه‌حل‌های مناسبی برای افرادی که به‌طور ناخواسته درگیر جنگی فراگیر شده‌اند را ارائه می‌دهد و چون جنگ یک واقعیت است که انکارپذیر نیست طبیعتاً بایستی افرادی که مشمول رأفت قرارگیرند نیز دارای قواعدی حمایتی باشند.

جنگ از منظر کنوانسیون‌های ژنو

در ۱۲ اوت سال ۱۹۴۹ کنوانسیون‌هایی تحت عنوان کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو از تصویب نمایندگان دول متعاقد گذشت که همگی به نوعی یکی از شرایط ایجاد امنیت و حمایت انسان دوستانه از نیروهای رزمنده را بیان می‌کند. کنوانسیون دوم ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخمی‌ها، بیماران و افراد غرق‌شده نیروهای مسلح در دریا در مورخه ۱۲ اوت سال ۱۹۴۹ با حضور نمایندگان مختار کشورهای عضو کنفرانس سیاسی که از تاریخ ۲۱ آوریل تا ۱۲ اوت

۱۹۴۹ در شهر ژنو تشکیل شده بود به

جنگ از منظر سازمان ملل متحد

هر چند ممنوعیت جنگ به موجب منشور ملل متحد موجب این تصور شده که عده‌ای بیندارند دیگر نیازی به وضع قواعد جدید جنگ برای محدود کردن یا ممنوع ساختن اعمالی که دارای خصوصیات یک جرم هستند ندارد، ولی با یک نگرش سطحی متوجه این واقعیت می‌شویم که حتی پس از گذشت متجاوز از شصت سال از تأسیس سازمان ملل متحد به رغم ممنوعیت استفاده از زور در روابط بین‌الملل، جنگ مسلحانه، نه تنها وجود دارد بلکه به‌طور روزافزون رو به تزاید و تکثیر شدن است، ضمن آنکه سازمان‌های بین‌المللی هم از برخورد با مشکلات ناشی از نقض قواعد بین‌الملل عاجز بوده و نتوانسته‌اند به وظایف خود عمل نمایند و از طرفی صرف ممنوعیت یک امر نافی ضرورت انجام احتیاط‌های لازم نیست؛ لذا به‌نظر می‌رسد که هر چند جامعه بین‌الملل روبه انسجام می‌رود اما لزوم قواعد کلی امری پسندیده به شمار می‌رود.

از طرفی عده‌ای اعتراف به وجود قواعد جنگ را صحیح نمی‌دانند، زیرا آن را به نوعی مشروعیت بخشیدن به جنگ قلمداد می‌نمایند؛ در حالیکه عده‌ای دیگر برخلاف این نظر معتقدند که غیرقانونی بودن توسل به زور، نمی‌تواند مشروعیت حقوق جنگ را نفی کند. زیرا هدف حقوق جنگ آن است که عواقب وخیم عدم توانایی جامعه بین‌المللی، در جلوگیری از جنگ را کاهش دهد؛ بنابراین ضرورت دارد که مقررات محدودکننده‌ای در این خصوص وجود داشته باشد تا دول شروع‌کننده جنگ با هر وسیله و روش ممکن به نابودی دشمن خود اقدام نکنند، یا آن کسانی که در معرض یک آسیب جدی قرار گرفته‌اند، به نوعی از قواعد انسان دوستانه بهره‌مند شوند؛ و



و در خاک ممالک اشغالی هم قابل اجرا است، هرگاه یکی از دول متخاصم عضو این قرارداد نباشد دول متخاصم دیگر که در این قرارداد شرکت دارند، در روابط متقابل خود تابع این قرارداد خواهند بود، چنانچه آن دولت مقررات این قرارداد را قبول و اجرا کند، در مقابل او نیز ملزم به اجرای این قرارداد خواهند بود. طبق ماده ۳ کنوانسیون اعمال زیر در جنگ ممنوع اعلام شده است:

- لطمه به حیات و تمامیت بدنی از جمله قتل به تمام اشکال آن زخم زدن، رفتار بیرحمانه، شکنجه و آزار
- اخذ گروگان
- لطمه به حیثیت اشخاص از جمله تحقیر و تخفیف
- محکومیت بدون دادگاه قانونی و تصمیمات قضایی

مضافاً اینکه در جنگ ناپستی به افرادی که در جنگ شرکت نداشته‌اند یا مجروحان و کسانی که اسلحه خود را به زمین گذاشته‌اند با تعیین بر خورد یا خلاف اصولی غیر از اصول انسانیت رفتار کرد. در صورت جنگ بین نیروهای زمینی و دریایی مقررات این کنوانسیون فقط درباره نیروهای دریانشین اجرا خواهد شد، همچنین است وظیفه دولت‌های بی طرف که زخمی‌ها را نگهداری یا درمان می‌نمایند. دولت‌های متعاقد می‌توانند در جهت اجرای این کنوانسیون قراردادهای اختصاصی بین خود منعقد نمایند، مشروط بر آنکه حقوق مکاتبه قرارداد حاضر را زیر پا نگذارند، نیز مطابق ماده ۷ کنوانسیون زخمی‌ها، بیماران و کارکنان بهداری حق سلب حقوق مکاتبه کنوانسیون را از خود ندارند و در ماده ۹ این قرارداد پیش‌بینی نموده که بتوان از کمک سایر دولی که به عنوان دول حامی در جنگ نامیده می‌شوند جهت حسن اجرای کنوانسیون بهره برد. همچنین به کمیته

منظور تجدید نظر در دهمین قرارداد لاهه مربوط به مصوبه ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ راجع به انطباق اصول قرارداد ۱۹۰۶ ژنو راجع به جنگ دریایی اتفاق نظر یافته و قرارداد نهایی آن به امضا رسید. این کنوانسیون دارای ۸ فصل و ۶۳ ماده است. همچنین در پایان این کنوانسیون که تحت عنوان مقررات نهایی به آن اشاره شده است، مشتمل بر ۹ ماده از ۵۴ الی ۶۳ می‌باشد که مطالبی پیرامون فسخ، الحاق، تصویب و زبان قرارداد را شامل می‌شود. ایران و حدود ۱۴۰ کشور دیگر به این کنوانسیون ملحق شده‌اند. قرارداد پا دو متن فرانسه و انگلیسی تحریر که بعداً ترجمه رسمی آن به زبان‌های روسی و اسپانیولی به شورای متحد سوئیس سپرده شد.

بر اساس مقررات مواد ۱ تا ۱۱ این کنوانسیون دول متعاقد کنوانسیون تقبل نموده‌اند که قرارداد را در هر مورد رعایت نمایند و اتباع خود را به رعایت آن نیز وادار نمایند. همچنین دولت‌ها در مواد ۴۵ و ۴۶ کنوانسیون مکلف شده‌اند که چنانچه قوانین داخلی آن‌ها نارسا باشد برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از مقررات کنوانسیون قوانین لازم را تصویب نموده و در حالت جنگ موجبات اجرای این قرارداد بین‌المللی را توسط فرماندهان خود فراهم سازند؛ نیز به موجب ماده ۴۸ کنوانسیون دول متعاقد تعهد کرده‌اند مقررات این کنوانسیون در زمان جنگ و صلح تدریس و اشاعه نمایند؛ و نیز ترجمه قرارداد را به شورای متحد سوئیس و در زمان جنگ به وسیله دول حامی به یکدیگر ابلاغ نمایند.

بر اساس ماده ۲ کنوانسیون علاوه بر مقرراتی که در زمان صلح باید اجرا شود این کنوانسیون در صورت جنگ رسمی یا هرگونه مخاصمه مسلحانه که بین دو یا چند دولت از دول متعاقد باشد اجرا می‌شود



تفکیک میان مفاهیم دیپلماسی پیشگیرانه (پیشگیری از درگیری)، برقراری صلح (پایان درگیری) و حفظ صلح (مدیریت درگیری) و صلح‌سازی، بر اهمیت صلح‌سازی ساختاری در دوران پس از درگیری با هدف بازسازی نهادها و زیرساخت‌های کشورهای جنگ‌زده و برقراری روابط متقابل مسالمت آمیز میان طرفین درگیر تأکید کرد. به مرور، این گرایش ساختاری نسبت به صلح‌سازی به حوزه‌های گسترده‌تری نظیر عدالت، بهبود روابط و تأمین نیازهای اساسی تسری یافت. صلح‌سازی در دو مفهوم موسع و مضیق قابل تعریف است. تعریف مضیق صلح‌سازی به دوره پس از درگیری یا خشونت مربوط می‌شود که اصطلاحاً «صلح‌سازی پس از درگیری» نامیده می‌شود و طیف وسیعی از اقدامات مرتبط با ظرفیت‌سازی، آشتی، بازسازی روابط انسانی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و در مفهوم موسع آن متضمن اقدامات بلندمدت برای ایجاد تحول اجتماعی و ساختاری از یک طرف و اقدامات کوتاه مدت فرایندهای برقراری صلح و حفظ صلح (یعنی اقدامات درخصوص هشدار

اولیه و واکنش به موقع پیشگیری از خشونت، ماموریت‌های حفظ صلح نظامی و غیرنظامی، مداخله نظامی، کمک‌های بشردوستانه، موافقت‌نامه‌های آتش‌بس، هنجارسازی و آشتی) از طرف دیگر است.

صلح فرایندی است که بدون

صلیب سرخ جهانی یا سایر دستگاه‌های بشر دوستانه بی‌طرف اجازه داده که جهت حمایت زخمی‌ها و بیماران و پرسنل درمانی و افراد دارای نشان مذهبی (مثل کشیشان و...) اقدامات خود را به انجام رسانند، ضمن آنکه در قرارداد پیش‌بینی شده که بتوانند دول حامی که مجری قرارداد تلقی می‌شوند تعویض شوند. این تعویض ممکن است به یک کمیته بین‌المللی واگذار شود و نیز ممکن است یکی از سایر کشورهای بی‌طرف اقدام‌های لازم را صورت دهد، دولتی که عهده‌دار وظایف اجرایی قرارداد می‌شوند باید توانایی لازم را دارا بوده و تضمینات کافی هم برای حسن اجرای آن بدهد. در صورتی که دول حامی از لحاظ منافع اشخاص تحت‌الحمایه مفید بدانند، از جمله در صورت بروز اختلاف بین دول متخاصم در موضوع اجرا یا تفسیر برای آن حل اختلاف نیز مساعدت خواهد کرد و برای این منظور از طرفین جهت تشکیل جلسه‌ای در خاک خود یا کشور بی‌طرف دیگر دعوت به عمل می‌آورد و ممکن است یک سازمان بین‌المللی یا یک شخصیت بین‌المللی برای تقویت هم دخالت نماید.

مفهوم صلح

اولین ظهور عینی و بین‌المللی مفهوم صلح‌سازی را می‌توان در طرح «دستورکار برای صلح» در سال ۱۹۹۲ یافت که توسط بطروس غالی دبیرکل وقت سازمان ملل متحد پیشنهاد شد، (بطروس غالی ضمن



استناد نیست. اگرچه در متن ماده ۵۱ از «حمله مسلحانه» و نه حمله مسلحانه توسط یک دولت سخن رفته، اما این ماده «دفاع از خود» را «تا زمان اتخاذ تدابیر لازم توسط شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، یعنی صلح و امنیت بین کشورها مجاز می‌داند؛ نکته‌ای که حاکی از تمرکز این ماده بر ماهیت بین‌الدولی «حمله مسلحانه» است. از روح حاکم بر کل منشور نیز همین معنا مستفاد می‌شود. ماده ۵۱ آخرین ماده فصل هفتم منشور است؛ فصلی که عنوان و همه مواد آن بر نقض صلح در رابطه بین دولت‌ها متمرکز است. روشن است که وقتی هدف این فصل جلوگیری از تجاوز و نقض صلح بین کشورهاست، ماده ۵۱ باید در همان بستر فهم شود. به‌علاوه، مذاکرات منتهی به تدوین منشور نیز به روشنی مشخص می‌کند که در ماده ۵۱ حمله مسلحانه دولت علیه دولت مراد بوده است. به‌علاوه، حتی اگر اسرائیل در چارچوب ماده ۵۱ حق دفاع می‌داشت، این حق تنها می‌توانست در حد متوقف کردن و پس‌زدن حمله مسلحانه باشد. هدف اعلام‌شده اسرائیل مبنی بر نابودی حماس و تخریب گسترده نوار غزه هیچ تناسبی با مضمون ماده ۵۱ منشور ندارد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در بند ۱۳۹ نظریه مشورتی ۲۰۰۴ خود را در مورد دیوار حائل، استناد اسرائیل به ماده ۵۱ منشور برای مقابله با «تهدیداتی که منشأ آن درون اراضی اشغالی فلسطینی است» رد کرد.

۲- نکته مهم‌تر این است که اساساً «حق دفاع از خود» برای مقابله با مردم تحت اشغال قابل طرح نیست؛

توسل به زور جریان می‌یابد و هدف آن نه‌تنها جلوگیری از خشونت و اعمال زور است بلکه ایجاد شرایط واقعی همزیستی افراد و گروه‌های مختلف در محیطی آرام و فارغ از تنش است و استقرار آن نباید به گونه‌ای باشد که بر موجودیت فردی و جمعی و همچنین شأنیت و مرتبت انسان‌ها لطمه‌ای وارد آورد یا منافع حیاتی جامعه و عدالت را به مخاطره بیندازد. مسلم است این هدف زمانی تحقق می‌یابد که علل و اسباب تعارض از میان برود و هر اختلاف با اتخاذ رویکردهای دموکراتیک و مسالمت‌آمیز فیصله یابد. صلح‌سازی در بعد ارتباطی آن بر ریشه‌ها و دلایل درگیری و آثار و پیامدهای آن، جبران خسارت و یا بازسازی روابط آسیب‌دیده درخصوص افرادی که ارتباط مستقیم و رودررویی باهم دارند، تأکید می‌کند.

نگاه اجمالی به جنگ میان اسرائیل و حماس

بسیاری از کشورهای غربی از «حق اسرائیل برای دفاع از خود» سخن گفته و آمریکا در نامه‌ای به شورای امنیت در ۱۸ اکتبر این حق را به ماده ۵۱ منشور و «حق دفاع از خود» در آن مستند دانسته است. متن و روند تدوین منشور روشن می‌کند که ماده ۵۱ در ارتباط با دفاع در برابر حملات مسلحانه از سوی بازیگران غیردولتی مانند حماس قابل

ماده ۵۱ در ارتباط با مساله

«دفاع از خود» در برابر

حملات مسلحانه از سوی

بازیگران غیردولتی مانند

حماس قابل استناد نیست.



اصل ضرورت ایجاب می‌کند که توسل به زور برای «برقراری نظم و قانون» تنها به‌عنوان آخرین چاره و آنگاه که منطقی‌ا امکان موفقیت داشته باشد، مدنظر قرار گیرد. به‌عنوان مثال، اسرائیل راه‌حل مندرج در قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت، یعنی خروج از اراضی اشغال‌شده در ۱۹۶۷ را به‌عنوان بدیلی برای خشونت نیازموده است. همچنین تجاوز تمام عیار اسرائیل علیه غزه راه‌حل نهایی نیست و نمی‌تواند هدف تأمین امنیت برای اسرائیل را محقق کند. ده‌ها سال توسل اسرائیل به زور نشان داده است که در صورت نابودی حماس، ادامه اشغال می‌تواند موجب ظهور حماس‌های دیگر شود. اصل تناسب مقرر می‌کند که میزان زور در دفاع از خود با میزان زوری که توسط مهاجم اعمال شده و نیز با اهداف نظامی مشروع مدنظر و میزان خسارت جانی و مالی که وارد می‌کند، تناسب داشته باشد. اصل تناسب به همراه اصل ضرورت بارها در آرای دیوان مورد تأکید قرار گرفته است. اصل احتیاط نیز حکم می‌کند که رابط‌های بین یک عملیات نظامی خاص و هزینه جانی و مالی آن برای غیرنظامیان وجود داشته باشد و از عملیاتی که هزینه زیادی برای غیرنظامیان دارد، اجتناب شود. در این چارچوب حتی از حمله به یک هدف مشروع که می‌تواند با خسارت جانی برای غیرنظامیان همراه باشد، باید اجتناب شود. روشن است که اسرائیل در عملیات نظامی خود

برعکس، بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل اول آن، کشور اشغالگر ملزم به حفاظت از مردم تحت اشغال است و حق «برقراری نظم و قانون» توسط اشغالگر نیز صرفاً در چارچوب حقوق بشر و بشردوستانه بین‌المللی قابل انجام است. ادعای اسرائیل مبنی بر اینکه با خروج از غزه در ۲۰۰۵ به اشغال این منطقه خاتمه داده، مورد قبول هیچ‌کدام از ارکان حقوق بین‌الملل، از جمله دیوان کیفری بین‌المللی و حتی اتحادیه اروپا نیست؛ چراکه ارتش اسرائیل به‌عنوان «نیروی مسلح متخاصم خارجی» به رغم خارج‌شدن از غزه هیچ‌گاه «کنترل مؤثر» بر این باریکه را مطابق تعریف حقوقی اشغال (ماده ۴۲ کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷) رها نکرده و با محاصره کامل و اعمال کنترل بر مرزهای هوایی، زمینی و دریایی آن و اعزام مکرر پرسنل نظامی به داخل غزه و کنترل سرشاخه‌های آب، برق، سوخت و نیازهای اولیه مردم آن، «کنترل مؤثر» خود را اعمال کرده و در نتیجه مطابق کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل اول آنکه بسیاری از مفاد آن در زمره حقوق عرفی هستند، مسئول زندگی و امنیت مردم غزه است.

رعایت قوانین جنگ

همه حقوق دانان و تقریباً همه کشورها، حتی آنان که برای اسرائیل «حق دفاع از خود» قائل‌اند، درباره لزوم اعمال آن در چارچوب حقوق بشر و بشردوستانه بین‌المللی، از جمله رعایت اصولی مانند تناسب، ضرورت، احتیاط و تفکیک اهداف نظامی و غیرنظامی متفق‌القول‌اند.

حتی اگر اسرائیل در چارچوب

ماده ۵۱ حق دفاع می‌داشت،

این حق تنها می‌توانست در حد

متوقف‌کردن و پس‌زدن حمله

مسلحانه باشد.





همه این اصول را به نحوی فاحش زیر پا گذاشته است و اهداف و تاکتیک‌های آن در مغایرت آشکار با حقوق بشر و بشردوستانه بین‌المللی است. به علاوه، حقوق بین‌الملل همه شمول است و رژیم اشغالگر و نیروی مقاومت به یک اندازه مکلف به رعایت آن هستند و هیچ طرفی معاف از رعایت آن نیست و نیز نقض آن توسط یک طرف به طرف دیگر مجوز نقض آن را نمی‌دهد. مقابله به مثل نیز در حقوق بین‌الملل جایی ندارد؛ به‌ویژه عمل تلافی‌جویانه علیه غیرنظامیان مطابق ماده (۶) پروتکل الحاقی به کنوانسیون چهارم ژنو ممنوع است. همچنین، ماده (۸) پروتکل تأکید می‌کند که نقض قانون توسط یک طرف، طرف‌های درگیر را از تعهدات قانونی‌شان معاف نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

یکی از دستاوردهای مهم سازمان ملل متحد تثبیت قاعده ممنوعیت توسل به زور و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات میان ملت‌ها بود. بر این اساس منشور استثنائات این قاعده را نیز تعیین و در هر دو ماده ۴۲ و ۵۱ جایگاه ویژه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل داده است. به همین خاطر به رغم وقوع جنگ‌ها و توسل کشورها به زور در برخی برهه‌ها و ارائه توجیهات و استدلال‌های آن‌ها برای مشروع نشان دادن کاربرد زور، رویه جامعه بین‌المللی سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل عدم پذیرش آن بوده است.

با این همه حوادث یازدهم سپتامبر موجب تحولاتی جدید در عرصه بین‌المللی شد. رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه ایالات متحده که به تضعیف نقش سازمان ملل انجامید موجب شد تا تلاش شود اصلاحاتی در منشور و در گسترش مفهوم دفاع مشروع صورت گیرد. اما این تلاش‌ها به واسطه نگرانی عمده کشورها از استانداردهای دوگانه در رویارویی با رخدادها و نیز ایرادات و ابهامات حقوقی با شکست مواجه شد البته مخالفان



میپذیرند که امروز تهدیداتی چون تروریسم و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند. به عبارت دیگر تحول در بازیگران تهدید کننده، ابزار، شیوه‌ها و اهداف تهدید را می‌پذیرند اما با دو مسئله مخالفت دارند: نخست اقدامات یکجانبه گرایانه و دوم توسل به راهکارهای نظامی به عنوان گام‌های نخست. امروز سازمان ملل متحد مرکز هماهنگ سازی اقدامات ملت‌ها در جهت تحقق صلح و امنیت بین‌الملل و توسعه روابط دوستانه است از این رو هرگونه مبارزه با تروریسم و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی نیازمند طرح و اقدام موثر و مشترک دولت‌ها در چارچوب سازمان ملل متحد است. چرا که اگر سازمان ملل قادر به رویارویی با تهدیدات نوین نباشد، ضرورت و فلسفه وجودی خود را به میزان زیادی از دست خواهد داد بنابراین بنا به توصیه منشور نه‌تنها باید به اقدامات دسته جمعی مطابق نظام ملل متحد دست زد بلکه منشور در رابطه با هر مسئله‌ای که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد ابتدا راهکارهای مسالمت‌آمیز را مطرح می‌کند و در قدم بعد نیز اقدامات تنبیهی را مدنظر می‌گیرد که آن هم متضمن به‌کارگیری زور نباشد. رعایت این ترتیبات و توصیه‌ها در کنار انعقاد کنوانسیون‌ها و معاهدات جدید در قالب سازمان ملل در جهت تعریف، تکالیف و تعهدات دولت‌ها در مبارزه با این چالش‌ها و تهدیدات جدید می‌تواند زمینه اقدامات جمعی و موثر جامعه بین‌المللی از جمله در صورت نیاز اقدامات قهری را فراهم کند. از سوی دیگر برخی تهدیدات رخ داده حاکی از آن است که بهره‌گیری از ابزار نظامی و نیز اقدامات پیشدستانه در رویارویی با تهدیدات جدید نه‌تنها کارساز نیست بلکه می‌تواند به پیچیده شدن بحران‌ها منجر شود. نمونه‌های افغانستان و عراق حاکی از آن است که به‌رغم سرنگونی دو حکومت مستبد و خطرناک مسئله تروریسم حل نشده است



**به رغم وقوع جنگ‌ها و توسل کشورها به زور در برخی
برهه‌ها و ارائه توجیهات و استدلال‌های آن‌ها برای مشروع
نشان دادن کاربرد زور، رویه جامعه بین‌المللی سازمان
ملل متحد و حقوق بین‌الملل عدم پذیرش آن بوده است.**

پانوش:

ماده ۵۱ منشور ملل متحد: در صورتی که یک عضو ملل متحد مورد تجاوز مسلحانه واقع شود هیچ یک از مقررات این منشور به حق طبیعی دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی تا موقعی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد لطمه وارد نخواهد آورد و اقداماتی که اعضاء برای اجرای حق دفاع مشروع به عمل می‌آورند باید فوراً به شورای امنیت اطلاع دهند ولی این اقدامات به هیچ وجه در اختیارات و وظایفی که شورا بر طبق این منشور دارد و به موجب آنها در هر موقع روشی را که برای حفظ ویا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی لازم می‌داند می‌تواند اتخاذ کند، تأثیری نخواهد داشت.

و مردم این کشورها پس از رهایی از دامان حکومت‌های دیکتاتوری همراه با نیروهای اشغالگر گرفتار حملات پی‌درپی گروه‌های تروریستی شده‌اند. از سوی دیگر وقوع برخی حملات تروریستی از سوی اتباع کشورهای غربی در سرزمین خود و یا عزیمت به کشورهای دیگر و پیوستن به گروه‌های افراطی این مسئله را گوشزد می‌کند که امروز تهدید صرفاً از مناطقی چون خاورمیانه نیست، بلکه تهدیدات تروریستی می‌تواند از درون کشورهای توسعه‌یافته غربی هم صورت گیرد. بنابراین جامعه بین‌المللی باید به صورت مشترک و هماهنگ راهکارهای نوینی برای رویارویی با این چالش‌ها بیابد.





آرزو عیزی

وکیل پایه یک دادگستری،
کارشناس مددکاری اجتماعی،
کارشناس ارشد حقوق بین الملل

جنگ

چگونه می‌تواند برزندگه زنان، دختران و کودکان تاثیرگذار باشد؟

است و پدرم به جنگ رفته و نمی‌دانم کی برمی‌گردد. ما باید به مکان‌های پنهان برویم تا از گلوله‌ها و بمب‌ها در امان باشیم. من دوست دارم که این همه ترس و وحشت تمام شود. ما همیشه در تاریکی و نداشتن امنیت زندگی می‌کنیم. امیدوارم یک روز جنگ تمام شود و همه چیز به حالت قبل برگردد.

وقتی جنگ اتفاق می‌افتد، همه چیز به هم می‌ریزد. صدای تیراندازی و انفجارها همیشه در هواست. خانه‌ها و مدارس تخریب می‌شوند و همه چیز دور و برمان خراب می‌شود. اوقات ترسناکی است و من هرگز نمی‌توانم بیدار بمانم. من دوست دارم که به مدرسه بروم و با دوستانم بازی کنم، اما این اتفاق نمی‌افتد. مادرم همیشه نگران



در شهرها باقی مانده یا از خانواده و شهر خود جدا شده و به سمت شهرهای جنگ‌زده برای امداد شتافته‌اند. این زنان با مهارت‌های خود به پرستاری یا امدادگری پرداخته و یا حتی خبرنگار جنگی شده و اگر مهارت خاصی نداشته‌اند به آب‌رسانی، گذارسانی به بازمانده‌ها پرداخته‌اند و در عین حال دسته‌ای از زنان هستند که اصلاً در مناطق جنگی نبوده و با رفتن مردان خانواده به جنگ تجربه جنگ را داشته‌اند.^۱

جنگ چه تاثیراتی بر روی زنان می‌گذارد؟

جنگ در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و اقتصادی بر روی زنان تأثیرگذار است. از جمله اثرات فردی، فشار روحی بوده که زنان در زمان جنگ ممکن است به عنوان پناهنده یا مستقیماً با حضور در نبردها درگیر آن باشند، که این امر می‌تواند منجر به استرس شدیدی شده و در مدت زمان طولانی پس

از دیرباز جنگ و هنگامه‌های آن تمامی جهان را درگیر خود ساخته است. امروزه بحث جنگ برای ما ملموس‌تر شده چرا که امسال شاهد درگیری بین فلسطین و اسرائیل هستیم و از طرفی در سال ۱۴۰۰ نیز نظاره گر جنگ روسیه و اوکراین بوده‌ایم و با وجود رسانه‌ها و شکل‌گیری بنیادهای متعدد همچنان نیاز به مطالعه و بررسی جنگ و تأثیر آن در جوامع و بازه‌های زمانی مختلف احساس می‌شود چراکه جوامع به صورت روز افزونی در حال گذار از سنتی، مدرن، حتی رسیدن به پسا مدرن هستند و متأسفانه با وجود پیشرفت‌های متعدد، ما همچنان در جوامع نظامی زندگی می‌کنیم و بر خلاف رویکرد خوش‌بینانه عصر مدرنیته به حذف نماد جنگ از زندگی روزمره بشر، بخصوص قشر آسیب‌پذیر زنان، کودکان و سالمندان، ما هرروز شاهد اشکال مخرب‌تر جنگ و پیامدهای منفی بر زیست جهان بوده‌ایم، به صورتی که در این دوره خطر جنگ می‌تواند تمامی هستی بشر را در معرض نابودی قرار دهد.

برای بررسی وضعیت زنان و تأثیر جنگ بر شرایط زندگی و روحیه زنان می‌توانیم نگاهی به جنگ میان کشورمان با عراق بیندازیم، حضور همه زنان ایرانی در جنگ دارای وجه اشتراک نبوده بلکه هریک به دلایلی و به شکلی حضور داشته‌اند و یا حتی بدون حضور در صحنه نبرد از جنگ تأثیر پذیرفته‌اند و زندگی‌شان دستخوش تغییر و تحولات متعدد گردیده است.

اولین زنانی که به لحاظ زمانی و مکانی از جنگ تأثیر می‌گیرند زنان جنگ‌زده هستند که این مواجهه غافلگیرانه بوده است و حتی بعد از مهاجرت به مناطق مختلف که امن‌تر بوده عده‌ای از این زنان برای کمک در صحنه نبرد



پزشکی داشته باشند که این موضوع بر سلامت آنها و نوزادشان تأثیر منفی می‌گذارد، از بعد اجتماعی زنان در زمان جنگ از حقوق بشر خود نیز محروم می‌شوند و مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و به عنوان نتیجه جنگ از حقوق اساسی خود مانند حق بهداشت، تحصیل و کار محروم می‌شوند. جنگ منجر به تغییر نقش‌های اجتماعی زنان در جامعه می‌شود و آنها را به مسئولیت‌های جدیدی مانند تأمین نیازهای خانواده می‌کشانند. از طرفی تأثیرات اقتصادی جنگ بر زنان بسیار زیاد است چرا که بسیاری از زنان مادر هستند و در فقر و نداری ایجاد شده به دلیل جنگ به هر سمتی کشیده می‌شوند و در عین حال از فرصت‌های اقتصادی محروم می‌شوند و این می‌تواند بر روند توسعه اقتصادی آنها تأثیر منفی داشته و بر زندگی و آینده آنان و کودکان‌شان تأثیرات جبران ناپذیری داشته باشد.

تعرض به زنان در جنگ

موضوعی که به شدت بر تمامی زوایای زندگی زنان اثرگذار است و باعث آسیب‌های متعدد چه روحی و جسمی بر زنان می‌شود تجاوز و دست‌درازی به تمامیت جسمانی و روحی زنان می‌باشد. بله، به زنان در جنگ تجاوز می‌شود. تجاوز به زنان در مناطقی که درگیر جنگ یا نزاع‌های مسلحانه هستند، مشکل جدی و گسترده‌ای است. این امر ممکن است به شکل‌های مختلف از تجاوز جنسی تا تجاوز فیزیکی صورت گیرد و تأثیرات عمیقی بر جوامع و فردیت زنان داشته باشد. تجاوز به زنان در جنگ موجب ترس و وحشت در جامعه، افزایش اختلال‌های روانی، افزایش خطرات برای بهداشت جسمی و روانی زنان شده و برای شرکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و دسترسی به خدمات

از پایان جنگ نیز ادامه داشته باشد، زنان باردار در شرایط جنگی ممکن است به دلیل نگرانی‌های مربوط به امنیت خود و نوزادشان به استرس و نگرانی بیشتری دچار شوند که این موضوع می‌تواند بر سلامت روانی آنها تأثیر مخرب‌تری داشته باشد و در عین حال آسیب‌های جسمی نیز می‌بینند حتی ممکن است هدف مستقیم حملات در جنگ قرار بگیرند، که ممکن است برای مدت‌ها یا برای همیشه اثرشان باقی بماند. حملات نظامی، انفجارها و جنگ می‌تواند به طور مستقیم خطرات فیزیکی برای زنان باردار هم ایجاد نماید. زنان در زمان جنگ به کرات مورد تحقیر، آزار و تجاوز قرار می‌گیرند که این امر علاوه بر آسیب‌های جسمی اثرات عمیق‌تری بر روحیه و اعتماد به نفس آنها می‌گذارد. زنان باردار در مناطق جنگی ممکن است به دلیل شرایط نامساعد دسترسی محدودتری به خدمات بهداشتی و مراقبت



و ارائه خدمات مراقبتی و امدادی مناسب به زنان قربانی تجاوز جنسی بسیار مؤثر است.

۴. آموزش و اطلاع‌رسانی: آموزش و اطلاع‌رسانی در مورد حقوق زنان و خطرات تجاوز جنسی می‌تواند به تقویت اطلاعات و امکانات زنان برای پیشگیری از خطرات مرتبط کمک نماید. به طور کلی، حمایت از زنان قربانی تجاوز جنسی نیازمند ارائه خدمات پزشکی و روانی، اطمینان از امنیت فیزیکی، ارائه حمایت حقوقی، تقویت امکانات مراقبتی و امدادی، و آموزش و اطلاع‌رسانی می‌باشد.

جنگ بر روحیات کودکان چه تاثیری می‌گذارد؟

کودکان در شرایط جنگ و نبرد تحت تأثیرات منفی فیزیکی و روانی قرار می‌گیرند که این موضوع بر روح و روانشان تأثیرگذار است. در زیر به برخی از زوایای تأثیر جنگ بر روحیات کودکان اشاره می‌شود:

۱. استرس و اضطراب: کودکان ممکن است به دلیل شاهد بودن بحران‌ها، انفجارها

جنگ بنیان خانواده را از هم می‌پاشد. جنگ و نزاع‌های مسلحانه به شدت بر روابط خانوادگی تاثیرگذار بوده و منجر به انحراف از نقش و وظیفه‌های خانوادگی و ایجاد مشکلات جدی در روابط خانوادگی می‌شود.

بهداشتی و روانی مشکلاتی ایجاد می‌نماید. همیشه سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و سازمان‌های انسان‌دوست به مداخله و پیشگیری از تجاوز به زنان در مناطق درگیر جنگ می‌پردازند و سعی در ارائه حمایت و محافظت از زنان در این مناطق دارند. حمایت از زنانی که قربانی تجاوز جنسی شده‌اند، امری بسیار حیاتی است و این زنان نیازمند حمایت فوری و مستمر هستند. در زیر به برخی اقداماتی که می‌توان برای حمایت از زنان قربانی تجاوز جنسی انجام داد اشاره می‌شود:

۱. ارائه خدمات پزشکی و روانی: ارائه خدمات پزشکی فوری به زنان قربانی تجاوز جنسی، ارائه مراقبت‌های پزشکی و دارویی، و ارائه خدمات روانی و مشاوره می‌تواند برای بهبود وضعیت آنها اساسی باشد. اطمینان از امنیت فیزیکی: اطمینان از امنیت فیزیکی زنان و جلوگیری از خطرات احتمالی مجدد برای آنها بسیار حیاتی است.

۲. ارائه حمایت حقوقی: ارائه حمایت حقوقی به زنان قربانی تجاوز جنسی برای دستیابی به عدالت و احقاق حقوق اساسی آنها بسیار اهمیت دارد.

۳. تقویت امکانات مراقبتی و امدادی: ایجاد فضاهای امن و حمایت از سوی جوامع محلی

آموزش و اطلاع‌رسانی در مورد

حقوق زنان و خطرات تجاوز

جنسی می‌تواند به تقویت

اطلاعات و امکانات زنان برای

پیشگیری از خطرات مرتبط

کمک نماید. حمایت از زنان

قربانی تجاوز جنسی نیازمند

ارائه خدمات پزشکی و روانی،

اطمینان از امنیت فیزیکی، ارائه

حمایت حقوقی، تقویت امکانات

مراقبتی و امدادی، و آموزش و

اطلاع‌رسانی می‌باشد.



فرصت‌های تحصیلی و بازی، بر روی روحيات کودکان تأثیر بگذارد.

۵. ایجاد اختلالات روانی: شرایط جنگی می‌تواند منجر به ایجاد اختلالات روانی مانند افسردگی، اضطراب و اختلال استرس پس از حادثه روی روحيات کودکان شود. بنابراین، تأثیرات جنگ بر روحيات کودکان می‌تواند بسیار جدی و گسترده بوده و نیازمند توجه و حمایت فوری از سوی اجتماع بین‌المللی و دولت‌ها است تا از تأثیرات منفی جنگ بر روحيات کودکان جلوگیری شود.

(حالا گیریم اکثریت آنان زنده بمانند، اما آن وحشتی که حس میکنی.....گیرم زنده بمانی، تصور کنید که بچه‌هایی که در زیرزمین پناه می‌گیرند چه حسی دارند، با وجود آن صدا، آن‌ها که برای زندگی شان می‌دوند. خیلی خیلی دردناک است.)^۲

و خشونت‌های جنگی به استرس و اضطراب مرتبط با امنیت شخصی و خانواده‌شان دچار شوند.

۲. مشکلات اجتماعی و رفتاری: کودکان ممکن است با مشکلات رفتاری مانند خشونت و عصبانیت یا مشکلاتی برای پیدا کردن دوست مواجه شوند.

۳. از دست دادن عزیزان: از دست دادن اعضای خانواده یا دوستان به دلیل جنگ می‌تواند برای کودکان منجر به احساس اندوه و افسردگی شود.

۴. ترس و وحشت: شاهد بودن خشونت‌ها و انفجارها می‌تواند در کودکان ترس و وحشت ایجاد کرده و به آنها احساس عدم امنیت بخشد. از بین رفتن فرصت‌های تحصیلی و بازی: جنگ ممکن است منجر به تخریب مدارس و فضاهای بازی کودکان شود که این موضوع ممکن است به دلیل از بین رفتن



فشارهای مالی بر آنان و از طرفی افزایش تنش‌ها و نزاع‌های درون خانواده می‌شود.

۳. افزایش استرس و اضطراب: اعضای خانواده ممکن است به دلیل استرس و اضطراب مرتبط با شرایط جنگی و نگرانی‌های مربوط به امنیت خود و خانواده‌شان، با مشکلات روانی مواجه شوند که این موضوع می‌تواند روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد.

۴. از دست دادن اعضای خانواده: جنگ منجر به از دست دادن اعضای خانواده و عزیزان شود که این موضوع برای خانواده‌ها منجر به رنج و درد بیشتری می‌شود. بنابراین، جنگ می‌تواند به شدت تأثیرگذار بر بنیان و روابط خانوادگی باشد و منجر به از هم پاشیدن خانواده‌ها و ایجاد مشکلات جدی در روابط خانوادگی شود.

برای کاهش تاثیر منفی جنگ بر روی زنان و دختران و کودکان چه راهکارهایی وجود دارد:

تأثیر جنگ بر بنیان خانواده و روابط خانوادگی چیست؟

جنگ بنیان خانواده را از هم می‌پاشد. جنگ و نزاع‌های مسلحانه به شدت بر روابط خانوادگی تأثیرگذار بوده و منجر به انحراف از نقش و وظیفه‌های خانوادگی و ایجاد مشکلات جدی در روابط خانوادگی می‌شود. در زیر به برخی از تأثیرات جنگ بر بنیان خانواده اشاره می‌شود:

۱. از هم پاشیدن خانواده: جنگ باعث از هم پاشیدن خانواده‌ها می‌شود؛ زیرا ممکن است اعضای خانواده به دلیل شرایط امنیتی و اقتصادی از یکدیگر جدا شوند و مجبور به از دست دادن عضوی از خانواده یا فراموش نمودن شده و با فقدان ارتباط روابط خانوادگی به نابودی کشیده شود.

۲. مشکلات اقتصادی: جنگ به تخریب زیرساخت‌ها و اقتصاد کشورها منجر می‌شود که این موضوع منجر به ایجاد مشکلات اقتصادی خانواده‌ها و افزایش





از زنان در شرایط جنگی کمک نموده و تأثیرات منفی جنگ بر زنان را کاهش داد.

آیا جنگ تأثیر مثبتی هم بر زندگی زنان دارد؟

از دیدگاه عمومی، جنگ تأثیرات منفی بسیار زیادی بر زنان دارد و به طور کلی نمی‌تواند تأثیر مثبتی بر زندگی آنها داشته باشد. تأثیرات منفی جنگ بر زنان، از جمله از دست دادن اعضای خانواده، تجاوز جنسی، محدودیت‌ها در دسترسی به خدمات اساسی، و آسیب‌های روانی و فیزیکی، نشان از این موضوع است. با این حال، در برخی موارد خاص، ممکن است در طول یا پس از جنگ، بخش‌هایی از جوامع متأثر از جنگ تغییراتی را تجربه کنند که می‌تواند تأثیر مثبتی بر زنان داشته باشد. به عنوان مثال:

۱. شرکت در فرآیندهای صلح‌آمیز: زنان ممکن است پس از جنگ در فرآیندهای صلح‌آمیز و بازسازی کشور خود شرکت کرده و نقش‌های مؤثری در تأمین صلح و

برای کاهش تأثیرات منفی جنگ بر زنان، می‌توان از راهکارهای مختلفی استفاده نمود که به افزایش حمایت و ایجاد شرایط مناسب برای آنان کمک کند. در زیر به برخی از راهکارهای کاهش تأثیرات منفی جنگ بر زنان اشاره می‌شود:

۱. ارائه حمایت روانی و اجتماعی: ارائه حمایت روانی و اجتماعی به زنان می‌تواند به کاهش استرس و اضطراب ناشی از شرایط جنگی کمک کند. ایجاد فضاهای امن و حمایت از سوی خانواده، خصوصاً برای کودکان و دختران نوجوان و جوان، جوامع محلی و سازمان‌های غیردولتی می‌تواند به بهبود روحیات زنان در شرایط جنگی کمک نماید.

۲. تأمین دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی: اطمینان از دسترسی زنان به خدمات بهداشتی و درمانی مناسب در شرایط جنگی از جمله اقدامات مؤثر برای حفظ سلامت و روانی آنها است.

۳. تأمین فرصت‌های اشتغال: ایجاد فرصت‌های اشتغال و آموزش مهارت‌های کاری برای زنان می‌تواند به افزایش استقلال مالی و اجتماعی آنها کمک کند.

۴. اطمینان از امنیت فیزیکی: تأمین امنیت فیزیکی برای زنان و جلوگیری از خطرات جسمی و جنسی می‌تواند به حفظ امنیت آنها کمک کند.

۵. تأمین دسترسی به تحصیلات: اطمینان از دسترسی زنان به فرصت‌های تحصیلی و آموزشی، حتی در شرایط جنگی، می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس و ایجاد فرصت‌های بهتری برای آینده آنها کمک کند. با اجرای این راهکارها و اقدامات مشابه، می‌توان به حفظ حقوق و حمایت



پیشرفت اجتماعی ایفا نمایند.

۲. تأثیر در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی: پس از جنگ، زنان ممکن است فرصت‌های بیشتری برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیدا نموده و نقش‌های مؤثرتری در جوامع خود ایفا نمایند.

۳. تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌ها: برخی از جوامع پس از جنگ ممکن است بهبودهایی در نگرش‌ها و ارزش‌های خود تجربه نمایند که می‌تواند به تقویت حقوق و آزادی‌های زنان منجر شود. به هر حال، باید توجه داشت که هیچ شرایطی نمی‌تواند تأثیرات منفی یک جنگ را کاملاً جبران کند و تلاش برای جلوگیری از جنگ و حمایت از زنان در شرایط جنگی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

چه قوانینی برای حمایت از زنان در زمان جنگ وجود دارد؟

قوانین بین‌المللی متعددی وجود دارند که به حمایت از زنان در زمان جنگ می‌پردازند. این قوانین به منظور تضمین حقوق زنان در زمان‌های بحرانی مانند جنگ و مناطق مبتلا به نزاع و اختلافات مسلح تدوین شده‌اند. در زیر به برخی از این قوانین



اشاره می‌شود:

۱. توافقنامه ژنو: این توافق شامل مجموعه‌ای از قوانین بین‌المللی است که در مورد حمایت از زنان و زنان باردار و زنان و کودکان غیرنظامی در مناطق جنگی و بحرانی صادر شده است. توافق ژنو، به ویژه در بخش سوم آن که به موضوع «حمایت از زنان» اختصاص دارد، به مواردی مانند محافظت از زنان در مواقع بحرانی، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به زنان و کودکان، جلوگیری از تجارت انسانی و ازدواج اجباری، حمایت از زنان باردار و مادران نوزادها، و تأمین امکانات مورد نیاز برای زنان در مناطق جنگی و بحرانی می‌پردازد. به طور کلی، توافق ژنو به منظور تأمین حقوق زنان و کودکان و حمایت از آنها در مناطق جنگی و بحرانی به ویژه در مواقع بحران انسانی صادر شده است. این توافق به دولت‌ها و نهادهای مربوطه تکلیف می‌دهد که اقدامات لازم را برای حمایت از زنان در این مناطق انجام دهند و حقوق آنها را تضمین کنند.

۲. قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد: این قطعنامه که در سال ۲۰۰۰ تصویب شد، به حمایت از زنان در جنگ و تأکید بر نقش آنها در فرآیندهای صلح‌آمیز و حل و فصل منازعات مسلحانه می‌پردازد.

۳. قطعنامه ۱۸۲۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد: این قطعنامه که در سال ۲۰۰۸

توافقنامه ژنو شامل مجموعه‌ای

از قوانین بین‌المللی است

که در مورد حمایت از زنان و

زنان باردار و زنان و کودکان

غیرنظامی در مناطق جنگی و

بحرانی صادر شده است.

اولین زنانی که به لحاظ زمانی و

مکانی از جنگ تأثیر می‌گیرند

زنان جنگ‌زده هستند که

این مواجهه غافلگیرانه بوده

است و حتی بعد از مهاجرت به

مناطق مختلف که امن‌تر بوده

عده‌ای از این زنان برای کمک

در صحنه نبرد در شهرها باقی

مانده یا از خانواده و شهر خود

جدا شده و برای امداد به

شهرهای دیگر رفته اند.

تصویب شد، به محافظت از زنان در مناطق جنگی و از تجاوز جنسی به عنوان ابزار جنگ می‌پردازد. این قطعنامه بر آن است که دولت‌ها و نهادهای مربوطه برای جلوگیری از تجاوز جنسی در جنگ‌ها و مناطق بحرانی اقدامات لازم را انجام دهند و زنان را از آسیب‌های جنسی و جسمی در این مناطق محافظت کنند. این قطعنامه همچنین تأکید دارد که افراد و گروه‌های مسلح باید از هرگونه خشونت جنسی علیه زنان و دختران خودداری نمایند و دولت‌ها باید اقدامات لازم را برای تحقق این هدف انجام دهند. این قطعنامه همچنین تأکید دارد که خشونت‌های جنسی به عنوان ابزار جنگ می‌تواند جرم جنگی تلقی شود و مجرمان باید مورد پیگیری قرار گیرند و به عدالت تحویل داده شوند. به طور کلی، قطعنامه ۱۸۲۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد به محافظت از زنان در مناطق جنگی و جلوگیری از تجاوز جنسی به عنوان ابزار جنگ تأکید می‌کند و از دولت‌ها و نهادهای مربوطه خواستار اقدام فوری برای اجرای این تدابیر است.

۴. کنوانسیون استانبول: این کنوانسیون که



خانوادگی مردمان دارند و نیز حجم انبوهی از تغییرات اجتماعی که به دنبال می‌آورند، جزو پر دوام ترین پدیده‌ها باشند و خاطرات استواری را در ذهن کسانی باقی نهند که آنها را تجربه می‌کنند.^۳ این خاطرات بر افشار آسیب‌پذیر یعنی زنان، سالمندان و کودکان تأثیر عمیق‌تری دارد. از جمله چالش‌هایی که زنان با آن مواجه می‌شوند می‌توان به از دست دادن اعضای خانواده، مهاجرت اجباری، بی‌ثباتی اقتصادی، خطرات فیزیکی و جنسی و دسترسی محدود به خدمات بهداشتی و آموزشی اشاره نمود. همچنین، زنان در زمان جنگ نقش‌های مختلفی را بر عهده دارند. زنان ممکن است به عنوان مادر، همسر، خواهر یا دختر با از دست دادن افراد نزدیک و مراقبت از اعضای بازمانده خانواده مواجه شوند.



به‌طور کلی، زنان در زمان جنگ به دلیل وضعیت آسیب‌پذیرتر خود و نیازهای خاصی که دارند و نقش‌های مختلفی که ایفا می‌نمایند به حمایت‌های تقویت‌شده نیاز دارند. بهبود شرایط زنان در زمان جنگ نیازمند توجه به نیازها و حقوق آن‌ها و ایجاد شرایطی است که از تأثیرات منفی جنگ بر زنان کاسته و امکانات لازم برای حفظ حقوق زنان را فراهم کند.

پانویس‌ها:

۱. پژوهش زنان، تجربه زنانه از جنگ، غلامرضا جمشیدی، نفیسه حمیدی، دوره پنجم، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۶
۲. گلستانه، واقعیت مهیب جنگ، گفتگو با سوزان سانتاک، اردیبهشت ۱۳۸۲
۳. پژوهش زنان، تجربه زنانه از جنگ، غلامرضا جمشیدی، نفیسه حمیدی، دوره پنجم، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۶

در سال ۲۰۱۱ تصویب شد، به پیشگیری از خشونت علیه زنان و مبارزه با آن در مناطق جنگی و بحرانی می‌پردازد. این تنها چند نمونه از قوانین بین‌المللی هستند که به حمایت از زنان در زمان جنگ و مناطق مبتلا به نزاعات مسلح می‌پردازند. این قوانین به منظور تضمین حقوق زنان در مواقع بحرانی و به منظور کاستن از تأثیرات منفی جنگ بر زنان و کودکان طراحی شده‌اند.

نتیجه‌گیری

از میان پدیده‌های اجتماعی برخی دارای تأثیر ماندگارتر و طولانی‌تری بر حیات اجتماعی جامعه و مردمانش است و برخی به دلایل مختلف در زمان کوتاه‌تری فراموش می‌شود. شاید جنگ‌ها به لحاظ تأثیراتی که بر زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی،



ستاره‌های دیروز | هدی لامار



روفتایبیرگری
کارشناس تئاتر

ستاره‌ای شگفت‌انگیز و مسحورکننده

یک سیستم راهنما برای اژدرهای متفکین طراحی کرد که از طریق فرکانس مانع ردیابی‌شان توسط دشمن می‌شد. البته در آن زمان ارتش امریکا این اختراع را که مخترع آن یک ستاره سینما بود، جدی نگرفت. اختراع او پایه و اساس فناوری امروز از جمله وای فای، بلوتوث و جی‌بی‌اس

کودکی کنجکاو و جستجوگر بود. در دوسالگی مورد توجه یک کارگردان تئاتر قرار گرفت. آموزش باله دید و نواختن پیانو را از مادر هنرمندش آموخت. بر صحنه تئاتر و باله ظاهر شد و در مقابل بهترین بازیگران آلمان به ابفای نقش پرداخت.

مکس راینهاردت کارگردان برجسته او را زیباترین زن در کل اروپا لقب داد. به هالیوود رفت و در بیش از ۳۰ فیلم نقش‌آفرینی کرد و لقب زیباترین زن جهان را گرفت. اغلب ایفاگر نقش زن‌های فریبنده بود و در آثاری چون «الجزایر» و «رفیق ایکس» خوش درخشید. با ابفای نقش «دلپله» در فیلم «سامسون و دلپله» به شهرتی جهانی دست پیدا کرد و نام او در فهرست ۱۰ زن بازیگر برتر زن قرار گرفت.

زیبایی او زبانزد بود اما او فقط بازیگری زیبا و فریبنده نبود بلکه هرگاه از بازیگری فارغ می‌شد در آزمایشگاه کوچک خانه‌اش محقق می‌شد.



شد. با این فناوری گوشی‌های موبایل توانستند بدون تداخل فرکانسی با دکل‌های مخابراتی ارتباط برقرار کنند. در واقع حیات تلفن‌های هوشمند موهون تلاش‌های اوست.

ستاره‌ای پر رمز و راز

هدی لامار با نام اصلی هدویگ اوا ماریا کیسلر متولد نهم نوامبر ۱۹۱۳ است. او در خانواده‌ای یهودی در وین پایتخت اتریش به دنیا آمد. پدرش بانکدار و مادرش پیانیست بود. از ۱۰ سالگی آموزش باله دید و نواختن پیانو را آموخت. در ۱۶ سالگی توسط مکس راینهاردت کارگردان برجسته تئاتر و سینما کشف شد. مکس به او لقب زیباترین زن در تمام اروپا را داد. این دختر نوجوان با هدایت‌های راینهاردت توانست در فیلم‌های آلمانی بسیاری نقش اصلی را در کنار ستارگانی همچون هانس رومان و هانز موزار ایفا کند.

در سال ۱۹۳۳ در فیلم بدنام گوستاو ماخاتی (اکستازی) محصول کشور چک در نقش یک زن جوان عاشق که همسر یک پیر مرد بود ظاهر می‌شود. صحنه‌های فیلم برای جامعه سنتی آن زمان غیر معمول بود و خشم کلیسا را برانگیخت.

نمایش فیلم در بعضی از کشورها از جمله امریکا ممنوع شد. در دهم آگوست ۱۹۱۳ در ۱۹ سالگی با فردریک مندل رییس شرکت سازنده جنگ افراز ازدواج کرد. مندل تا جایی که می‌توانست نسخه‌های اکستازی را خریداری کرد و هدی را به خاطر

نقشی که در این فیلم بازی کرده بود تحقیر کرد. مندل برای هدی بازی در فیلم را ممنوع کرد.

هدی از او به عنوان مردی یاد می‌کند که کنترل بیش از حد بر زندگی او داشته و در اکثر مواقع او را در خانه زندانی می‌کرده است. اجازه کار کردن به او نمی‌داده اما در عوض او را به جلساتی در مورد تکنیک و ریاضیات می‌برد. در همان زمان بود که استعداد ذاتی هدی در زمینه علم و ریاضیات شکوفا شد و به واقعیت‌های تکنولوژی نظامی پی برد. مندل با آن که یک نیمه‌یهودی بود، شریک و همکار نازی‌ها بود. شراکت و همکاری با نازی‌ها باعث خشم و نفرت هدی می‌شد. سرانجام هدی در سال ۱۹۳۷ با پوشیدن لباسی ساده خودش را شبیه یکی از خدمتکارانش کرد و از قفسی که مندل برایش ساخته بود فرار کرد.

ابتدا به پاریس می‌رود و تقاضای طلاق می‌کند. سپس به لندن می‌رود و در آنجا با لوئیس بی مایر مدیر شرکت متروگلدین مایر (ام‌جی‌ام) ملاقات می‌کند. مایر او را به عنوان دستیار خود استخدام می‌کند. هدی از آن پس نام «هدی لامار» را برای خود انتخاب می‌کند. «لامار» را به یاد باربارا لامار ستاره زیبای سال‌های ۱۹۰۰ برمی‌گزیند.

بازیگر مخترع

هدی لامار در طول زندگی با فردریک مندل که سازنده اسلحه و شریک و



زیبایی او زبانزد بود اما او فقط بازیگری زیبا و فریبنده نبود بلکه هرگاه از بازیگری فارغ می‌شد در آزمایشگاه کوچک خانه‌اش محققی مخترع بود.

در سال ۲۰۰۵ روز تولد او را در کشورهای اتریش، سوئیس و آلمان روز مخترع اعلام کردند.



به راحتی بمب‌ها و اژدرها را هدایت کنند. آنتیل در آن زمان سیستمی برای نواختن پیانو درست کرده بود و با تغییراتی در این فناوری و پیشینه ذهنی هدی از فرآیند کنترل اژدرها، آنها راهی برای کنترل اژدرها با ردیفی از ۸۸ فرکانس مختلف (به تعداد کلیدهای پیانو) یافتند.

در ژوئن سال ۱۹۴۱، هدی و آنتیل، بنت خود را تحت عنوان سیستم ارتباطی مخفی ثبت کردند. اما در آن زمان نیروی دریایی آمریکا این فناوری را دنبال نکرد.

همکار نازی‌ها بود به اجبار در تمام نشست‌ها و جلسات همسرش با نازی‌ها در کنار او بود. در این نشست‌ها با توجه به هوش و خلاقیت خود به دانشی دست پیدا کرد که با استفاده از آن توانست با همکاری جورج آنتیل پیانیست مشهور و مخترع، روشی برای جلوگیری از مزاحمت رادیویی مداخله‌گر در امواج کنترل‌کننده اژدرها پیدا کند.

آلمان‌ها در آن زمان، فناوری کنترل اژدرها با امواج رادیویی را می‌شناختند و خلبان‌های نیروی هوایی آلمان می‌توانستند



شش دهه طول کشید تا هدی و
آنتیل به عنوان مخترعان سیستم
مخابراتی وایرلس به رسمیت
شناخته شوند.

زیباروی نابغه

از او به عنوان زیباترین زن جهان یاد می‌شود اما هدی هرگز این عنوان را دوست نداشت و از آن بیزار بود و تبری می‌جست. یک بار گفت: «هر دختری می‌تواند پرزرق‌وبرق باشد. همه چیزهایی که باید انجام دهید این است که ایستاده باشی و احمق باشی.»

هدی آرزومند آن بود که از او به عنوان زنی خلاق و مخترع یاد شود تا زنی بسیار زیبا. چنانچه پس از فراغت از بازیگری از حضور در جشن‌ها و مهمانی‌ها خودداری می‌کرد و وقت آزاد خود را صرف طراحی بر روی تابلوهایی می‌کرد که در فضای خانه‌اش نصب کرده بود.

هدی لامار در دوران حرفه‌ای خود در فیلم‌های محبوب بسیاری ظاهر شد و با ستاره‌های بزرگی چون جودی گارلند و کلارک گیبل همبازی شد. نخستین فیلم امریکایی او الجزیره (۱۹۳۸) نام دارد. بازی در این فیلم برای هدی موفقیت بزرگی بود چون فیلم قبلی او (اکستازی) تا حدود زیادی شخصیت او را خدشه‌دار کرده بود.

شرکت ام جی ام با وجود آن که با او قرارداد بسته بود، در به کار گرفتن او تردید داشت و در این فیلم هدی به‌عنوان بازیگر اجاره‌ای برای یوناتید آرטיستز بازی کرد. موفقیت فیلم به لامار کمک کرد تا به‌عنوان بازیگری زیبا و جذاب به بیننده امریکایی معرفی شود.

در دهه ۱۹۶۰ نیروی دریایی امریکا، بار دیگر متوجه پنت شد و بر اساس آن فناوری‌های تازه‌ای را توسعه داد. اما در این زمان اعتبار پنت به سه رسیده بود. بنابراین هدی و آنتیل هیچ پولی دریافت نکردند.

شش دهه طول کشید تا هدی و آنتیل به عنوان مخترعان سیستم مخابراتی وایرلس به رسمیت شناخته شوند.

در ۸۳ سالگی در سال ۱۹۹۸ به هدی لامار جایزه بنیاد آزادی پیشگامان ارتباط اهدا شد.

هدی پس از تلاشی ناموفق برای اختراع هواپیماهای پرسرعت، افسرده و تنها و دچار فقری شدید شد. بعد از این اتفاق او از موزه اسمیتونین (موزه ملی تاریخ امریکا) خواست تا ارزش حق اختراع او (پرش فرانکس) را تخمین بزند.

هدی پیش از آن که مطلع شود گواهی ثبت اختراعش بالغ بر شش میلیون دلار ارزش دارد، در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۰ در ۸۵ سالگی پس از تحمل بیماری قلبی در فلوریدا درگذشت. پیش از آن جرج آنتیل پیانیست و از پیشگامان موسیقی‌های مکانیزه دوست و همکار هدی در سال ۱۹۵۲ فوت کرد. بدون آن که شاهد تولید اختراعش باشد.

در سال ۲۰۰۵ روز تولد او را در کشورهای اتریش، سوئیس و آلمان روز مخترع اعلام کردند. در سال ۲۰۱۴ نیز نام لامار و آنتیل در تالار مشاهیر امریکا ثبت شد. آثار مختلفی در مورد او نوشته شد که می‌توان به اثر ریچارد رودز اشاره کرد که درباره زندگی لامار و دستیابی به اختراعش بود و موفق به دریافت جایزه ادبی شد.



بانوی فیلم‌های تاریخ و عاشقانه

و با ایفای نقش جین سیمور در سریال «تودورها» به شهرت رسید.

«تودورها» عنوان سریالی تاریخی است که بر اساس دوران حکمرانی هنری هشتم پادشاه بریتانیا در قرن شانزدهم میلادی ساخته شده است و مجموعه‌ای از وقایع سیاسی - تاریخی این دوران اروپا و بریتانیا و روابط پشت پرده دربار سلطنتی و روابط عاشقانه هنری هشتم را شامل می‌شود.

پخش این مجموعه از بی‌بی‌سی در تاریخ ۱ آوریل ۲۰۰۷ آغاز شد و تا ۲۰ ژوئن ۲۰۰۷ ادامه پیدا کرد.

آنابل والیس در سال ۲۰۱۰ بازیگر نقش اول فیلم «W.E» به کارگردانی مدونا بود. این فیلم داستان عشق ادوارد هشتم و والیس سیمپسون را به تصویر می‌کشد. ادوارد هشتم پادشاه انگلستان به خاطر ازدواج با یک بانوی مطلقه امریکایی به نام

آنابل والیس بازیگر بریتانیایی ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۴ در آکسفورد به دنیا آمد و بیشتر دوران کودکی‌اش را در پرتغال گذراند. آنابل پس از تحصیل در رشته نمایش وارد حرفه بازیگری شد



تلویزیونی در کنار کیلین مورفی نقش آفرینی می‌کند.

فیلم سینمایی «مومیایی» محصول سال ۲۰۱۷ از جمله فیلم‌هایی است که آنابل والیس در کنار تام کروز ایفای نقش کرده است. فیلم داستان تیلر کالت از ماموران ناوی سیا را روایت می‌کند که در ماموریتش در بیابان‌های عراق برای یافتن گروهی از تروریست‌ها مجبور می‌شود خود را پنهان کند.

«گرگم به هوا» محصول ۲۰۱۸ از دیگر فیلم‌های مطرح آنابل والیس است. فیلم بر مبنای ماجراجویی که در وال استریت ژورنال نوشته شده، ساخته شده است. داستان فیلم در باره ۱۰ همکلاسی مدرسه است که حالا هر کدام ۴۰ سال سن دارند و یک ماه از سال «گرگم به هوا» بازی می‌کنند.

آنابل والیس از نوادگان ماری لوید خواننده مطرح انگلیسی از طریق خانواده پدری است. نسبتی هم با ریچارد هریس بازیگر دارد و او عموی مادری والیس می‌باشد. این بازیگر که به دو زبان انگلیسی و پرتغالی مسلط است، با زبان فرانسوی و اسپانیایی نیز آشنایی دارد.

والیس سیمپسون تاج و تخت را رها می‌کند و برادر کوچک‌ترش جورج ششم پدر ملکه الیزابت دوم، در ماه مه ۱۹۳۷ بعد از کناره‌گیری برادرش ادوارد از سلطنت، پادشاه انگلستان می‌شود.

والیس در سال ۲۰۱۱ نقش کوچکی در فیلم «مردان ایکس درجه اول» بازی می‌کند. او هم چنین در این سال در سریال «پیکي بلاندرز» ساخته بی‌بی‌سی ایفای نقش می‌کند.

سریال پیکي بلاندرز در رابطه با یک خانواده انگلیسی به نام شلیبی است. داستان از جایی شروع می‌شود که تامی به همراه برادران خود پس از پایان جنگ جهانی دوم به خانه باز می‌گردد. تامی تصمیم به کنترل شهر برمی‌نگهد اما پس از مدتی به دلیل جاه‌طلبی، قصد گسترش کسب و کارش را دارد و هر کسی که سر راهش قرار بگیرد را نابود می‌کند. به طور کلی تمام اعضای خانواده شلیبی یعنی اعضای گروه پیکي بلاندرز در تکاپوی نگه داشتن اسم و رسم خانواده هستند و برادر اول خانواده یعنی آرتور شلیبی به ظاهر رییس خانواده است اما مغز اصلی خانواده و تصمیم‌گیرنده اصلی، تامی شلیبی است. آنابل در این مجموعه

شاهزاده خوشبخت

نوشته اسکار وایلد، مترجم: محمد رضا شمس

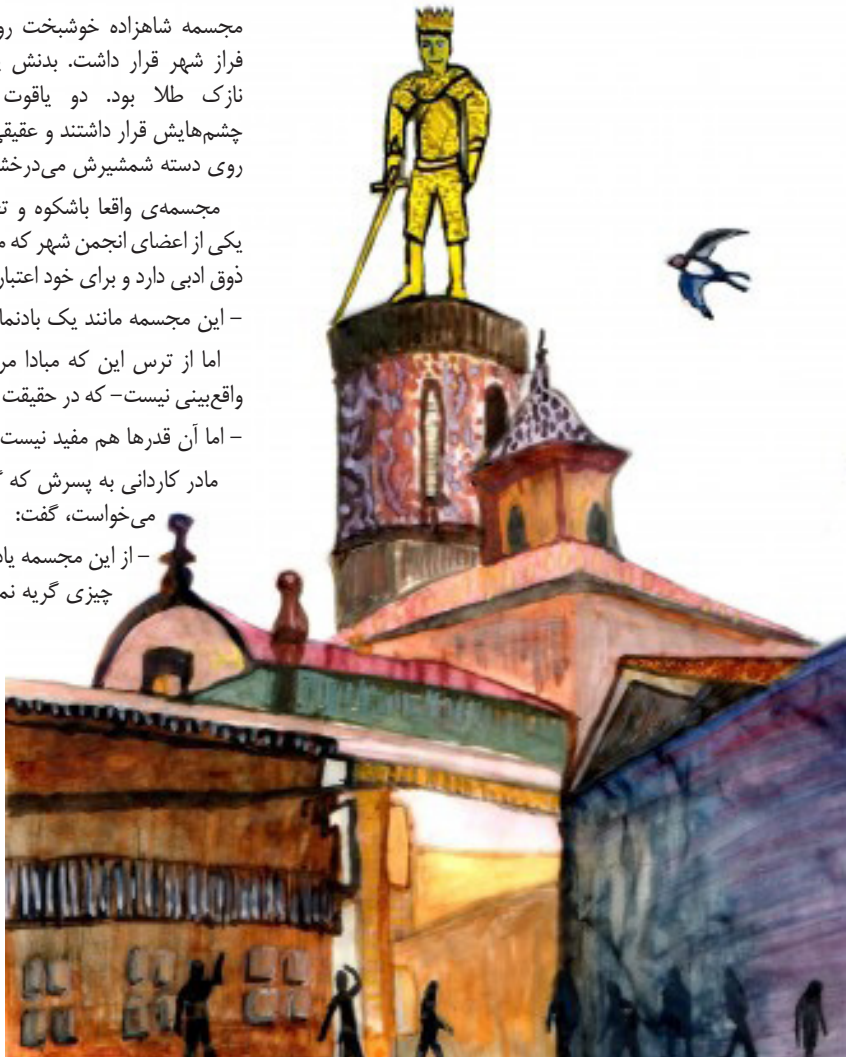
مجسمه شاهزاده خوشبخت روی ستون بلندی بر فراز شهر قرار داشت. بدنش پوشیده از برگ‌های نازک طلا بود. دو یاقوت کیبود براق جای چشم‌هایش قرار داشتند و عقیقی سرخ و درشت هم روی دسته شمشیرش می‌درخشید.

مجسمه‌ی واقعا باشکوه و تحسین‌برانگیزی بود. یکی از اعضای انجمن شهر که می‌خواست نشان دهد ذوق ادبی دارد و برای خود اعتباری کسب کند، گفت: این مجسمه مانند یک بادنما زیباست.

اما از ترس این که میادا مردم فکر کنند او آدم واقع‌بینی نیست- که در حقیقت این‌طور نبود- افزود: اما آن قدرها هم مفید نیست.

مادر کاردانی به پسرش که گریه می‌کرد و ماه را می‌خواست، گفت:

- از این مجسمه یاد بگیر. او هرگز برای چیزی گریه نمی‌کند.



- چه بیهوده دلباختی! یار او آه در بساط ندارد و تا بخواهی کس و کار دارد.

و به راستی رودخانه پر از نی بود. آنگاه با رسیدن پاییز پرستوها همه پر زدند و رفتند.

با رفتن آنها، پرستو خود را تنها یافت، کم کم از یارش خسته شد و گفت:

- اصلا حرف نمی‌زند، می‌ترسم هوسباز باشد و گرنه چرا داریم با نسیم نجوا می‌کند.

و ناگفته پیداست که وقتی نسیم می‌وزید، نی زیباترین تعظیم‌ها را می‌کرد. پرستو در دنباله سخنانش گفت:

- این درست که او پای‌بند خانه و کاشانه است، اما من دوستدار سفرم و همسرم هم ناچار باید دوستدار سفر باشد.

سرانجام به او گفت:

- با من می‌آیی؟

اما نی سرش را به علامت نه تکان داد. چرا که او سخت دلبسته خانه و کاشانه بود. پرستو گفت:

- خوب مرا به بازی گرفتی. من به اطراف اهرام مصر می‌روم. خداحافظ.

و پر کشید و رفت.

تمام روز در پرواز بود و شب به شهر رسید. با خود گفت: «حالا شب را کجا بخوایم؟ خدا کند در این شهر جایی برایم پیدا شود.»

در همین موقع چشمش به مجسمه که روی ستون بلندی قرار داشت افتاد، فریاد کشید:

- شب را همانجا می‌خوایم. جای خیلی خوبی است. هوای تازه هم دارد.

با این فکر پایین رفت و میان پاهای شاهزاده خوشبخت جای گرفت. همچنان که به دور و بر خودش نگاه می‌کرد، آهسته با خود گفت: «حالا من یک تخت‌خواب طلائی دارم.» و آماده‌ی خواب شد؛ اما همین که

مرد ناامیدی درحالی که به مجسمه شگفت‌آور خیره شده بود، با غرولند گفت:

- خدا را شکر که اقلا یک نفر خوشبخت در دنیا پیدا می‌شود.



بچه‌های نوانخانه با لباس‌های بلند صورتی و

پیش‌بندهای سفید در حالی که از کلیسا خارج می‌شدند، گفتند:

- وای، درست مثل یک فرشته است.

معلم ریاضی گفت:

- شماها که تابه‌حال فرشته‌ای ندیده‌اید؟

بچه‌ها جواب دادند:

- چرا در خواب دیده‌ایم.

معلم ریاضی اخمی کرد و از این که نمی‌توانست ثابت کند که بچه‌ها در خواب فرشته‌ای ندیده‌اند، ناراحت شد.

یک شب، پرستوی کوچکی بر فراز این شهر پرواز کرد. دوستانش شش هفته پیش به مصر مهاجرت کرده بودند و او جا مانده بود. چون دلباخته زیباترین نی شده بود. در آغاز بهار، هنگامی که در پی پروانه‌ای بزرگ و زرد روی رودخانه می‌پرید، نی را دید و چنان شیفته اندام باریکش شد که بی‌درنگ ایستاد تا با او گفتگو کند.

پرستو که دوست داشت یکباره حرف دلش را بزند، گفت:

- می‌توانم دوستت داشته باشم؟

نی تعظیم کوتاهی کرد. از آن به بعد پرستو پرواز کنان دور او می‌گشت و بال‌های خود را بر آب می‌سایید و موج‌های نقره‌گون می‌ساخت. این اظهار عشق و خواستگاریش بود. و بود و بود تا سراسر تابستان. پرستوهای دیگر چه‌چیز زنان گفتند:



زندگی می‌کردم، غم و اندوه به آنجا راه نداشت. روزها را با رفقایم در باغ سرگرم بازی می‌شدم، شبها در تالار بزرگ به رقص و آواز مشغول می‌شدم. دور تا دور باغ دیوار خیلی بلند و بزرگی کشیده شده بود و برای من هیچ‌وقت مهم نبود که پشت آن دیوار چه می‌گذرد، در اطراف من همه چیز زیبا و خوب بود. درباریان مرا شاهزاده خوشبخت می‌نامیدند، البته اگر خوشگذرانی همان خوشبختی باشد، من واقعا خوشبخت بودم. این‌گونه زندگی کردم و همان‌طور هم مُردم. حالا که دیگر زنده نیستم آنها مرا در این مکان بسیار بلند قرار داده‌اند تا بتوانم تمام زشتی‌ها و بدبختی‌های شهر را ببینم. هرچند که قلب من از سرب است، با این همه جز گریه کردن کار دیگری از من ساخته نیست.

پرستو با خود گفت: «چی، پس او از طلای خالص نیست؟» اما چون مودب بود نتوانست حرفش را بلند بر زبان آورد.

مجسمه با صدای آرام و آهنگینی گفت:
- پرستو به خیابان کوچکی که آن طرف شهر است پرواز کن. آنجا خانه محقری وجود دارد، یکی از پنجره‌های خانه باز است. از اینجا زن خیاطی را می‌بینم که سر میزی نشسته است. صورت لاغر و رنجوری دارد. دست‌های سرخ و زبرش از بس که با سوزن کار کرده است، سوراخ سوراخ شده است و الان هم مشغول دوختن گل ساعت بر روی ساتین زیباترین ندیمه ملکه است تا آن را در مجلس رقصی که قرار است بر پا شود، بپوشد. در کنج اتاق، بر روی تخت، پسر کوچولوی بیمارش دراز کشیده است. او تب دارد و هوس پرتقال کرده است، اما مادرش چیزی ندارد به او بدهد و آرام و بی‌صدا اشک می‌ریزد، پسرک هم گریه می‌کند. پرستو،

خواست سرش را زیر بالش بگذارد، یک قطره آب روی سرش چکید. فریاد کشید:

- این دیگر چه بود! ستاره‌ها که در آسمان چشمک می‌زنند، هوا هم صاف است، ابری هم در کار نیست، پس چطور باران می‌بارد؟ واقعا که هوای شمال اروپا چقدر وحشتناک است. نی باران را دوست داشت ولی این تنها از روی خودخواهی بود.

قطره دیگری چکید. پرستو گفت:

- اگر یک مجسمه بتواند مرا از باران و خیس شدن حفظ کند، پس به چه درد می‌خورد؟ باید به دنبال یک دودکش بگردم.

این را گفت و تصمیم گرفت از آنجا پرواز کند. قطره سوم چکید؛ به بالای سرش نگاه کرد. وای! چه می‌دید؟

چشم‌های شاهزاده خوشبخت پر از اشک بود و قطره‌های اشک همین‌طور روی گونه‌هایش سرازیر می‌شدند. چهره‌اش در پرتو نور ماه چنان زیبا بود که دل پرستوی کوچک به درد آمد.

از او پرسید:

- تو کی هستی؟

- من شاهزاده خوشبختم.

پرستو پرسید:

- پس چرا گریه می‌کنی؟ تو با اشک‌هایت مرا حسابی خیس کردی.

مجسمه در جواب گفت:

- وقتی من زنده بودم و مثل همه مردم قلب داشتم، نمی‌دانستم که گریه چیست، چون در قصر سان‌سوسی



را پیش تو می‌مانم و بیک تو می‌شوم.
شاهزاده گفت:

- از تو ممنوم، پرستوی کوچک.

به این ترتیب پرستو عقیق سرخ و درشت را از دسته شمشیر شاهزاده کند، آن را به نوکش گرفت و بر فراز شهر پرواز کرد.

از کنار برج کلیسا با پیکره فرشتگانش که از مرمر سفید تراشیده شده بودند، گذشت. از قصر هم عبور کرد و آهنگ موسیقی به گوشش رسید. دختر زیبایی با دلدادهاش به روی بالکن آمد.

دلدار دخترک به او گفت:

- ستاره‌ها چه شگفت‌آورند و قدرت عشق شگفت‌آورتر!

دختر در پاسخ گفت:

- کاش لباسم به‌موقع برای رقص باشکوه آماده شود، آن را به خیاط داده‌ام تا روی آن گل‌های ساعتی بدوزد، اما او خیلی تنبل است.

پرنده پروازکنان از بالای رودخانه گذشت، فانوس‌های آویخته بر دکل کشتی‌ها را دید. از محله یهودی‌ها هم عبور کرد و پیرمردهای یهودی را دید که با یکدیگر دادو ستد می‌کنند و پول‌های خود را در ترازوهای مسین وزن می‌کنند. سرانجام به خانه محقر رسید و به داخل نگاه کرد. پسرک در تخت‌خواب دراز کشیده بود و از تب می‌سوخت، مادر خسته و رنجورش هم به خواب رفته بود. پرنده به داخل اتاق پرید و عقیق درشت و سرخ را روی میز کنار انگشتانه زن گذاشت. سپس به طرف تخت‌خواب پسر پرواز کرد و با بال‌هایش پسرک را باد زد.

پسر گفت:

- احساس می‌کنم خنک شده‌ام. حتماً سالم رو به بهبودی است.

سپس به خواب دلپذیری فرو رفت.

پرستو، پرستوی کوچولو، ممکن است عقیق سرخ را از دسته‌ی شمشیر من برداری و برای او ببری؟ پاهای من به پایه‌های ستون چسبیده و نمی‌توانم حرکت کنم.

پرستو گفت:

- اما دوستانم در مصر منتظرم هستند. آن‌ها بر فراز رود نیل پرواز می‌کنند و با گل‌های نیلوفر بزرگ گفتگو می‌کنند. به‌زودی آنها در آرامگاه فرعون به خواب خواهند رفت. خود فرعون نیز در تابوت پر نقش و نگارش خوابیده است. او را در کتان زرد پوشانده و با ادویه گوناگون عطرآگین کرده‌اند. دور گردنش زنجیری از یشم سبز است و دست‌هایش مانند برگ‌های پژمرده است.

شاهزاده گفت:

- پرستو، پرستو، پرستوی کوچک، نمی‌خواهی تنها یک امشب را پیش من بمانی و بیک من شوی؟ آن پسر تشنه است و مادرش غمگین و پریشان خاطر است.

پرستو در جواب گفت:

- فکر نکنم به پسر بچه‌ها علاقه‌ای داشته باشم. تابستان گذشته وقتی که روی رودخانه لانه کرده بودم، دو پسر بی‌تربیت که بچه‌های آسیابان بودند، همیشه به طرف من سنگ پرت می‌کردند. البته هیچ کدام از سنگ‌ها به من نخوردند؛ چون ما پرستوها دور از دسترس دیگران پرواز می‌کنیم. به‌علاوه من از خانواده‌ای هستم که به زرنگی و چابکی شهرت دارند؛ با این همه کاری که آن‌ها می‌کردند، توهین به ما بود. اما شاهزاده خوشبخت‌انقدر غمگین بود که دل پرستو کوچولو به حال او سوخت و گفت:

- با این‌که اینجا خیلی سرد است، اما امشب



پس از آن پرستو دوباره نزد شاهزاده خوشبخت بازگشت و آنچه را انجام داده بود، برای او تعریف کرد. بعد گفت:

- خیلی عجیب است، با وجود آن که هوا خیلی سرد است، اما من گرمم است.

شاهزاده گفت:

- به خاطر این است که تو یک کار خوب انجام داده‌ای.

پرستوی کوچک همین‌طور که فکر می‌کرد به خواب فرو رفت. او هر وقت که فکر می‌کرد، خوابش می‌گرفت.

وقتی که خورشید طلوع کرد، پرستو به طرف رودخانه پرواز کرد و در آب‌های رودخانه خود را شستشو داد. در آن هنگام استاد پرندشناسی که از روی پل عبور میکرد، چشمش به پرندۀ افتاد و گفت:

- چه پدیده جالبی! یک پرستو در زمستان! این را گفت و یک مقاله بلندبالا درباره آن به روزنامه محلی نوشت. مقاله را چاپ کردند، اما مردم چیزی از واژه‌های آن نفهمیدند. با وجود این همه آن را بازگو کردند.

پرستو که آثار وجد و شغف از سیمایش نمایان بود گفت:

- امشب به مصر می‌روم.

او به تمام بناهای شهر سر زد و دیرزمانی روی نوک مناره کلیسا نشست. هر کجا می‌رفت، گنجشک‌ها جیک‌جیک‌کنان به هم دیگر می‌گفتند:

- چه غریبه‌ی متشخصی!

پرستو از این تعریف و تمجیدها لذت می‌برد.

وقتی که ماه در آمد، به نزد شاهزاده خوشبخت برگشت و فریاد کشید:

- تو هیچ پیغامی برای مصر نداری؟ من

می‌خواهم بروم.

شاهزاده گفت:

- پرستو، پرستو، پرستو، پرستوی کوچک نمی‌خواهی یک شب دیگر هم پیش من بمانی؟

پرستو جواب داد:

- در مصر منتظر من هستند. فردا دوستانم به طرف دومین آبشار بزرگ پرواز خواهند کرد. آنجا اسب آبی در میان نی‌ها می‌خوابد؛ بر روی تخت بزرگ سنگی خدای ممنون جلوس می‌کند. او تمام طول شب به ستاره‌ها خیره می‌شود و وقتی که ستاره سحر بدمد، فریاد شادی سر می‌دهد و بعد سکوت می‌کند و دیگر هیچ نمی‌گوید؛ هنگام ظهر شیرهای زردرنگ برای نوشیدن آب به کنار رودخانه می‌آیند. چشمان آنها مانند فیروزه سبز است و غرش آنها بلندتر و وحشتناک‌تر از صدای غرش آبشار است.

شاهزاده گفت:

- پرستو، پرستو، پرستو، پرستوی کوچک. آن سوی شهر مرد جوانی را در اتاق زیر شیروانی می‌بینم، در روی میز پوشیده از کاغذ خم شده است. داخل لیوانی که کنار دستش قرار دارد، دسته‌ای گل بنفشه، پژمرده است. موهایش خرمایی و پرچین و شکن و لب‌هایش به سرخی انار و چشم‌هایش درشت و خمار است. او مشغول نوشتن نمایشنامه‌ای برای مدیر تئاتر است و می‌خواهد آن را زود تمام کند. اما آنقدر سردش است که دیگر نمی‌تواند به نوشتن ادامه دهد. در بخاری دیواری آتشی روشن نیست و او از شدت گرسنگی بی‌حال شده است.

پرستوی کوچک که قلب مهربان و رؤفوی داشت گفت:



می‌رسید.
روز بعد پرستو به طرف بندر پرواز کرد، بر روی دکل کشتی بزرگی نشست و ملوانان را نگاه کرد که صندوق‌های بزرگ را از انبار کشتی با طناب بالا می‌کشیدند. هر صندوقی را که بالا می‌آوردند، با فریاد می‌گفتند:

— هی! بجنبید!

پرستو بلند گفت:

— من می‌خواهم به مصر بروم.

اما کسی اهمیتی به آنچه او گفت نداد، وقتی که ماه در آمد، دوباره به پیش شاهزاده برگشت.

پرنده گفت:

— آمده‌ام تا از تو خداحافظی کنم.

شاهزاده گفت:

— پرستو، پرستو، پرستو، پرستوی کوچک، نمی‌خواهی یک شب دیگر را هم پیش من بمانی؟

پرستو گفت:

— اما زمستان از راه رسیده

است. به‌زودی اینجا برف

سنگینی خواهد بارید.

اما در مصر هوا گرم

است. خورشید گرم به

درخت‌های سبز خرما

می‌تابد و تمساح‌ها در

گل‌ها دراز می‌کشند و با

بی‌حالی و سستی به اطراف نگاه می‌کنند.

رفقاییم در معبد بعلبک لانه می‌سازند و

کبوترهای سفید و خیالی آنها را تماشا

می‌کنند و با یکدیگر بقیقو می‌کنند.

شاهزاده عزیز مجبورم تو را ترک کنم، اما

همیشه به یادت هستم و هرگز فراموشت

نمی‌کنم. بهار آینده دو گوهر زیبا به جای

— باشد، من یک شب دیگر را هم پیش تو می‌مانم. لابد باید برای او هم یک عقیق سرخ ببرم؟

شاهزاده گفت:

— افسوس! من دیگر عقیق سرخ ندارم و چشم‌هایم تنها چیزهایی هستند که برایم باقی مانده‌اند. آن‌ها از یاقوت کبود کمیاب درست شده‌اند که هزار سال پیش از هندوستان آورده‌اند. یکی از آن‌ها را درآور و برای او ببر. مرد جوان می‌تواند آن را به جواهرفروش بفروشد و با پول آن برای خود غذا و هیزم تهیه کند و کار نمایشنامه را تمام کند.

پرستو گفت:

— شاهزاده جان، من نمی‌توانم این کار را بکنم.

این را گفت و شروع به گریستن کرد.

شاهزاده گفت:

— پرستو، پرستو، پرستو، پرستوی کوچک، کاری را که دستور می‌دهم انجام بده.

به این ترتیب پرستو یکی از چشم‌های شاهزاده را درآورد و به طرف اتاق زیر شیروانی پرواز کرد. سقف اتاق سوراخ بود و او به راحتی از میان سوراخ رد شد و به داخل اتاق پرید. مرد جوان سرش را در میان دست‌هایش پنهان کرده بود، به همین دلیل صدای بال‌های پرنده را نشنید، وقتی به بالا نگاه کرد، یاقوت کبود زیبا را دید که روی بنفشه پژمرده گذاشته شده بود.

مرد جوان فریاد کشید:

— وای، یک نفر از من قدردانی کرده است. این باید از طرف یکی از ستایشگران والا مقام من باشد. حالا می‌توانم به نوشتن نمایشنامه ادامه دهم و آن را تمام کنم.

او خیلی خوشحال و راضی به نظر



شاهزاده بینوا گفت:

– نه، پرستوی کوچک، تو باید به مصر بروی.

پرستو گفت:

– من همیشه پیش تو خواهم ماند.

و در پای شاهزاده به خواب فرو رفت.

فردای آن روز پرند بر روی شانه شاهزاده نشست و برای او داستان‌هایی از آنچه که در سرزمین‌های عجیب دیده بود، تعریف کرد. برای او از لک‌لک‌های سرخ گفت که در صف‌های طولانی بر روی سواحل رود نیل می‌ایستند و با منقارهای خود ماهی‌های قرمز صید می‌کنند؛ از ابوالهول گفت که به پیری جهان است و در صحرا به سر می‌برد و همه چیز را می‌داند؛ از بازرگانانی گفت که در کنار شترهایشان به آرامی راه می‌سپزند و تسبیح کهربایی رنگ به دست دارند. از پادشاه کوه‌های ماه که به سیاهی آبنوس است و بلور بزرگی را پرستش می‌کند؛ از مار سبز بزرگی که در داخل درخت خرما می‌خوابد و بیست خادم به او یک‌ک‌های عسلی می‌دهند؛ و از کوتوله‌هایی که سوار بر برگ‌های بزرگ پهن روی دریاچه‌ای پهناور می‌گردند و همیشه با پروانه‌ها می‌جنگند.

شاهزاده گفت:

– پرستوی کوچک عزیز! برایم از چیزهای عجیب و شگفت‌انگیزی بگفتی، اما شگفت‌انگیزتر از همه رنجی است که مردان و زنان می‌برند. هیچ رمزی، به عظمت بیچارگی و بدبختی نیست. بر فراز شهر پرواز کن و آنچه را می‌بینی برایم بگو.

به این ترتیب پرستو بر فراز شهر بزرگ پرواز کرد و دید که چطور ثروتمندان در خانه‌های زیبایشان پایکوبی و خوشی

آن‌هایی که بخشیده‌ای برایت می‌آورم. عقیقی سرخ‌تر از گل سرخ و یاقوتی کبود، آبی‌تر از دریای بیکران.

شاهزاده خوشبخت گفت:

– آن پایین، در میدان، دخترک کبریت‌فروشی ایستاده است. کبریت‌هایش در میان گل و لای افتاده‌اند و همه کثیف و آلوده شده‌اند، او گریه می‌کند، چون اگر پول به خانه نبرد، پدرش حتما او را تنبیه خواهد کرد. نگاه کن پاهایش سخت و برهنه است، نه جورابی به پا دارد و نه کفشی و سر کوچکش هیچ پوششی ندارد. پرستو بیا چشم دیگر مرا درآور و آن را به او بده، تا پدرش او را کتک نزند.

پرستو گفت:

– یک شب دیگر را هم پیش تو می‌مانم. اما نمی‌توانم چشم تو را در آورم. چون که تو کاملاً کور می‌شوی.

شاهزاده گفت:

– پرستو، پرستو، پرستوی کوچک، کاری را که به تو می‌گویم انجام بده.

به این ترتیب پرند چشم دیگر شاهزاده را درآورد و آن را به منقار گرفت و پرواز کرد. شتابان از بالای سر دخترک گذشت و جواهر را توی دستش انداخت. دخترک با خوشحالی فریاد کشید:

– چه شیشه قشنگی!

و در حالی که می‌خندید به طرف خانه دوید.

آن وقت پرستو به نزد شاهزاده برگشت و گفت:

– تو حالا دیگر کور شده‌ای و جایی را نمی‌بینی برای همین من همیشه در کنار تو خواهم ماند.



بودند و پسرهای کوچک با کلاه‌های سرخی که بر سر داشتند روی یخ سرسره بازی می‌کردند.

پرستوی بیچاره هر لحظه بیشتر سردتر می‌شد. اما چنان به شاهزاده دل بسته بود که نمی‌توانست او را ترک بکند. پرستو هر وقت که نانوا متوجه نبود، خرده‌های نان را که بیرون دکان نانوايي ریخته بود نوک می‌زد و می‌خورد و سعی می‌کرد تا با بهم زدن بال‌هایش خود را گرم نگه دارد.

او می‌دانست که زیاد دوام نخواهد آورد و بزودی خواهد مرد. بار دیگر که نیرویی گرفت به روی شانه شاهزاده پرید و زمزمه‌کنان گفت:

— خداحافظ شاهزاده عزیز! اجازه می‌دهی دست را

می‌کنند، درحالی‌که فقرا در پای دروازه‌ها می‌نشینند و جایی برای زندگی ندارند. بعد به داخل کوچه‌های تاریک پر زد و چهره‌های رنگ‌پریده کودکان گرسنه را دید که با بی‌رمقی به خیابان‌های تاریک و سیاه می‌نگرند. در زیر گذرگاه یک پل، دو پسر بچه یکدیگر را بغل کرده بودند و سعی می‌کردند خود را گرم کنند. آن‌ها گفتند:

— چقدر گرسنه هستیم!

نگهبان سر آن‌ها فریاد کشید و گفت:

— از اینجا بروید. نباید اینجا بمانید.

و پسرها زیر باران سرگردان شدند.

پرستو بازگشت و آنچه را دیده بود برای شاهزاده تعریف کرد. شاهزاده گفت:

— سراپای من پوشیده از طلای ناب است، آنها را ورق به ورق جدا کن و به فقرا بده؛ مردم همیشه فکر می‌کنند که طلا آنها را خوشبخت خواهد کرد.

پرستو طلای ناب را ورق به

ورق از تن شاهزاده جدا می‌کرد.

تا آن‌که سراپای شاهزاده

خوشبخت تیره و خاکستری

شد. ورق‌های طلا همه به

فقرا داده شدند، صورت بچه‌ها

گل انداخت، می‌خندیدند و در

خیابان‌ها بازی می‌کردند و با شوق

فریاد می‌کشیدند:

— حالا ما نان داریم!

سپس بارش برف شروع شد، پس از

برف هم یخبندان شد. خیابان‌ها چنان

می‌درخشیدند و برق می‌زدند که انگار از

نقره پوشیده شده بودند، قندیل‌های بلند

یخ مثل خنجرهای بلوری از هر بام خانه‌ها

آویزان بود، همه لباس‌های خردار پوشیده



بیوسم؟

شاهزاده گفت:

— خوشحالم که

بالاخره می‌توانی به

مصر بروی، پرستوی

کوچک تو مدت زیادی اینجا

ماندی، بیا لب‌هایم را ببوس،

چون من تو را خیلی دوست دارم.

پرستو گفت:

— من به مصر نمی‌روم. به سرای مرگ می‌روم.

مرگ برادر خواب است، این طور نیست؟

پرستو لب‌های شاهزاده‌ی خوشبخت را

بوسید و در پای او جان سپرد.



کرد تا در مورد این که با فلز آن چکار بکنند تصمیم‌گیری کنند. او گفت:

- مسلم است که باید مجسمه دیگری بسازیم و این مجسمه باید پیکره من باشد. هر کدام از اعضای شهرداری گفتند:
- باید پیکره من باشد.

و با یکدیگر به بحث و جدل پرداختند. آخرین باری که حرف‌هایشان را شنیدم، هنوز با هم دعوا داشتند و جر و بحث می‌کردند.

بازرس کارگران کارخانه ریخته‌گری گفت:

- چقدر عجیب است! با این که قلب شکسته شده، اما در کوره ذوب نمی‌شود. باید آن را دور انداخت.

به این ترتیب قلب را روی کپه خاکی که جسد پرستو نیز بر آن قرار داشت، پرت کردند.

خداوند به یکی از فرشتگانش گفت:

- برو دو تا چیزی را که در شهر از همه گران‌تر هستند برای من بیاور.

فرشته قلب سربی و پرنده مرده را آورد.



در آن لحظه، صدای ترک عجیبی از داخل مجسمه بلند شد. انگار چیزی شکست.

حقیقت آن بود که قلب سربی او پاره شده بود. حقیقتاً یخبندان و سرمای بدی بود.

صبح روز بعد شهردار به اتفاق اعضا انجمن شهر مشغول قدم زدن بود، هنگامی که از کنار ستون می‌گذشتند به مجسمه نگاه کرد و گفت:

- آه، چقدر شاهزاده خوشبخت به نظر کهنه و مندرس می‌آید.

اعضای انجمن شهر که همیشه حرف‌های شهردار را تصدیق می‌کردند، گفتند:

- درست است، راستی که چقدر کهنه است. و رفتند بالا نگاهی به مجسمه کنند.

شهردار گفت:

- نگاه کنید، عقیق سرخ از دسته شمشیرش افتاده و چشم‌هایش را از دست داده است، دیگر طلایی برایش باقی نمانده است.

اعضای انجمن شهر گفتند:

- دست کمی از گدا ندارد!

شهردار ادامه داد:

- یک پرنده مرده هم در زیر پایش افتاده است. باید یک آگهی صادر کنیم که پرنده‌ها حق ندارند اینجا بمیرند.

منشی شهرداری این پیشنهاد را یادداشت کرد.

و چنین بود که مجسمه شاهزاده خوشبخت را پایین کشیدند. استاد هنر دانشگاه گفت:

- چون دیگر زیبایی ندارد، مفید هم نیست.

پس از آن که شاهزاده را پایین آوردند، او را در کوره ذوب کردند و شهردار جلسه مشورتی برگزار



لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب

هما مهری

نشریه حقوق زنان در شماره ۳۸، متن «لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ و عفاف و حجاب» را در صفحه ۸۶ بخش «زنان و قانون» تا بند ۱۰ ماده ۸ به چاپ رساند و به جهت طولی بودن لایحه، چاپ بقیه آن را به شماره بعد موکول کرد. در این شماره بقیه این لایحه جهت آگاهی و تنویر افکار عمومی منتشر می‌شود. لذا با توجه به مواد و بندهای عدیده لایحه، آن را با حروف ۱۲ نازنین و فشرده به چاپ می‌رسانیم تا بخش بیشتری از مجله را تشکیل ندهد.

با پوزش از خوانندگان عزیز، نظرات دیگران به صورت مختصر به چاپ می‌رسد تا از دیدگاه‌های منتقدان لایحه مطلع شوید. دیدگاه نشریه حقوق زنان در مقدمه شماره ۳۸ ارائه شده است.



برای بخش‌های مختلف ظرف مدت سه‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون؛

۴- تدوین محتوای مکتوب و چندرسانه‌ای جهت تبلیغ مبلغان ظرف مدت سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به‌صورت سالانه؛

۵- فرهنگ‌سازی، تبیین شعائر دینی، شبکه‌سازی و سرمایه‌گذاری در راستای مفاهیم عفاف و حجاب با استفاده از ظرفیت تبلیغی.

ماده ۱۰- وزارت آموزش و پرورش، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- آموزش و ترویج «سبک زندگی اسلامی خانواده محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» در کلیه پایه‌های تحصیلی مبتنی بر سن و جنسیت در قالب بسته‌های یادگیری به‌ویژه برنامه‌ها و متون درسی، تولیدات و رویدادها، جشنواره‌ها و اردوهای فرهنگی و تربیتی، محتوای چندرسانه‌ای به‌صورت تعاملی و برخط با بهره‌گیری از ظرفیت زیست‌بوم‌های فناورانه؛

۲- فرهنگ‌سازی عفاف و حجاب و «سبک زندگی اسلامی خانواده محور» از طریق برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی با رویکرد تبیینی و اقناعی و ارائه متون آموزشی برای خانواده‌ها و معلمان و کارکنان؛

۳- تهیه آیین‌نامه الگوی پوشش مناسب مبتنی بر فرهنگ اسلامی متناسب با شرایط سنی، اقلیمی و جغرافیایی به‌ویژه مناطق

ماده ۸- سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، وظایف: ...

۱۱- تولید و پخش فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی (سریال‌های) (الف) ویژه در حوزه «سبک زندگی اسلامی خانواده محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب»؛

۱۲- اطلاع‌رسانی مناسب درخصوص احکام این قانون و پیگیری رسانه‌ای میزان تحقق و رفع موانع آن.

ماده ۹- سازمان تبلیغات اسلامی، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت مساجد، حسینیه‌ها، اماکن مذهبی، هیئت‌ها و تشکل‌های مذهبی و هیئت‌های اندیشه‌ورز نخبگان حوزوی و دانشگاهی در امر «سبک زندگی اسلامی خانواده محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» با همکاری مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه با تأکید بر استفاده از نیروهای جوان مؤمن انقلابی دانا و کارآمد؛

۲- حمایت از تولید محصولات فرهنگی، چندرسانه‌ای، هنری، سینمایی، نمایشی، تجسمی، کتاب، رمان، نوشت‌افزار، اسباب بازی و مانند آن برای گروه‌های سنی مختلف در زمینه بسط «فرهنگ عفاف و حجاب»؛

۳- تدوین فرایندهای تبلیغی جهت فرهنگ‌سازی، تبیین شرایع دینی و مفاهیم عفاف و حجاب با استفاده از ظرفیت تبلیغی

ماده ۱۱- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به منظور تحقق اهداف این قانون و حسب مورد با هماهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، مکلف به وظایف زیر است:

۱- اولویت‌بخشی به طرح‌های پژوهشی کلان و میان‌رشته‌ای و پایان‌نامه‌ها در زمینه راهبردهای گسترش «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» و «تعهد زوجین به یکدیگر» با در نظر گرفتن امتیاز ویژه پژوهشی یا فرهنگی و چاپ و انتشار یافته‌های این پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی جهت کاربست آنها؛

۲- بازنگری، اصلاح و اجرای دستورالعمل‌ها و توصیه‌نامه‌ها در راستای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در سطح دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تدوین دستورالعمل‌های جدید بر اساس این قانون؛

۳- ترویج «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» از طریق تهیه و ابلاغ دستورالعمل‌های معیار (استاندارد) لباس اجتماعی در محیط‌های دانشگاهی با همکاری کارگروه ساماندهی مد و لباس و اعطای تسهیلات برای پوشش اسلامی و برگزاری نمایشگاه و عرضه پوشش اسلامی؛

۴- افزایش اعطای تسهیلات برای ازدواج دانشجویی و اولویت دادن به ساخت خوابگاه‌های متأهلی؛

۵- اختصاص بخشی از ظرفیت دروس

روستایی و عشایری، به تفکیک برای دانش‌آموزان، معلمان و کارکنان با همکاری کارگروه ساماندهی مد و لباس و تصویب آن در شورای عالی انقلاب فرهنگی ظرف مدت سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون؛

۴- اعمال گزینش بدو خدمت و استمرار صلاحیت‌های بدو گزینش در طول سنوات خدمتی و صلاحیت‌های عمومی و نیز رعایت «فرهنگ عفاف و حجاب» برای کلیه معلمان، دانشجو معلمان و کارکنان اعم از رسمی، پیمانی یا قراردادی یا خرید خدمات؛

۵- در اختیار قراردادن فضاهای مدارس، هنرستان‌ها و فضاهای آموزشی و ورزشی در ساعات غیرآموزشی و ایام تعطیل برای فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مساجد، مراکز و مجموعه‌های تربیتی به قیمت تمام‌شده؛

۶- نظارت بر رعایت این قانون در مراکز و مؤسساتی که صدور مجوز فعالیت آن‌ها به عهده وزارت آموزش و پرورش است و لغو مجوز آنها در صورت عدم رعایت این قانون.

۷- تهیه دستورالعمل برقراری نمره انضباط و اخلاق بر اساس فعالیت‌های تربیتی و اخلاقی در قالب پرونده جامع تربیتی و کارپوشه فعالیت‌های پرورشی در سابقه تحصیلی دانش‌آموزان جهت پذیرش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با ضریب یک، ظرف مدت شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون.

آموزش پزشکی، به منظور تحقق اهداف این قانون و حسب مورد با هماهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، مکلف به وظایف زیر است:

۱- بازنگری، اصلاح و اجرای دستورالعمل‌های رفتاری و آیین‌نامه نحوه پوشش استادان، دانشجویان و کارکنان همگن و غیرهمگن اعم از پزشکان، کارکنان مراکز درمانی و ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی و درمانی دولتی یا غیردولتی و مراکز دانشگاهی و مراکز تابعه آن (اعم از بیمارستان، درمانگاه، داروخانه، آزمایشگاه) در بخش‌های تشخیص و درمان در خصوص رعایت «فرهنگ عفاف و حجاب» و اجرای کامل قانون انطباق امور اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی و بازنگری و کارآمدسازی شاخص‌ها و مراعات اصول آن در فرایند اعتباربخشی بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی مطابق احکام این قانون؛

۲- تهیه، ابلاغ و نظارت بر دستورالعمل‌های اجرایی جهت رعایت عفاف و حجاب و حفظ حریم اخلاقی بیماران و همراهان در محیط‌های آموزشی یا درمانی دولتی و غیردولتی؛

۳- طراحی چیدمان اداری در ساختمان‌های ستادی بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و سایر مراکز مربوط به وزارت بهداشت بر اساس حفظ حدود حریم شرعی بین کارمندان زن و مرد و ایجاد محیط

عمومی و معارف اسلامی به ترویج و تبیین مبانی و اصول فرهنگ عفاف و حجاب پس از تأیید شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها ظرف مدت شش‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون؛

۶- راه‌اندازی و گسترش دانشگاه‌ها و پردیس‌های دانشگاهی مختص بانوان با سطح کیفی بالاتر از سایر دانشگاه‌ها و ارائه خدمات یارانه‌ای به این پردیس‌ها و همچنین گسترش کلاسهای اختصاصی برای دانشجویان دختر؛

۷- توجه به مسئله عفاف و حجاب به‌عنوان یک امتیاز شاخص در گزینش و معرفی دانشجویان نمونه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و در نظر گرفتن امتیاز منفی برای مرتکبان هر یک از تخلفات یا جرائم موضوع این قانون، بر مبنای تشخیص کمیته انضباطی دانشگاه در پرونده آموزشی و انضباطی دانشجو؛

۸- طراحی، تهیه و اجرای نظام جامع تربیتی و ایجاد کارپوشه فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان با تأیید شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، ظرف مدت شش‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون؛

۹- اجرای برنامه‌های تبیینی و ترویجی در حوزه «سبک زندگی اسلامی خانواده محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» برای استادان، کارکنان و دانشجویان.

ماده ۱۲ - وزارت بهداشت، درمان و

فعالیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان، پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد، کارخانه‌های نوآوری، خانه‌های خلاق و سایر مراکز تحت نظر معاونت و همچنین در تولیدات و محصولات آنها جهت تصویب در شورای عالی انقلاب فرهنگی؛

۲- پذیرش، همکاری و اعطای تسهیلات به اشخاص حقیقی و حقوقی مشروط به رعایت ماده (۳۲) این قانون؛

۳- بازنگری در ادامه همکاری و حمایت قانونی از شرکت‌های دانش‌بنیان، پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد، کارخانه‌های نوآوری، خانه‌های خلاق و سایر مراکز تحت نظر معاونت که به هر نحو برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی، بدپوششی را ترویج یا تبلیغ نموده یا مدیران، کارکنان و پژوهش‌گران آنها مرتکب رفتارهای مذکور می‌شوند؛

۴- نظارت بر اجرای این قانون در مراکز تحت نظر و ارائه گزارش جرائم و تخلفات به مراجع ذی‌صلاح؛

۵- حمایت از مجموعه‌هایی که در صنایع خلاق و فناوری‌های نرم و محصولات دانش‌بنیان در خصوص «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» مشغول فعالیت بوده یا محصولی تولید می‌کنند.

ماده ۱۴ - وزارت کشور، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- تهیه شناسنامه اجتماعی بر مبنای

اختصاصی جهت ارائه خدمات پزشکی جز در موارد ناگزیر به حضور نامحرم؛

۴- افزایش اعطای تسهیلات برای ازدواج دانشجویی و اولویت دادن به ساخت خوابگاه‌های متأهلی؛

۵- توجه به «فرهنگ عفاف و حجاب» به عنوان یک امتیاز شاخص در گزینش و معرفی دانشجویان نمونه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و در نظر گرفتن امتیاز منفی برای مرتکبان هریک از تخلفات یا جرائم موضوع این قانون، بر مبنای تشخیص کمیته انضباطی دانشگاه در پرونده آموزشی و انضباطی دانشجو؛

۶- طراحی، تهیه و اجرای نظام جامع تربیتی و ایجاد کارپوشه فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان با تأیید شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، ظرف مدت شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون؛

۷- اجرای برنامه‌های تبیینی و ترویجی در حوزه «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» برای استادان، کارکنان و دانشجویان.

ماده ۱۳- معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری، به‌منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- تهیه دستورالعمل‌های لازم جهت رعایت «فرهنگ عفاف و حجاب» در

اجتماعی مروج یا مبلغ بی‌حجابی، بی‌عفتی، برهنگی، بدپوششی.

تبصره- در صورتی که هریک از مدیران یا اعضای هیئت‌مدیره تشکل‌های اجتماعی و نهادها یا سازمان‌های مردم‌نهاد مرتکب یکی از جرائم یا تخلفات موضوع این قانون شود، باید ظرف مدت یک‌ماه عزل و جایگزین وی مشخص شود، در غیر این صورت مجوز تشکل لغو می‌گردد.

ماده ۱۵- ستاد هماهنگی و راهبری اجرای مصوبه عفاف و حجاب، به منظور تحقق اهداف این قانون، با همکاری مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه مکلف به وظایف زیر است:

۱- ایجاد سازوکارهای مناسب در فضای حقیقی و مجازی برای دسترسی آسان پژوهشگران و مجریان به نتایج مطالعات و تحقیقات در حوزه عفاف و حجاب و تبیین نظریه اسلام در اصالت خانواده، در مقابل فرد و جامعه؛

۲- پژوهش، تولید و نشر مؤثر محتوای تبیینی و اقناعی جذاب و پاسخ به شبهات و سؤالات؛

۳- تبیین ثمرات رعایت عفاف و حجاب و «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و تبیین ابعاد سیاسی، امنیتی و تمدنی و پیامدها و تبعات بی‌حجابی، بی‌عفتی، برهنگی و بدپوششی و آگاه‌سازی متناسب با اقشار اجتماعی، در فضای مجازی و حقیقی به‌ویژه برای نسل جوان، با همکاری صدا و سیما؛

منطقه و آمایش سرزمینی با توجه به تنوع فرهنگ‌ها، اعتقادات جهت تقویت «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» متناسب با آداب و رسوم؛

۲- ارائه گزارش‌های ادواری شش‌ماهه و موردی از اجرای این قانون با همکاری استانداران و فرمانداران و گزارش از وضعیت عفاف و حجاب در سطح جامعه؛

۳- ارائه راهکارهای ارتقای «فرهنگ عفاف و حجاب» متناسب با آداب و رسوم هر منطقه از کشور به تفکیک استان و مناطق شهری و روستایی و عشایری به شورای اجتماعی کشور؛

۴- اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات حوزه عفاف و حجاب به اتباع بیگانه و نظارت بر رعایت آن‌ها؛

۵- تسریع در روند صدور مجوز برای تشکل‌های اجتماعی موضوع عفاف و حجاب و حمایت از آن‌ها؛

۶- حمایت همه‌جانبه و ایجاد ساختار مؤثر برای دبیرخانه ستاد هماهنگی و راهبری اجرای مصوبه عفاف و حجاب و فعال‌سازی کمیته‌های استانی و برقراری تعامل سازنده بین این ستاد و شورای اجتماعی کشور و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) با توجه شرح وظایف آنها در این قانون؛

۷- بازنگری در مجوز تشکل‌های

ماده ۱۶- شهرداری‌ها و دهیاری‌های سراسر کشور با همکاری شوراهای اسلامی شهر و روستا و دستگاه‌های ذیربط مانند سازمان تبلیغات اسلامی، وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی و ورزش و جوانان، سازمان صدا و سیما و ستاد امر به معروف و نهی از منکر، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر هستند:

۱- ایجاد یا تخصیص مراکز تفریحی و ورزشی مخصوص بانوان با طراحی مناسب جهت آزادی عمل بانوان (محرمانه‌سازی محیط) در محیط‌های شهری و روستایی؛
 ۲- تخصیص حداقل بیست درصد (۲۰٪) از بوستان‌ها و پارک‌ها برای استفاده بانوان؛
 ۳- گسترش ساخت مناطق ویژه شنای مردان و زنان و پروژه سالم سازی محیط سواحل دریا توسط شهرداری شهرهای ساحلی در راستای افزایش آسایش و امنیت اخلاقی در مناطق ساحلی؛

تبصره- این وظیفه در خصوص سواحل خارج محدوده شهرها به‌عهده استانداری مربوط است.

۴ - تخصیص حداقل ده درصد (۱۰٪) از تابلوهای تبلیغاتی فرهنگی متعلق به شهرداری یا دهیاری به امر ترویج «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و تعهد زوجین به یکدیگر و «فرهنگ عفاف و حجاب»؛

۵- ایجاد غرفه‌های «سبک زندگی اسلامی

۴- تبیین تکالیف فردی، خانوادگی و اجتماعی آحاد جامعه، دولت و حاکمیت با تأکید بر روش‌های اقناعی و طراحی نقشه راه و تعیین اولویت‌های نهادها و سازمان‌ها با رویکرد هم‌افزایی نهادی و ارجاع کم‌کاری‌ها و تخلفات مدیران دستگاه‌ها و نهادها به مراجع ذیصلاح یا قضائی؛

۵- استفاده از ظرفیت‌های مبلغان دینی با هدف گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در کشور؛

۶- آموزش و تربیت تخصصی مبلغ ویژه عفاف و حجاب از میان طلاب و روحانیون، برای محیط‌های آموزشی، اداری، تجاری، شهر، روستا و فضای مجازی با استفاده از روش‌های نوین تبلیغی و تأکید بر روش اقناعی و ترویج اصالت خانواده در برابر فرد و جامعه و تبیین تفاوت تمدن اسلامی و تمدن‌های غیرالهی در اصالت دادن به خانواده؛

۷- آسیب‌شناسی، بازنگری و به‌روزرسانی مستمر شیوه‌های ترویج عفاف و حجاب، با بهره‌گیری از دانش متخصصان رشته‌های گوناگون و نیز تجارب میدانی فعالان حوزه عفاف و حجاب و مطالعه راهکارهای توسعه «فرهنگ عفاف و حجاب» در نظام تبلیغی دینی و ایجاد نوآوری در این زمینه؛

۸- گسترش و تقویت مراکز مشاوره حضوری و مجازی با محوریت «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و پاسخ به سؤالات راجع به «فرهنگ عفاف و حجاب».

ارائه خدمات مشاوره‌ای در راستای گسترش «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» و ارائه گزارش سالانه از نحوه عملکرد مراکز فوریت‌های اجتماعی و مراکز مشاوره و میزان اثربخشی فعالیت آنها به مجلس شورای اسلامی؛

۲- حمایت و مراقبت از زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیب، به منظور پیشگیری از ارتکاب رفتارهای ناپه‌نجانر و غیراخلاقی؛

۳- گزینش متقاضیان دریافت، صدور و تمدید مجوز مراکز مشاوره و سایر مراکز تحت پوشش سازمان بر اساس صلاحیت‌های عمومی، اخلاقی و رفتاری و گذراندن دوره‌های آموزشی مبتنی بر عفاف و حجاب با همکاری سازمان تبلیغات اسلامی.

ماده ۱۸- وزارت ورزش و جوانان، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- حمایت از سازمان‌ها، تشکل‌ها و انجمن‌های مردمی و غیردولتی فعال در گسترش «فرهنگ عفاف و حجاب» از طریق تسهیلات مالی و غیرمالی؛

۲- طراحی لباس‌های مناسب برای ورزشکاران و ملی پوشان زن و مرد در راستای حفظ حریم عفاف و حجاب با نظارت و تأیید کارگروه مد و لباس؛

۳- تجلیل و تشویق ورزشکاران مروج فرهنگ عفاف و حجاب و پوشش مناسب؛

۴- بازنگری در مجوز تشکل‌ها، سازمان‌ها

خانواده‌محور» و تعهد زوجین به یکدیگر و «فرهنگ عفاف و حجاب» در ایستگاه‌های قطار شهری (مترو)، بوستان‌ها و مراکز خرید وابسته به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها؛

۶- جلوگیری از تبلیغ کالاهای فرهنگی و تجاری مغایر با «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» در اماکن تحت مدیریت یا تملک؛

۷- افزایش وسایل حمل‌ونقل عمومی شهری ویژه بانوان به منظور تأمین آسایش بیشتر آنان و ممانعت از ورود مردان به بخش اختصاصی زنان؛

۸- نظارت مستمر بر تمامی اماکن تحت مدیریت یا تملک از قبیل بوستان‌ها، فرهنگسراها و اماکن تاریخی و وسایل حمل و نقل عمومی شهری و اقدامات لازم در خصوص ایجاد شرایط رعایت عفاف و حجاب و حضور فعال آمران به معروف و ناهیان از منکر در اماکن مذکور و پشتیبانی از آنها؛

۹- اختصاص حداقل سی درصد (۳۰٪) تخفیف اجاره‌بها و سایر هزینه‌های مربوط به شهرداری‌ها پس از تصویب شورای شهر برای مراکز عرضه محصولات عفاف و حجاب.

ماده ۱۷- سازمان بهزیستی کشور، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- توسعه، تقویت و ارتقای کیفیت خدمات مراکز فوریت‌های اجتماعی و مراکز مشاوره در تمامی استان‌ها و شهرستان‌ها به منظور

تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی؛

۲- اولویت‌دهی به طراحان، واحدها و شبکه‌های تجاری و مؤسسات فعال در حوزه محصولات عفاف و حجاب در ارائه تسهیلات بانکی مناسب و حمایت از آنان با معرفی ستاد هماهنگی و راهبری اجرای مصوبه عفاف و حجاب؛

۳- احتساب هزینه‌های تولید و عرضه محصولات و خدمات فرهنگی و هنری که با محوریت عفاف و حجاب و ارائه الگوهای موفق زنان محجبه از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی انجام شده و به تأیید ستاد هماهنگی و راهبری اجرای مصوبه عفاف و حجاب رسیده باشد، به‌عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی؛

۴- استفاده از ظرفیت‌های قانونی مالیاتی در جهت تشویق مراکز تجاری و تولیدی و خدماتی مروج «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» و پیشنهاد لایحه قانونی مرتبط در صورت لزوم؛

۵- بازرنگری و تسهیل در صدور مجوزهای کسب و کار خانگی در جهت تحکیم نهاد خانواده و «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور».

ماده ۲۰- وزارت صنعت، معدن و تجارت، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- برنامه ریزی و تسهیل در جهت تولید مکفی منسوجات از مواد اولیه با کیفیت و

و انجمن‌های مردمی تحت نظارت که به هر طریق به تبلیغ یا ترویج بی‌حجابی، بی‌عفتی، برهنگی و بدپوششی مبادرت کنند؛

تبصره- در صورتی که هریک از مدیران یا اعضای هیئت‌مدیره تشکل‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های مردمی مذکور مرتکب یکی از جرائم یا تخلفات موضوع این قانون شود، باید ظرف مدت یک ماه عزل و جایگزین وی مشخص شود، در غیر این صورت مجوز آنها لغو می‌شود.

۵- برنامه‌ریزی جهت گسترش «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» در جامعه ورزشی کشور و مقابله با علل و زمینه‌های بی‌عفتی، بی‌حجابی، برهنگی و بدپوششی؛

۶- اتخاذ تدابیر لازم جهت به کارگیری مربیان همجنس با ورزشکاران، حتی الامکان در تمامی رشته‌های ورزشی؛

۷- تهیه آیین‌نامه «فرهنگ ورزش قهرمانی»، ظرف مدت سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون جهت تصویب هیئت وزیران.

ماده ۱۹- وزارت امور اقتصاد و دارایی، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- ممانعت از واردات لباس ممنوعه و مجسمه، عروسک، مانکن و تابلو و سایر محصولات مروج برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی و بدپوششی نظیر نقاشی، فرش، کتاب و مجله از مبادی گمرکی، مناطق آزاد

استاندارد و با قیمت مناسب به منظور جلب اقبال مردمی به مصرف منسوجات و پوشاک اسلامی - ملی تولید داخلی؛

۲- فراهم کردن امکان ارتباط مؤثر طراحان پارچه و لباس‌های اسلامی - ایرانی با کارخانه‌های نساجی و تولیدکنندگان لباس و تسهیل‌گری آن، با تأیید کارگروه ساماندهی مد و لباس کشور؛

۳- حمایت از کارخانه‌ها و تولیدکنندگان لباس‌های منطبق با «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» به خصوص چادر مشکی با کیفیت؛

۴- حمایت از متقاضیان تأسیس واحدهای تولید لباس منطبق با «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» و پارچه، به‌ویژه پارچه چادر مشکی تا رسیدن به مرحله خودکفایی؛

۵- حمایت از واحدهای تولیدی پوشاک مورد تأیید کارگروه ساماندهی مد و لباس؛

۶- نظارت مستمر و مؤثر بر عملکرد واحدهای تولید و عرضه پوشاک به‌ویژه در مرحله طراحی و تولید از طریق سازمان‌های مربوطه و برخورد با اصناف خاطی و ترویج‌کننده پوشاک فاقد شاخص‌های اعلامی کارگروه ساماندهی مد و لباس از طریق اتحادیه‌ها و اتاق اصناف و نهادهای قضائی و نظارتی؛

تبصره - وزارت صنعت، معدن و تجارت و اتاق‌های بازرگانی و اصناف مکلفند ضمن حمایت از راه‌اندازی فروشگاه‌های دائمی عرضه ملزومات حجاب با کیفیت و رعایت

تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- برنامه‌ریزی، طراحی و اقدام برای ترویج سبک زندگی اسلامی و ایرانی در ساختمان‌سازی‌ها به گونه‌ای که حریم خصوصی واحدهای مسکونی در معرض دید نامحرم نباشند؛

۲- برنامه‌ریزی، طراحی و اقدام برای ایجاد محیط و زیرساخت‌های لازم به منظور احداث و گسترش فضاهای مناسب‌سازی شده برای بانوان، حفاظت از حریم خانواده و تأمین فضای باز بدون اشراف برای خانه‌ها؛

۳- کمک به تسهیل ازدواج و تشکیل خانواده از طریق تأمین زمین آماده‌سازی شده، به قیمت تمام‌شده برای جوانان در سن ازدواج با استفاده از ترکیب ظرفیت‌های کنونی تسهیلات ازدواج و مسکن؛

۴- همکاری با سازمان تبلیغات اسلامی جهت ارائه خدمات فرهنگی به مسافران به منظور اشاعه «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» و فرهنگ پوشش به همراه نصب تابلوهای تبلیغی اثرگذار در مراکز و اماکن تحت نظارت وزارت راه و شهرسازی؛

۵- اختصاص حداقل بیست درصد (۲۰٪) از تابلوها و فضاهای تبلیغاتی و هنری در اختیار وزارتخانه، سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های راه‌آهن، پایانه‌های مسافربری جهت ترویج «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» با همکاری

فرهنگ اسلامی ایرانی و ساز و کارهای عینی تشویقی از قبیل اولویت حضور در نمایشگاه‌ها، تخفیف در هزینه شرکت در نمایشگاه‌ها، حجم فضای تخصیصی نمایشگاه‌ها، برای واحدهای صنفی فعال و مؤثر در عرصه عفاف و حجاب و از صدور مجوز برای واحدهای متخلف خودداری نمایند.

۷- نظارت بر رعایت شاخص‌های عفاف و حجاب در تبلیغات تجاری کالا و محصولات دارویی و آرایشی و بهداشتی و عدم استفاده از تصویب‌های مغایر «فرهنگ عفاف و حجاب» در آنها؛

۸- برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی با محوریت تبیین احکام و قوانین مرتبط با «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» برای اصناف، پیش از اعطای مجوز فعالیت با همکاری سازمان تبلیغات اسلامی و بسیج اصناف؛

۹- پیگیری و حمایت از راه‌اندازی فروشگاه‌های دائمی عرضه ملزومات حجاب با کیفیت مناسب و رعایت فرهنگ اسلامی ایرانی با همکاری شهرداری‌ها و صنوف، ظرف مدت شش‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ به قیمت تمام‌شده؛

۱۰- تهیه دستورالعمل مناسب‌سازی مکان عرضه و فروش البسه مطابق با «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» ظرف مدت سه‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون.

ماده ۲۱- وزارت راه و شهرسازی، به منظور

سازمان تبلیغات اسلامی.

ماده ۲۲- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- سرعت بخشیدن به راهاندازی شبکه ملی اطلاعات براساس مصوبات مجلس شورای اسلامی و مصوبات شورای عالی فضای مجازی تحت نظارت آن شورا؛

۲- توسعه فضای ایمن و سالم و مفید خانواده محور برای خانواده‌ها و ویژه کودکان و نوجوانان در فضای مجازی با رعایت «فرهنگ عفاف و حجاب»؛

۳- حمایت از کسب و کارها، تولید بازی‌های رایانه‌ای و سکوهای مروج عفاف و حجاب و محصولات و ملزومات حجاب مطابق با «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» در فضای مجازی؛

۴- تهیه دستورالعمل برای سکوهای داخلی و خارجی فعال در فضای سایبر جمهوری اسلامی ایران درخصوص پالایش و ممانعت از بارگذاری محتواهای مغایر با احکام این قانون قبل از بارگذاری توسط کاربران و حذف آنها در صورت بارگذاری با استفاده از نیروی انسانی و فناوری‌های هوشمند، ظرف مدت سه‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون؛

۵- پایش مدل‌های تنظیم‌گری فضای مجازی و پژوهش در مورد حکمرانی بومی فضای مجازی در خصوص احکام این قانون.

ماده ۲۳- وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- برنامه‌ریزی فرهنگی گردشگری اسلامی و طراحی الگوهای اسلامی-ایرانی در برگزاری انواع گشت‌های سیاحتی؛

۲- نظارت از طریق تهیه و تدوین دستورالعمل اجرایی جهت دفاتر خدمات سیاحتی و گردشگری، اماکن اقامتی و پذیرایی، موزه‌ها و بناهای تاریخی به منظور ترویج «فرهنگ عفاف و حجاب» در اماکن تحت نظارت و استفاده از ظرفیت تشکل‌های حرفه‌ای گردشگری؛

۳- بررسی صلاحیت عمومی و تخصصی متقاضیان فعالیت در مراکز تحت پوشش وزارتخانه اعم از مدیران، متصدیان و شاغلان دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری، مراکز اقامتی و پذیرایی، راهنمایان گردشگران توسط حراست وزارتخانه به منظور پیشگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت بر مسند مشاغل مذکور در جهت تأمین امنیت اخلاقی برای خانواده‌ها در این مراکز و اصلاح مقررات مربوط بر اساس این قانون؛

۴- اطلاع رسانی به گردشگران نسبت به قوانین جمهوری اسلامی ایران در خصوص شیوین اسلامی و فرهنگی و نظارت بر گروه‌های گردشگر خارجی به منظور رعایت شیوین اسلامی و تبیین «سبک زندگی اسلامی خانواده محور»؛

۵- طراحی و اجرای آموزش‌های

فحشا و فرهنگ بی بندوباری و فردگرایی و بدنام کردن امریه معروف و نهی از منکر و اقدام پیشگیرانه مناسب تحت تدابیر شورایی عالی پیشگیری از وقوع جرم؛

۲- آموزش، هوشیارسازی و مصونیت بخشی مدیران و کارکنان دستگاه‌ها و سازمان‌های اجرائی کشور در خصوص نفوذ عناصر فاسد و توطئه‌ها و تهدیدات اخلاقی و رفتاری دشمن؛

۳- شناسایی اشخاصی که از طریق فعالیت در فضای مجازی یا غیرمجازی، با همکاری دولت‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند، یا به صورت سازمان یافته، اقدام به ترویج فرهنگ برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی می‌کنند یا صوت، فیلم یا تصویر مرتبط با موضوعات فوق را به بیگانگان ارسال می‌نمایند جهت معرفی به مرجع صالح قضائی.

ماده ۲۵- سازمان برنامه و بودجه کشور، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- توجه ویژه به سیاست‌ها و آموزه‌های فرهنگ عفاف و حجاب در تدوین لوایح برنامه پنج‌ساله؛

۲- ارزیابی و نظارت بر حسن اجرای عملکرد دستگاه‌ها در اعتبارات اختصاص یافته در زمینه عفاف و حجاب و جلوگیری از هزینه کرد بودجه‌های سنواتی مصوب در حوزه‌های دیگر؛

۳- پیش‌بینی اعتبارات لازم برای اجرای برنامه‌های اقدام مصوب دستگاه‌های

«سبک زندگی اسلامی خانواده محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» در سرفصل‌های دوره‌های عمومی گردشگری با همکاری سازمان تبلیغات اسلامی برای مؤسسات تحت پوشش؛

۶- ایجاد نهاد سفر و گردشگری خانواده محور با بهره‌گیری از سامانه هوشمند یکپارچه گردشگری به منظور عمومی سازی گردشگری و استفاده از امکانات و خدمات رفاهی دستگاه‌های مختلف به گونه‌ای که سالانه حداقل چهل درصد (۴۰٪) اماکن، در اختیار زوجین در دو سال اول ازدواج، خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر و اشخاص و خانواده‌های معرفی شده از سوی نهادهای ذیربط قرار گیرد.

۷- نظارت، شناسایی و جلوگیری از فعالیت‌های غیرمجاز در فضای حقیقی و مجازی گردشگری و تفریحی از طریق فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (رفاجا) جهت معرفی آنها به مرجع قضائی.

ماده ۲۴- وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه به منظور رصد اطلاعاتی جرائم سازمان یافته و جلوگیری از گسترش فرهنگ برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی و بدپوششی در کشور، حسب مورد مکلف به وظایف زیر هستند:

۱- رصد و تجزیه و تحلیل مداخلات بیگانگان و جنگ شناختی دشمن در امر عفاف و حجاب و خانواده و شناسایی عوامل و عناصر، مراکز و کشف توطئه‌ها و فعالیت‌های سازمان یافته در ترویج

موضوع این قانون در لوایح بودجه سنواتی و تخصیص صددرصدی اعتبارات مصوب در قوانین بودجه سالیانه؛

۴- پیش‌بینی سازوکارهای لازم جهت اعطا و تضمین تسهیلات بانکی برای سرمایه‌گذاری در تولید پارچه چادر مشکی در لوایح بودجه سنواتی تا رسیدن به خودکفایی.

ماده ۲۶- سازمان اداری و استخدامی کشور، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- ایجاد یا تقویت ساختار و سازمان مناسب دستگاه‌های موضوع این قانون برای اجرای تکالیف تعیین شده در این قانون و تکالیف اختصاصی درحوزه «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» در مصوبات شورایی انقلاب فرهنگی با استفاده از منابع و ظرفیت موجود دستگاه‌ها؛

۲- اصلاح و تنظیم دستورالعمل مربوط به حوزه عفاف و حجاب در جذب و به‌کارگیری داوطلبان استخدام در دستگاه‌های اجرایی و ادامه اشتغال کارکنان آنها بر اساس مقررات اسلامی؛

۳- تدوین شاخص و ارزیابی مرتبط با فرهنگسازی حجاب و عفاف و «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» برای دستگاه‌ها در جشنواره شهید رجایی.

ماده ۲۷- معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- تشویق و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در عرصه ترویج «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» با تأیید ستاد هماهنگی و راهبری اجرای مصوبه عفاف و حجاب؛

۲- همکاری با سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص ترویج سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور و نمادها و الگوهای لباس‌های بومی ایرانی و تشویق و حمایت از مراکز تولید و توزیع لباس‌های اسلامی و ملی؛

۳- پیگیری برای گسترش «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» در مورد زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیب؛

۴- شناسایی راهکارهای ارتقای جایگاه خانواده و زن در اجتماع مبتنی بر «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب»؛

۵- شناسایی عوامل تضعیف‌کننده نقش زن در خانواده و برنامه‌ریزی و پیگیری جهت برطرف شدن آنها.

ماده ۲۸- فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فرجا)، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- ایجاد و تقویت سامانه‌های هوشمند شناسایی مرتکبان رفتارهای خلاف قانون با استفاده از ابزارهایی از قبیل دوربین‌های ثابت و سیار و هوش مصنوعی؛

۲- شناسایی کانون‌های عمومی آسیب‌زا و پرخطر در حوزه عفاف و حجاب؛

نسبت به دستگاه‌های اجرایی که در این قانون برای آنها تکلیف تعیین شده است، از طریق سازمان بازرسی کل کشور و اعلام جرم توسط آن سازمان؛

۴- اقدامات رسانه‌ای برای اطلاع‌رسانی اعمال مجازات‌های قانونی درخصوص مرتکبان هریک از جرائم موضوع این قانون با هدف افزایش بازدارندگی؛

۵- نظارت دائمی بر ضابطان با هدف اجرای صحیح این قانون؛

۶- جلوگیری از ورود وکلایی که حجاب شرعی را رعایت نمی‌کنند به محیط دادگاه‌ها و دادسراها.

ماده ۳۰- سازمان بسیج مستضعفین علاوه بر وظایف و اختیارات مقرر در قانون حمایت قضائی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی و سایر قوانین، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- آموزش عمومی امر به معروف و نهی از منکر زبانی به بسیجیان و داوطلبان و سازمان‌های مردم‌نهاد با همکاری ستاد امر به معروف و نهی از منکر برای گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و آموزش‌های تخصصی بسیجیان ضابط قضائی برای سایر مأموریت‌ها؛

۲- ساماندهی و گسترش توانمندی‌های بسیج در جهت گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در فضای حقیقی و مجازی از طریق فعالیت‌های تبیینی و ترویجی؛

۳- آموزش و به‌کارگیری نیروهای مورد اطمینان و استفاده از مأموران و سایر اشخاص مورد وثوق در مأموریت‌ها و تکالیف تعیین شده در این قانون در معابر، اماکن، واحدهای صنفی، وسایل نقلیه و فضای مجازی؛

۴- ایجاد سامانه‌های لازم برای دریافت گزارش‌های مردمی (موضوع ماده ۳۵) و اعتراض اشخاص نسبت به جرمه‌های اعلامی با امکان پیگیری سامانه‌ای برای گزارش‌دهندگان و معترضان؛

۵- شناسایی و احراز هویت مرتکبان جرائم موضوع این قانون جهت معرفی به قوه قضائیه یا اعمال جرمه؛

۶- حمایت به موقع از آمران به معروف و ناهیان از منکر که به‌صورت فردی یا جمعی اقدام می‌کنند؛

۷- رصد هنجارشکنی و عادی‌سازی رفتارهای خلاف عفت در فضای مجازی و معرفی به قوه قضائیه.

ماده ۲۹- قوه قضائیه، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- اختصاص شعب تخصصی و رسیدگی خارج از نوبت برای رسیدگی به جرائم موضوع این قانون؛

۲- احیای حقوق عامه در حفظ و گسترش «سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور» و «فرهنگ عفاف و حجاب» از طریق دادستان‌های سراسر کشور؛

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین حوزه عفاف و حجاب و احکام این قانون

۳- برنامه‌ریزی و هماهنگی جهت همکاری بسیجیان ضابط با سایر ضابطان جهت اجرای مفاد این قانون تحت نظر قوه قضائیه.

ماده ۳۱- ستاد امریه معروف و نهی از منکر علاوه بر وظایف و اختیارات قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۲۳/۱ و سایر قوانین، به منظور تحقق اهداف این قانون، مکلف به وظایف زیر است:

۱- فرهنگ‌سازی در خصوص نحوه امریه معروف و نهی از منکر در حوزه عفاف و حجاب در قالب آموزش‌های حضوری، مکتوب، صوتی و تصویری برای ارائه در فضای مجازی و غیرمجازی و صدا و سیما و تدوین برنامه‌های آموزش عمومی و تخصصی برای مجریان فریضه امر به معروف و نهی از منکر با همکاری حوزه‌های علمیه، سازمان‌ها، نهادهای فرهنگی و صاحب‌نظران؛

۲- حمایت از گروه‌های مردمی امر به معروف و نهی از منکر و صدور مجوز فعالیت آنها و آموزش و ارائه گواهینامه آموزش به آنها و نظارت بر کار ایشان مطابق قوانین و مقررات؛

تبصره- دستورالعمل اجرائی این بند، ظرف مدت سه‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، به تصویب ستاد امریه معروف و نهی از منکر کشور می‌رسد.

۳- زمینه‌سازی حضور علاقه‌مندان در عرصه امر به معروف و نهی از منکر زبانی و رفع موانع.

فصل چهارم:

وظایف عمومی و مسؤلیت اجتماعی

ماده ۳۲- التزام عملی به عفاف و حجاب در محیط کار و خارج از آن و فضای مجازی، شرط جذب، به‌کارگیری، استخدام، ادامه همکاری، ارتقاء، ترفیع، رتبه‌بندی، انتصاب و برخورداری از امتیازات سنوالتی و استخدامی در دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۳) این قانون و نیز مراکز آموزشی و پژوهشی اعم از دولتی و غیردولتی و عمومی و دانشگاه آزاد اسلامی بوده، مسؤلان ذیربط موظفند بر اساس گزارش مستند مردمی، مراجع نظارتی و ضابطان اقدام نمایند.

تبصره- التزام عملی به عفاف و حجاب در محیط کار و خارج از آن و فضای مجازی شرط صدور و تمدید پروانه فعالیت برای اعضای مؤسسات خصوصی حرفه‌ای عهده‌دار خدمات عمومی موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی است.

ماده ۳۳- در اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و احیای امور تربیتی و در راستای حمایت از عفاف و حجاب، وزارت آموزش و پرورش و سازمان اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه کشور مکلفند ضمن تدوین برنامه احیای امور پرورشی و تربیتی مدارس و نیز در نظر گرفتن یک نیروی کارشناس دینی برای هر مدرسه به صورت تمام وقت با هماهنگی وزارت آموزش و پرورش و مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه حداکثر ظرف مدت سه‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون که به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش می‌رسد، نسبت به جذب و استخدام نیروی انسانی مورد نیاز

تبصره ۱- در صورتی که ارتکاب جرم، سازمان یافته بوده و با همکاری دولت‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند یا اشخاص معاند مرتبط با آنها نباشد و گروه سازمان یافته اغفال شده باشد، مجازات حبس موضوع این ماده تا سه درجه قابل تخفیف است.

تبصره ۲- ضابطان مطابق صلاحیت‌های قانونی خود، مکلفند بلافاصله گذرنامه مرتکب را توقیف و پرونده را حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت جهت تعیین تکلیف به دادگاه صالح ارسال کنند. دادگاه صالح فوراً در خصوص توقیف حساب‌های کاربری و صفحات متناظر و پایگاه اطلاع رسانی مرتکب اتخاذ تصمیم می‌کند. احکام این تبصره در خصوص مواد (۳۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۳)، (۴۷)، (۴۸) و (۴۹) این قانون نیز جاری است.

تبصره ۳- ارسال صوت، فیلم و عکس به دولت‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند یا اشخاص معاند مرتبط با آنها، مشمول مجازات فوق است، مشروط بر این که در رسانه‌ها یا شبکه‌های معاند پخش شده باشد.

ماده ۳۷- هر شخصی در فضای مجازی یا غیر مجازی حجاب را مورد توهین یا تمسخر قرار دهد یا برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی را ترویج یا تبلیغ کند یا هر رفتاری انجام دهد که نوعاً ترویج آنها محسوب شود، در مرتبه اول به جزای نقدی درجه چهار و به تشخیص مقام قضائی ممنوعیت

در این خصوص مطابق قانون احیای معاونت پرورشی و تربیت بدنی مصوب ۱۳۸۵/۳/۷ و سایر قوانین و مقررات خاص جذب مربی و معلم در آموزش و پرورش اقدام نمایند.

ماده ۳۴- کلیه ضابطان می‌توانند در خصوص عدم رعایت حجاب شرعی یا بی‌حجابی و بدپوششی تصویر فرد را به سامانه اختصاصی که توسط فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) تهیه می‌شود، گزارش دهند.

ماده ۳۵- مردم می‌توانند گزارش ارتکاب جرائم صاحبان حرف، مشاغل و کسب و کارها و عدم رعایت این قانون توسط دستگاه‌هایی که در این قانون برای آنها تکلیف تعیین شده است را به سامانه مردمی فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) گزارش دهند.

فصل پنجم:

جرائم و تخلفات

ماده ۳۶- هر شخصی با همکاری دولت‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند یا اشخاص معاند مرتبط با آنها و یا به صورت سازمان یافته مرتکب ترویج یا تبلیغ برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی گردد به حبس درجه چهار و جزای نقدی درجه سه محکوم می‌شود مگر جرم او مشمول ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ گردد. در صورت شمول مقررات تخفیف، مجازات‌های تعزیری فوق صرفاً یک درجه قابل تخفیف است.

ناشی از خروج از کشور تا دو سال و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود و در مراتب بعدی، جزای نقدی یک درجه تشدید و سایر مجازات‌های مرتبه اول نیز اعمال و به حبس درجه پنج نیز محکوم می‌گردد.

تبصره - پخش محتوای صوت و تصویر فراگیر حاوی برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی از مصادیق جرم موضوع این ماده محسوب می‌شود.

ماده ۳۸ - سفارش کار یا سفارش تبلیغات به اشخاص حقیقی یا حقوقی که داخل یا خارج از کشور در فضای مجازی یا رسانه‌ای فعال بوده و فعالیت آنها نوعاً ترویج یا تبلیغ برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی است، ممنوع و در صورتی که کار یا تبلیغات موضوع سفارش مذکور انجام شده باشد، سفارش دهنده به حداکثر جزای نقدی درجه سه یا دو برابر هزینه تبلیغات مشابه در صدا و سیما، هر کدام که بیشتر باشد، محکوم می‌شود و در صورت تکرار مجازات به دو برابر افزایش می‌یابد.

تبصره - مسدودسازی صفحات مجازی و حساب کاربری مشاغل، حرف و کسب و کارهای مجازی مطابق احکام کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه انجام خواهد شد. موارد و شرایطی که فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی (فراجا) می‌تواند به مدت بیست و چهار ساعت تا اعلام به مقام قضائی کسب و کارهای غیرمجازی موضوع این ماده و ماده بعد را پلمب کند، به موجب آییننامه ای است که ظرف مدت سه ماه به تصویب قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۴۰ - در صورتی که در محل کسب، حرفه یا شغل مجازی یا غیر مجازی، صاحبان یا کارکنان آنها به هر ترتیب مرتکب برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی شوند، علاوه بر اعمال مجازات مقرر برای مرتکب، صاحب حرفه یا شغل در مرتبه اول به جزای نقدی درجه پنج یا دو ماه سود ناشی از درآمد آن شغل هر کدام که بیشتر باشد و به تشخیص قاضی ممنوعیت

از خروج از کشور تا دو سال و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود و در مراتب بعدی، جزای نقدی یک درجه تشدید و سایر مجازات‌های مرتبه اول نیز اعمال و به حبس درجه پنج نیز محکوم می‌گردد.

تبصره - پخش محتوای صوت و تصویر فراگیر حاوی برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی از مصادیق جرم موضوع این ماده محسوب می‌شود.

ماده ۳۸ - سفارش کار یا سفارش تبلیغات به اشخاص حقیقی یا حقوقی که داخل یا خارج از کشور در فضای مجازی یا رسانه‌ای فعال بوده و فعالیت آنها نوعاً ترویج یا تبلیغ برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی است، ممنوع و در صورتی که کار یا تبلیغات موضوع سفارش مذکور انجام شده باشد، سفارش دهنده به حداکثر جزای نقدی درجه سه یا دو برابر هزینه تبلیغات مشابه در صدا و سیما، هر کدام که بیشتر باشد، محکوم می‌شود و در صورت تکرار مجازات به دو برابر افزایش می‌یابد.

تبصره - ضابطان مکلفند مستندات مربوط به جرائم مذکور در این ماده و سایر مواد این قانون را جهت اعمال قانون، حسب مورد به دادگاه یا دادسرای مربوط ارسال کنند.

ماده ۳۹ - صاحبان حرف، مشاغل و کسب و کارهای مجازی و غیرمجازی در صورتی که در محل کسب یا حرفه یا شغل، به هر ترتیب برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی را ترویج یا تبلیغ کنند، در مرتبه اول به حداکثر جزای نقدی درجه سه یا پرداخت دو ماه سود

و لغو کلیه امتیازات، تخفیفات و معافیت‌های اعطایی و در مراتب بعدی به دو برابر حداقل جزای نقدی درجه یک یا سه تا هشت درصد از کل دارایی (به جز مستثنیات دین) هر کدام که بیشتر باشد و محرومیت از فعالیت‌های شغلی یا حرفه‌ای به مدت شش ماه تا سه سال و ممنوعیت از خروج از کشور به مدت شش ماه تا دو سال و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال و لغو کلیه امتیازات، تخفیفات و معافیت‌های اعطایی محکوم می‌شود.

تبصره ۱- صداوسیما نمی‌تواند اشخاصی را که به دلیل ارتکاب جرائم موضوع این ماده پرونده آنها در محاکم در حال رسیدگی است یا محکوم شده‌اند، تا پایان مدت محرومیت، به برنامه‌های تلویزیونی دعوت کرده یا با آنها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم قرارداد منعقد کند.

تبصره ۲- صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حسب مورد موظفند از پخش و تولید محتوای صوت و تصویری که در تولید آنها، با اشخاصی که به دلیل ارتکاب جرائم موضوع این ماده پرونده آنها در محاکم در حال رسیدگی است یا محکوم شده‌اند و با ایشان پیش از پایان مدت محرومیت، قرارداد منعقد شده است، در صدا و سیما و شبکه نمایش خانگی و مشابه آنها جلوگیری نمایند، مشروط به اینکه محتوا قابل اصلاح نباشد. قوه قضائیه حسب مورد با اعلام صدا و سیما یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در صورتی که محصولات قابل اصلاح نباشد، قرار توقف پخش را حداکثر ظرف مدت چهل و هشت ساعت صادر می‌کند.

از خروج از کشور شش ماه تا دو سال و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه چهار یا چهار ماه سود ناشی از درآمد آن شغل هر کدام بیشتر باشد و ممنوعیت از خروج از کشور شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.

تبصره ۱- مسیره‌ها و محل‌های گردشگری به عنوان محل کسب و کار مسؤلان یا متصدیان یا صاحبان گروه‌ها و گشت‌ها (تورها) و اردوهای گردشگری اعم از رسمی یا غیر رسمی محسوب می‌شود.

تبصره ۲- در مراکز دولتی یا غیر دولتی که حرف، مشاغل، کسب و کارهای مستقلی در آنها وجود دارند، احکام و مجازات‌های این ماده و ماده (۳۹) این قانون تنها در خصوص حرف، مشاغل، کسب و کارهایی اعمال می‌شود که جرم در محل آنها واقع شده و کل مرکز مشمول احکام و مجازات‌های مذکور نمی‌شود.

ماده ۴۱- هرگاه شخصی که دارای شهرت یا تأثیرگذاری اجتماعی است، در فضای مجازی یا غیرمجازی مرتکب هریک از جرائم موضوع مواد (۳۶)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۳)، (۴۴)، (۴۷)، (۴۸)، (۴۹)، (۵۰) و (۵۷) این قانون و تبصره‌های آنها شود، علاوه بر محکومیت به مجازات مقرر در خصوص جرم ارتكابی، به حداکثر جزای نقدی درجه دو یا یک تا پنج درصد از کل دارایی (به جز مستثنیات دین) هر کدام که بیشتر باشد و محرومیت از فعالیت‌های شغلی یا حرفه‌ای یا تبلیغاتی به مدت تا شش ماه و به تشخیص قاضی به ممنوعیت از خروج از کشور به مدت تا دو سال و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی تا دو سال

و از این طریق مانع انتشار محتوای مروج یا مبلغ برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی شوند و محتواهای مزبور را حداکثر ظرف مدت دوازده ساعت حذف کنند. در صورت اهمال در پیاده‌سازی و اجرای این ساز و کارها ضابطان مطابق صلاحیت‌های قانونی خود، حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پس از کشف، مکلفند پس از مستندسازی، محتواهای ناقض قانون را حذف و پرونده را جهت تعیین تکلیف به مرجع قضائی ارسال کنند، سکوی متخلف به جزای نقدی معادل سه تا ده درصد (۱۰٪) سود حاصل از درآمد سالانه و ممنوعیت از تبلیغات از یک تا سه ماه و حذف محتواهای ناقض قانون و در صورت تکرار به جزای نقدی معادل هفت تا پانزده درصد (۱۵٪) سود حاصل از درآمد سالانه و ممنوعیت از تبلیغات از یک تا سه ماه و حذف محتواهای ناقض قانون، محکوم می‌شود.

تبصره- چنانچه در سکوهایی که کاربرمحور نیستند، محتوایی پخش یا منتشر شود که به نحوی برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی را ترویج یا تبلیغ کند، سکوی متخلف به جزای نقدی معادل هفت تا پانزده درصد (۱۵٪) سود حاصل از درآمد سالانه و ممنوعیت از تبلیغات از یک تا سه ماه و حذف محتواهای ناقض قانون و در صورت تکرار به جزای نقدی معادل پانزده تا بیست و پنج درصد (۲۵٪) سود حاصل از درآمد سالانه و ممنوعیت از تبلیغات از یک تا سه ماه و حذف محتواهای ناقض قانون محکوم می‌شود. صدا و سیما و وزارت

تبصره ۳ - مطبوعات، خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های خبری و سایر رسانه‌هایی که دارای مجوز از مراجع رسمی هستند، نمی‌توانند اشخاصی را که به دلیل ارتکاب هریک از جرائم مذکور در این ماده پرونده آنها در محاکم در حال رسیدگی است یا محکوم شده‌اند، تا پایان مدت محرومیت، به برنامه‌ها یا نشست‌ها دعوت کرده یا مصاحبه، سخنرانی، مقاله یا فعالیت تبلیغاتی مربوط به آنها یا مرتبط با آنها را پخش یا منتشر نمایند یا با آنان قرارداد منعقد کنند. در صورت تخلف از این حکم، به حداکثر جزای نقدی درجه دو یا سه تا پنج درصد سود سالانه ناشی از فعالیت، هرکدام که بیشتر باشد، محکوم می‌شوند.

تبصره ۴- تهیه‌کنندگان محتوای صوت و تصویر، موظفند در شروط ضمن قرارداد، تضمین مناسب از عوامل اصلی تولید، مبنی بر عدم ارتکاب جرائم مذکور در این ماده تا دوسال پس از پخش کامل محتوا اخذ نمایند. در صورت ارتکاب جرم قبل از اتمام مدت مذکور، مرتکب به مجازات این ماده محکوم می‌شود و چنانچه تضمین مناسب اخذ نشده باشد و جزای نقدی از محل اموال مرتکب قابل وصول نباشد، تهیه‌کننده، مسؤول پرداخت جزای نقدی است.

ماده ۴۲ - همه سکوهایی کاربرمحور موظفند سازوکارهای انسانی و هوشمند تعدیل محتوا را حسب مورد مطابق مصوبات شورای عالی فضای مجازی یا سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (ساترا)، پیاده‌سازی و اجراء نمایند

رسیدگی، مجازات و تعیین تکلیف می‌شود. تبصره ۲- در صورتی که جرائم موضوع این ماده و تبصره (۱) آن به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یابد، مجازات مرتکبان یک درجه تشدید می‌شود و مجوزهای فعالیت شش ماه تعلیق می‌گردد.

ماده ۴۴ - چنانچه هر یک از کارکنان دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۳) این قانون و هر یک از اعضای مؤسسات خصوصی حرفه‌ای عهده‌دار خدمات عمومی موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی و نیز اشخاصی که در مراکز آموزشی و پژوهشی اعم از دولتی، غیردولتی و دانشگاه آزاد اسلامی مشغول به تدریس و یا به هر نحوی در آن دستگاه‌ها شاغل و یا به طور موقت مشغول به کار هستند، داخل یا خارج از دستگاه متبوع خود مرتکب هر یک از جرائم موضوع این قانون شوند، بالاترین مقام مسؤل دستگاه و واحدهای نظارتی از قبیل حراست یا بازرسی مکلفند، ضمن اعلام مراتب به فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) جهت ارسال پرونده برای انجام تکالیف پیش‌بینی شده در این قانون، مراتب را حسب مورد به هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان، هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی، کمیته‌های انضباطی کارکنان یا دادسراهای انتظامی مربوط اعلام کنند.

تبصره ۱- هیئت‌های رسیدگی به تخلفات، کمیته‌های انضباطی یا دادسراهای انتظامی حسب مورد موظفند به شکایت یا

فرهنگ و ارشاد اسلامی حسب مورد مکلفند از پخش محتواهای مذکور ممانعت کنند. سکوها موظفند حداکثر ظرف مدت دوازده ساعت محتوای مذکور را حذف نمایند، در غیر اینصورت مرجع قضائی موظف است با اعلام دستگاه‌های مذکور حداکثر ظرف مدت یک هفته قرار توقف پخش را صادر نماید.

ماده ۴۳ - طراحی یا تبلیغ لباس ممنوعه یا مانکن (که توسط کارگروه ساماندهی مد و لباس تعیین می‌شود) یا اسباب‌بازی، مجسمه، عروسک، تابلو، نماد یا تصویر مروج فرهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی و بدپوششی (که توسط شورای فرهنگ عمومی تعیین می‌شود)، جرم است و مرتکب در مرتبه اول علاوه بر ضبط ابزار ارتکاب جرم، به حداکثر جزای نقدی درجه چهار یا دوبرابر درآمدهای حاصل از ارتکاب جرم هر کدام که بیشتر باشد و به تشخیص قاضی به ممنوعیت از خروج از کشور تا دو سال و ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی تا دو سال و در مراتب بعدی به حداکثر جزای نقدی درجه سه یا سه برابر درآمدهای حاصل از ارتکاب جرم هر کدام که بیشتر باشد و به تشخیص قاضی به ممنوعیت از خروج از کشور از شش ماه تا دو سال و به ممنوعیت از فعالیت عمومی در فضای مجازی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

تبصره ۱- لباس، اسباب‌بازی، مجسمه، عروسک، مانکن یا تابلو موضوع این ماده کالای ممنوعه محسوب می‌شود و بر اساس قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی

گزارش‌های واصله، مطابق قوانین و مقررات مربوط رسیدگی و حکم انتظامی صادر کنند.

تبصره ۲- مرجع قضائی مکلف است مضمولین این ماده را که مرتکب جرائم موضوع این قانون شده‌اند، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون، به انفصال از خدمات دولتی و عمومی از شش ماه تا دو سال محکوم کند.

تبصره ۳- مراجع قضائی و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) موظفند علاوه بر انجام تکالیف قانونی خود، نسبت به معرفی اشخاص مضمول این ماده به دستگاه‌های متبوع جهت رسیدگی در هیئت‌های رسیدگی به تخلفات، کمیته‌های انضباطی یا دادرهای انتظامی مذکور در تبصره (۱) این ماده اقدام نمایند.

ماده ۴۵- مسؤل مستقیم در دستگاه‌های موضوع این قانون، چنانچه هر یک از وظایف تعیین شده در این قانون را اجراء نکند یا ناقص اجراء کند، مستنکف از اجرای قانون تلقی شده و به انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی و اشتغال به حرفه مربوط به مدت تا دو سال محکوم می‌شود. نظارت بر این امر و شکایت در محاکم به عهده سازمان بازرسی کل کشور و دادستان‌های عمومی و انقلاب است. این امر مانع از تعقیب مرتکب حسب مورد در هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، کمیته‌های انضباطی یا دادرهای انتظامی نیست.

ماده ۴۶- دادگاه صادرکننده حکم، در مواردی که بر اساس سود ناشی از درآمد، جزای نقدی تعیین می‌گردد، میزان سود ناشی از درآمد را براساس آخرین برگ تشخیص مالیاتی قطعی شده که از اداره مالیات مربوطه استعلام می‌کند، تعیین می‌نماید. اداره مالیات موظف است استعلام فوق را ظرف مدت یک هفته پاسخ دهد. این اظهارنظر، قطعی است و در صورتی که به هر دلیل، برگ تشخیص مالیاتی صادر نشده باشد، جزای نقدی تعزیری ملاک صدور حکم خواهد بود.

ماده ۴۷- هر کس در غیر حریم خصوصی از جمله انظار یا اماکن عمومی یا معابر مرتکب بدپوششی شود در مرتبه اول توسط ماموران فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) معادل پنج ششم حداکثر جزای نقدی درجه هفت جریمه و از طریق مقتضی یا با استفاده از سامانه‌های هوشمند یا پیامک به وی اعلام می‌شود، در مرتبه دوم توسط مرجع قضائی مرتکب معادل حداکثر جزای نقدی درجه شش و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه پنج محکوم

می‌شود. در صورت تکرار بیش از چهار بار، مرتکب به مجازات تکرار جرم موضوع ماده (۴۰) این قانون محکوم می‌گردد.

تبصره ۱- بدپوششی در مورد زنان عبارت است از هر نوع پوشش خلاف عفت و اخلاق عمومی از قبیل پوشیدن لباس بدن نما یا تنگ یا لباسی که قسمتی از بدن دیده شود.

تبصره ۲- بدپوششی در مورد مردان هر نوع پوشش خلاف عفت و اخلاق عمومی است.

ماده ۴۸- هر شخصی در انظار یا اماکن عمومی یا معابر اقدام به برهنگی یا نیمه‌برهنگی نماید یا با پوششی ظاهر شود که عرفاً برهنگی محسوب می‌شود، بلافاصله توسط ضابطان بازداشت و به دادگاه صالح معرفی می‌شود و به مجازات حبس درجه چهار یا جزای نقدی درجه سه محکوم می‌گردد و در صورت تکرار، مجازات حبس یا جزای نقدی یک درجه تشدید می‌شود. ضابطان موضوع این ماده کلیه نیروهای فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) و ضابطان عام و خاص دادگستری هستند. در صورت عدم حضور ضابطان، تبصره (۱) ماده (۴۵) قانون آیین دادرسی کیفری قابل اعمال است.

ماده ۴۹- هر زنی در غیر حریم خصوصی از جمله انظار یا اماکن عمومی یا معابر کشف حجاب کند به نحوی که چادر یا مقنعه یا روسری یا شال بر سر نداشته باشد، در مرتبه اول توسط ماموران فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) معادل پنج ششم حداکثر جزای نقدی درجه هفت جریمه و از طریق مقتضی یا با استفاده از سامانه‌های هوشمند یا پیامک به وی اعلام می‌شود، در مرتبه دوم توسط مرجع قضائی مرتکب در مرتبه دوم معادل جزای نقدی درجه شش و در مراتب بعدی به جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شود. در صورت تکرار بیش از چهار بار، مرتکب به مجازات تکرار جرم موضوع ماده (۴۰) این قانون محکوم می‌گردد.

تبصره- ورود مردان به محیط‌های اختصاص یافته به زنان در اماکن و وسایل حمل و نقل عمومی مشمول مجازات این ماده می‌شود.

ماده ۵۰- ارتکاب هریک از جرائم موضوع مواد (۴۷)، (۴۸) و (۴۹) این قانون در مراسم عمومی یا اجتماعات موجب تشدید مجازات‌های مقرر به میزان یک درجه می‌شود.

یا راکب یا سرنشین آن مرتکب بی‌عفتی، کشف حجاب، بی‌حجابی یا بدپوششی شود، توسط مأموران فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) پنج میلیون ریال جریمه می‌شود. همچنین اعمال جریمه برای وسیله نقلیه مذکور نافی اعمال احکام و مجازات‌های مقرر در خصوص مرتکب یا مرتکبان نیست. حکم این ماده در خصوص تاکسی‌ها و مسافربراهی اینترنتی نیز جاری می‌شود. ثبت اولین تخلف، موجب عدم ثبت تخلفات بعدی از لحاظ زمانی نبوده و جریمه‌های نقدی جمع می‌شود.

تبصره ۱- در صورتی که راکب یا سرنشین موتورسیکلت مرتکب برهنگی، نیمه‌برهنگی، بدپوششی یا کشف حجاب شود، موتورسیکلت توسط ضابطان بلافاصله به مدت یک هفته توقیف و مالک آن توسط مرجع قضائی به جریمه معادل بیست میلیون ریال محکوم می‌شود. این حکم مانع از اعمال مجازات‌های مقرر در مواد (۴۷)، (۴۸) و (۴۹) نیست.

تبصره ۲- سکوهای تاکسی اینترنتی موظفند ظرف مدت دو ماه در سامانه‌های ارتباطی خود با مشتریان و رانندگان امکان گزارش دهی راننده خودرو در خصوص مسافران ناقض این قانون را تعبیه کنند. در صورتی که راننده گزارش نقض احکام این قانون توسط مسافر را به سامانه ارسال نماید از پرداخت جریمه معاف می‌شود. همچنین این سکوها موظفند ارتباط برخط مأموران فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) با این سامانه را فراهم کنند. در صورت عدم انجام

ماده ۵۱- از تاریخ ابلاغ جریمه موضوع مواد (۴۰)، (۴۷) و (۴۹) این قانون، مرتکب می‌تواند مراتب اعتراض خود را ظرف مدت ده روز از طریق سامانه فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) با ذکر دلایل ثبت نماید. فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) موظف است حداکثر ظرف مدت دو هفته پس از وصول اعتراض بررسی لازم را انجام داده و در صورت غیرموجه دانستن اعتراض مراتب را به معترض ابلاغ نماید. در صورت اصرار معترض، موضوع جهت رسیدگی به هیئت متشکل از یک قاضی با ابلاغ رئیس قوه قضائیه و نماینده وزارت کشور و نماینده فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) در حوزه قضائی شهرستان ارسال می‌شود. هیئت موظف است ظرف مدت یک‌ماه پرونده را رسیدگی کند. ریاست آن هیئت با قاضی خواهد بود که پس از اخذ نظر مشورتی دو عضو دیگر، ظرف مدت یک هفته مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

ماده ۵۲- در صورت ظن قوی بر غیرایرانی بودن مرتکب هریک از جرائم موضوع این قانون، ضابطان ابتدا نسبت به احراز هویت قطعی وی از طریق مقتضی اقدام، در صورتی که ایرانی بودن وی احراز نشود، گذرنامه یا مجوز اقامت وی توقیف و پس از اعمال احکام مقرر در این قانون، وی با تشخیص قاضی به مجازات مذکور در بند (خ) ماده (۳۳) قانون مجازات اسلامی نیز محکوم می‌شود.

ماده ۵۳- وسایل نقلیه موتوری که راننده

زمینی، هوایی، دریایی و ریلی مکلف به تجهیز وسایل نقلیه تحت مدیریت یا نظارت خود به ابزارهای شناسایی مرتکبان هریک از جرائم این قانون هستند. وزارت راه و شهرسازی و شهرداری‌ها موظف به نظارت بر اجرای حکم این ماده هستند.

ماده ۵۵- کلیه جریمه‌ها یا جزایهای نقدی مستند به رأی قطعی لازم الاجراء حسب مورد توسط قوه قضائیه یا فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) به بانک مرکزی اعلام می‌گردد.

بانک مرکزی مراتب را به صورت برخط به تمام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اطلاع می‌دهد تا از حساب بانکی متخلف یا محکوم علیه برداشت و به خزانه‌داری کل کشور واریز شود و از طریق سامانه ثنای قوه قضائیه یا سایر سامانه‌های اطمینان آور بلافاصله به اطلاع وی برسد. در صورتی که موجودی حساب متخلف کفایت پرداخت وجه را نداشته باشد، موجودی حساب کسر و مبلغ باقیمانده به عنوان بدهی وی در سامانه بانک مرکزی ثبت و در اولین زمان ممکن از حساب فرد برداشت و به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز میشود، در تمامی موارد فوق امکان اجرا از طریق اجرای احکام دادگستری به استثنای موارد بازداشت یا جلب وجود دارد که در این موارد اجرا نمی‌شود.

تبصره ۱ - حبس بدل از جزای نقدی موضوع ماده (۵۲۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ با اصلاحات

تکالیف موضوع این ماده، سکوهای متخلف به پرداخت جزای نقدی معادل سه ماه سود ناشی از درآمد سکو محکوم می‌شود.

تبصره ۳- در صورتی که وسیله نقلیه موتورسیکلت موضوع این ماده، فاقد پلاک یا پلاک آن مخدوش یا به نحوی ناخوانا یا پوشانده شده باشد، علاوه بر توقیف وسیله نقلیه به مدت یک‌ماه، جریمه مذکور در این ماده نیز به دو برابر افزایش می‌یابد.

تبصره ۴- از تاریخ ابلاغ جریمه، متخلف می‌تواند مراتب اعتراض خود را ظرف مدت ده روز از طریق سامانه فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) با ذکر دلایل ثبت نماید. فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) موظف است حداکثر ظرف مدت دو هفته پس از وصول اعتراض، بررسی لازم را انجام داده و در صورت غیرموجه دانستن اعتراض مراتب را به معترض ابلاغ نماید، در صورت اصرار معترض، موضوع جهت رسیدگی به هیئتی متشکل از یک قاضی با ابلاغ رئیس قوه قضائیه و یک کارشناس راهنمایی و رانندگی با معرفی رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی مربوط ارسال می‌شود. هیئت موظف است ظرف مدت یک‌ماه پرونده را رسیدگی کند. ریاست آن هیئت با قاضی خواهد بود که پس از اخذ نظر مشورتی عضو دیگر، ظرف مدت یک هفته مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

ماده ۵۴- مدیر یا بالاترین مقام یا مسؤول مستقیم شرکت‌ها و مؤسسات حمل و نقل

اعم از فعل و ترک فعل به علت حجاب به زنان توهین یا تمسخر کرده یا افترا ببندد به مجازات این ماده محکوم می‌گردد.

ماده ۵۸ - مطابق مبانی شرعی و اصل هشتم قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر لسانی در حوزه پوشش و حجاب با رعایت شروط آن وظیفه اجتماعی همه مردم است و هیچکس را نمی‌توان به علت انجام این واجب شرعی مؤاخذه نمود.

ماده ۵۹ - هرکس در مقابل امر به معروف و نهی از منکر شرعی و قانونی در خصوص عفاف و حجاب، حرکات غیرمستعار انجام داده یا توهین یا پرخاش کند، به جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌گردد.

ماده ۶۰ - هرگونه تعرض، تهمین، مزاحمت یا اخلال در مراحل اجرای این قانون ممنوع بوده و ضمن توقیف ابزار و تجهیزات مربوط، در صورتی که رفتار ارتكابی در قانون دارای مجازات شدیدتری نباشد، مرتکب به حبس درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شود.

ماده ۶۱ - در صورت تعدد و تکرار جرائم موضوع این قانون، مجازات‌های نقدی با هم جمع می‌شود. احکام قانونی مرور زمان درباره مجازات‌های نقدی

و الحاقات در اجرای احکام این قانون اعمال نمی‌شود مگر در جرائمی که جزای نقدی با حبس همراه است.

تبصره ۲ - در صورتی که جرمه یا جزای نقدی مستند به رأی قطعی لازم‌الاجراء مطابق این قانون قابل وصول نباشد، مرجع قضائی می‌تواند برای اجرای حکم تا زمان وصول جرمه یا جزای نقدی، حکم مبنی بر عدم ارائه برخی از خدمات الکترونیکی بانکی به محکوم علیه صادر کند.

ماده ۵۶ - چنانچه مقامات، مسؤولان یا کارگزاران موضوع مواد (۱) و (۳) قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسؤولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱/۱۷/۲ یا همسر یا فرزند آنان مرتکب هریک از جرائم موضوع این قانون شوند، مشمول اعمال تخفیف، تعلیق و تعویق مجازات نمی‌شوند.

ماده ۵۷ - هر شخصی در انتظار، اماکن عمومی، معابر، محیط‌های شغلی اعم از دولتی، خصوصی یا وسایل حمل و نقل عمومی متعرض بانوان محجبه شود، توسط ضابطان عام و خاص قوه قضائیه بازداشت و به حداکثر مجازات مندرج در ماده (۶۱۹) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، محکوم می‌شود.

تبصره - هر شخص با هرگونه رفتاری

آنها را جهت شناسایی اشخاص ناقض این قانون در اختیار فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) قرار دهند. در صورت امتناع از اجرای این حکم یا حذف داده‌های مذکور، کارکنان مسؤل مربوط به شش ماه تا دو سال انفصال از خدمات دولتی و عمومی و صاحبان مشاغل و حرف و کسب و کارها به جزای نقدی درجه یک یا معادل یک تا سه ماه سود ناشی از درآمد سالانه شغل و سایر افراد به جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌گردند.

تبصره ۱- تصاویر دوربین‌های وزارت اطلاعات و سازمان انرژی اتمی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و نیروهای مسلح با رعایت ملاحظات حفاظتی و امنیتی در اختیار فراجا قرار می‌گیرد.

تبصره ۲- به منظور گسترش پوشش سامانه‌های الکترونیکی و رسیدن به هویت قطعی مرتکبان و احصاء شناسه ملی آنان، کلیه دستگاه‌های موضوع این ماده بلافاصله پس از ابلاغ این قانون و حداکثر تا سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، موظفند علاوه بر در اختیار قرار دادن بانک‌های اطلاعاتی مورد نیاز اجرای این قانون، تغییرات این بانک‌ها را به منظور به روزرسانی آنها به صورت اتصال برخط قوه

مندرج در این قانون اجراء نمیشود.

تبصره ۱- مبالغ جریمه‌ها و جزایهای نقدی معادل مبلغ تعدیل شده زمان وصول اخذ می‌شود.

تبصره ۲- همه مبالغ جریمه‌ها و جزایهای نقدی مندرج در این قانون و سایر قوانین، ابتدای هر سال به تناسب نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی با بخشنامه رئیس قوه قضاییه تعدیل می‌شود.

ماده ۶۲- دادگاه می‌تواند حسب مورد، مرتکبان هریک از جرائم موضوع این قانون را علاوه بر اعمال مجازات‌های مقرر در این قانون، به برخی از موارد مندرج در ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی متناسب با رفتار ارتكابی، حداکثر به مدت دو سال محکوم نماید.

ماده ۶۳- کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۳) این قانون و اشخاص حقوقی و حقیقی متولی ارائه خدمات به مردم از قبیل بانک‌های غیردولتی یا شرکت‌های حمل و نقل مسافر یا فروشگاه‌ها و صاحبان حرف و مشاغل و مسؤلین محوطه شهرک‌ها یا مجتمع‌ها موظفند ضمن به روزرسانی دوربین‌های در اختیار به منظور ارتقای کیفیت تصویر، تصاویر دوربین‌های خود را به مدت حداقل بیست روز نگهداری و

قضائیه به کلیه بانک‌های مذکور از قبیل سامانه ثبت احوال کشور، بانک شاهکار وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، بانک رمزینه (QRcode) واحدهای صنفی وزارت صنعت، معدن و تجارت، بانک مستخدمین رسمی و غیررسمی کشوری، بانک دانش آموزان و دانشجویان و سامانه‌های بانک مرکزی و اطلاعات کارکنان مؤسسات غیردولتی از طریق سامانه های سازمان‌ها و صندوق‌های بیمه‌گر فراهم کنند. قوه قضائیه موظف است حسب مورد امکان استفاده فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) از اطلاعات مذکور را جهت اجرای این قانون تحت نظارت خود فراهم کند.

ماده ۶۴- در صورتی که فردی مرتکب جرائم موضوع این قانون به جز در موارد مندرج در مواد (۳۶)، (۴۸)، (۵۲) و (۵۷) این قانون گردد با ارائه مستندات از سوی ضابطان، صرفاً توسط مرجع قضایی احضار میگردد ... چنانچه حضور یابد پس از تفهیم اتهام، در صورت وجود دلایل کافی مطابق آیین دادرسی کیفری یکی از قرارهای تأمین کیفری که منتهی به بازداشت وی نشود، صادر می‌گردد و در صورتی که در مرجع قضائی حضور پیدا نکند فرآیند دادرسی ادامه یافته و حسب مورد رأی غیابی صادر میشود. در هر صورت متهم به لحاظ ارتکاب جرایم مواد مذکور بازداشت نمی‌شود. در صورتی که مرتکب بدون عذر

موجه (مندرج در قوانین آیین دادرسی) در دادگاه حاضر نشده باشد، پس از قطعی شدن حکم غیابی، امکان واخواهی ندارد.

تبصره - جرائم موضوع این قانون به جز مواردی که دارای مجازات حبس است، مستقیماً در دادگاه رسیدگی می‌شود. ماده ۶۵- به منظور اجرای این قانون، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) مجاز است، از سایر مأمورین و اشخاص آموزش دیده و مورد وثوق در خصوص تهیه مستندات جرائم موضوع این قانون در معابر، اماکن، واحدهای صنفی، وسایل نقلیه و فضای مجازی استفاده نماید.

ماده ۶۶- چنانچه مرتکب هر یک از جرائم مذکور در این فصل از مضمولین مواد (۸۸) یا (۸۹) قانون مجازات اسلامی باشد، به جزاهای نقدی مقرر در این قانون و ممنوعیت از خروج از کشور از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود و در خصوص سایر مجازات‌ها، مطابق فصل دهم بخش دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ عمل می‌شود.

ماده ۶۷- احکام مذکور در ماده (۶۳۸) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و تبصره آن در خصوص حجاب شرعی و قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملأعام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار میکند ۱۳۶۵/۱۲/۲۸ با

اصلاحات و الحاقات بعدی در مواردی که در این قانون حکم جدیدی تعیین نشده است، به قوت خود باقی است.

ماده ۶۸ - کلیه احکام و تکالیف مذکور در این قانون در خصوص فضای مجازی نیز مجری است، مگر آنکه خلاف آن تصریح شده باشد.

ماده ۶۹ - از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، جزای نقدی و جریمه‌های حاصل از کشفیات واردات غیرقانونی پوشاک و لوازم آرایشی ده درصد (۱۰٪) افزایش می‌یابد. مبالغ حاصل از افزایش فوق به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب بودجه سنواتی پنجاه درصد (۵۰٪) آن به وزارت صنعت و معدن و تجارت جهت انجام وظایف مندرج در این قانون و پنجاه درصد (۵۰٪) دیگر جهت حمایت از طراحان و انجام مأموریت‌ها به کارگروه ساماندهی مد و لباس تخصیص می‌یابد.

ماده ۷۰ - دولت موظف است هر ساله در بودجه‌های سنواتی منابع لازم برای اجرای این قانون را پیش‌بینی نماید و در دوسال اول اجرای این قانون در قالب قانون بودجه سنواتی منابع لازم برای اجرای زیرساخت‌ها و سامانه‌ها و دوربین‌های لازم به فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) اختصاص دهد.

تبصره - منابع حاصل از اجرای این قانون به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب بودجه سنواتی برای رفع آسیب‌های اجتماعی، فرهنگ‌سازی عفاف و حجاب و ازدواج و مسکن جوانان و اوقات فراغت خانواده محور اختصاص می‌یابد.

ماده ۷۱ - آیین‌نامه نحوه شناسایی مرتکبین بدحجابی، بدپوششی، کشف حجاب و نحوه اعلام مستندات به مقام قضایی و نحوه تعیین مجازات‌های قانونی و اعمال احکام قانونی تخفیف، تعلیق و سایر احکام فردی کردن مجازات توسط مقام قضایی و نحوه اعلام عمومی دادنامه جهت ایجاد بازدارندگی عمومی ظرف مدت یک ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.

ماده ۷۲ - از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، مدت زمان اجرای آزمایشی این قانون، ۳ سال است.

نقد کارشناسان به لایحه عفاف و حجاب



لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب، پس از تدوین، علیرغم ایرادات فراوان از ابعاد مختلف از مجلس به شورای نگهبان رفت و پس از بررسی، مجدد به مجلس بازگشت. نقدهای زیر از منابع مستند برداشت شده است.

پدید می‌آورد که صاحبان کرسی تقنین که به نویسندگان این لایحه اعتماد کرده‌اند، در چه سطحی از توانمندی و مهارت‌های تخصصی و مورد نیاز برای قانونگذاری‌اند؛ بنابراین، ادعای فرونشست این لایحه در مرحله اعتبارسنجی - که از ابتدا توسط منتقدان مطرح می‌شد - مستند به این اظهار نظر شورای نگهبان است و بنابراین اصلاح صوری، ظاهری و لفظی این مواد قانونی حتی اگر نظرات شورای نگهبان را هم تأمین کند، کافی نخواهد بود؛ زیرا مشکلات اجرایی در ایستگاه بعدی که آزمون «امکان‌سنجی» اجرای قانون است خود را نشان خواهد داد و پیامدهای سهمگین آن بر ملک و ملت تحمیل خواهد شد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

مطابق نظریه شورای نگهبان بیش از ۱۳۰ مورد ابهام، ایراد، مخالفت با شرع، مخالفت با قانون اساسی و نیز مخالفت با سیاست‌های کلی نظام وحتی برخی اغلاط نگارشی در خصوص این لایحه شمارش شده است.

فراوانی اشکالات شورای نگهبان بر این لایحه زمانی روشن‌تر می‌شود که توجه کنیم مجموع این لایحه دارای ۷۰ ماده قانونی است که بیش از ۱۳۰ ایراد به آن وارد شده است؛ یعنی هر ماده نگارش شده به طور متوسط با حدود دو ایراد مواجه است!

این وضع نگرانی عمیق و شدیدی را



ایراد مجدد شورای نگهبان به لایحه عفاف و

حجاب

پس از ارجاع دوباره مجلس شورای اسلامی و پس از رفع ایرادات مورد انتظار شورای نگهبان، لایحه مذکور مجدد به مجلس عودت داده شد. سخنگوی شورای نگهبان گفت: با توجه به باقی ماندن برخی ایرادات و ابهامات در لایحه عفاف و حجاب، این لایحه برای اعمال اصلاحات لازم بار دیگر به مجلس شورای اسلامی ارجاع شد.

به گزارش اختیاری به نقل از تسنیم، هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان با اشاره به آخرین وضعیت لایحه موسوم به عفاف و حجاب گفت: «شورای نگهبان نسبت به لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در مرحله قبل ایرادات و ابهامات متعددی را داشت که مجلس در جلسات خود این موارد را اصلاح کرد و ما مجدداً این لایحه را در دستور کار شورای نگهبان قرار دادیم و با بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که بسیاری از ایرادات و ابهامات برطرف شده است.» وی افزود: «باین حال هنوز برخی ایرادات و ابهامات وارده به این لایحه پابرجا است و به همین خاطر بار دیگر لایحه را برای اصلاح موارد باقی مانده به مجلس ارجاع دادیم.»

لایحه حجاب و عفاف فرو ریخت

محمد درویش‌زاده، قاضی پیشین دیوان عالی کشور و رییس پژوهشکده حقوق و قانون بیان کرد: زمانی که لایحه موسوم به حجاب و عفاف در کمیسیون مربوط مجلس مطرح بود منتقدان زیادی اظهارنظر کردند. از جمله صاحب این قلم نیز از «سرگردانی اهداف و فلسفه حقوق در این لایحه» گفت. در آن یادداشت تاکید شد که آنچه گفته می‌شود فقط در مقام توصیف لایحه است و در موقعیت تجویز نیستیم. ظاهراً هشدار و انذار منتقدان این لایحه که بر دو رکن «اعتبارسنجی» این لایحه و نیز «امکان‌سنجی» اجرای آن ایرادهای اساسی وارد کرده بودند، تأثیری نداشت و صاحبان کرسی تقنین تحت تأثیر نویسندگان لایحه قانع نشدند و ساز خود را نواختند و فرصت‌های گرانقدر قانونگذاری و تقنین را صرف لایحه‌ای کردند که اکنون هر دو رکن اعتبارسنجی و امکان‌سنجی آن ویران شده است.

مستندات مدعی فرونشست اعتبار

این لایحه

صاحبان کرسی تقنین می‌توانند با نادیده گرفتن سخن منتقدان و دلسوزان، منکر ویرانی دو پایه اعتبارسنجی و امکان‌سنجی این لایحه شوند و مسیر تصویب این لایحه را دنبال کنند، اما اگر خواسته باشند حداقل به شیوه آزمون و خطا اکتفا کنند، باید مطالعات پیش‌قانونگذاری را - برای پژوهش در تأثیرات اجتماعی این لایحه - در اولویت

شود؛ و یا حتی فراتر از آن، در مورد پرونده‌هایی که به یک مجتمع قضایی ارسال شده، بسته به اینکه به تشخیص معاونت ارجاع، پرونده هر شخص به کدام شعبه ارجاع شود، متهمین جرم واحد، سرنوشت متفاوتی پیدا می‌کنند.

آیا این نوع برخوردهای قضایی متفاوت، آن‌هم در این ابعاد، نسبتی با برابری همگان در مقابل قانون و اصل تساوی مجازات دارد؟! اختلاف آرا در این سطح و ابعاد، این پیام را به جامعه مخابره می‌کند که ظاهراً آنچه حاکم است نه قانون، بلکه سلیقه قضات است.

زعمای قوم و رؤسای دادگستری باید توجه کنند که شاید سیاست برخورد قضایی به نحو کج‌دار و مریز، مصلحت‌خودساخته اقلیتی در حاکمیت را تا حدودی حفظ کند، ولی این تالی فاسد را به همراه دارد که دادگستری به عنوان حافظ امنیت و ابزار اصلی اقتدار و حاکمیت قانون، در چشم مردم روزبه‌روز تنزل یافته و از جایگاه رفیع آن کاسته خواهد شد. دستگاه قضایی مسئول حفظ مصلحت هیچ شخص و ارگان و نهادی نیست، بلکه مکلف به احیای حقوق عامه و حراست از آن است. وقتی رفتاری در این حد وسیع توسط شهروندان ارتکاب می‌یابد و توان و امکان برخورد قضایی با آن وجود ندارد، به حکم عقل باید از آن رفتار جرم‌زدایی کرد؛ نه اینکه به هر شیوه‌ای متوسل شد تا عملی را که اکثریت مردم جرم نمی‌دانند را کماکان جرم دانست.

منابع:

پایگاه خبری اختیار
سایت تحلیلی خبری عصر ایران
پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان
روزنامه هم‌میهن

قرار دهند. آنها باید بپذیرند که فقط استفاده از واژگان مقدس و مطلوب همچون عفاف و حجاب و واژگان فرهنگ دینی یا استناد به نیت‌های درونی خودشان کافی نیست تا اثربخشی صورت گیرد، بلکه برای تضمین اثربخشی و کارآمدی یک قانون باید مطالعات پیشاتقنینی و پساتقنینی در خصوص تأثیرات اجتماعی قوانین انجام دهند و زمینه و امکان‌سنجی اجرای قانون را بفهمند و آن را در قانون‌گذاری لحاظ کنند.

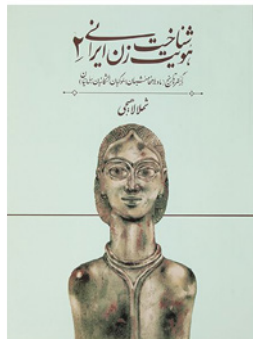
تفاوت برخوردهای قضایی با بانوان، به‌خاطر عدم رعایت حجاب‌شرعی، مشکلات ناشی از تعارضات رویه قضایی را به‌خوبی آشکار می‌کند. می‌بینیم که فقط در استان تهران، شعبی از دادگاه کیفری ۲، بانوانی را به حبس و تعسیل اموات و مراجعه به مراکز روان‌درمانی و... محکوم کرده و شعباتی دیگر از این دادگاه، حکم به برائت صادر کرده و یا با وجود احراز مجرمیت، حکم به معافیت متهم از کیفر یا قرار تعویق صدور حکم صادر نموده‌اند.

به‌عبارتی دیگر، بسته به اینکه متهم در کدام سمت و محله شهر تهران مرتکب عدم رعایت حجاب شرعی شده و در نتیجه پرونده او به کدام‌یک از مجتمع‌های کیفری تهران ارسال

شهلا لاهیجی

شهلا لاهیجی، ناشر، نویسنده و مترجم به دلیل بیماری در تاریخ ۱۸ دی ۱۴۰۲ درگذشت. او پایه گذار انتشارات روشنگران و مطالعات زنان در سال ۱۳۶۲ است. در طول سال‌های فعالیت خود توانست آثار نویسندگان متعددی را به چاپ برساند و تلاش کند تا فرهنگ ایران به شایستگی مطرح گردد. سال‌های پر تلاش او ثمره‌های فراوانی داشت. در ادامه به نظرات خانم لاهیجی در موضوع زنان که مستند به نوشته‌های خود ایشان است، اشاره می‌شود تا از این طریق علاقه ایشان را به هدف رشد و آگاهی زنان کشورمان مرور شود. این بخش از مطالب نشان می‌دهد که آرمان و آرزوی ایشان برای بهبود وضعیت زنان تا چه میزان جدی و مورد احترام است.





نخستین خانه را او ساخته، نخستین پدر را او افشاند و نخستین ظرف را او شکل داده است. این دانسته‌ها او را می‌دارد تا در مورد آن عجز و ناتوانی، فقدان ابتکار و نیاز به دنباله‌روی که به او نسبت داده می‌شود، بازنگری کند. «و همچنین: ... زن نقش مهمی در برپایی تمدن بشری داشته است و این نقش نه تنها تضادی با سرشت مادرانه او ندارد که ملهم از همین ویژگی است. ... قدرتی که مادر در درون خود دارد و برای تربیت و آموزش بهنجار کودک ضروری است، با وجود بهره‌مندی زن از این قدرت نمی‌توان او را ضعیف و دلیل به حساب آورد.» در بخشی از متن کتاب ایشان به صراحت می‌گوید: «... عاجز و حقیر شمردن مادر، عجز و حقارت نسل‌ها است...»

و در ادامه به جوانان توصیه می‌کند: «اگر زن جوان و دختر نوجوان امروزی از نسل پیشین خود گله مند است، نمی‌تواند و نباید با ادامه همان راه، سرنوشت خود را توالی سرنوشت مادر سازد. او موظف است ارزش و هویت خود را به عنوان یک موجود برابر از نظر ارزش انسانی بشناسد و سپس برای به دست آوردن حقوقی که لازمه این ارزش و هویت است تلاشی هوشمندانه را آغاز کند. ... گفتگویی با ایشان در مجله حقوق زنان شماره دوازدهم یا تیتیر «گویی با ناشران زن» در دومین نمایشگاه کتاب ناشران زن (از ۸ تا ۱۶ مهرماه سال) ۱۳۷۸ انجام شد که کلیدی‌ترین صحبت ایشان این بود: «برای رشد کردن توان داریم، آموزش و محیط مناسب نداریم.»

شایسته است بخشی از کتاب «شناخت هویت زن ایرانی، در گستره پیش تاریخ و تاریخ» را که توسط خانم شهلا لاهیجی و خانم کار تدوین شده است، جهت مستندسازی دیدگاه‌های ایشان بیان شود:

«... به یاد داشته باشیم که ما از قاعده و اکثریت صحبت می‌کنیم و نه استثنا و اقلیت. بی شک، هستند زنان آگاهی که نه تنها به حقوق خود و محدودیت‌های آن واقفند، بلکه برای اثبات موجودیت و توانایی‌هایشان سخت در تلاش و کشمکش آرام و صلح‌آمیز هستند. بسیاری زنان و مادرانی که با وجود اشتغال به کار بیرون از خانه و شراکت در مسئولیت‌های اقتصادی خانواده در امر تربیت فرزندان و ارتقاء اندیشه و رشد فکری آنان نیز ایفاگر نقش نخستند. اشتیاق بخش عمده‌ای از دختران نسل جوان ما برای ورود به دانشگاه‌ها، بیانگر آن است که ایشان می‌کوشند و می‌خواهند که در تحولات اجتماعی آینده به حساب آورده شوند. سیمایی که از زن آگاه امروزی ترسیم کردیم، سیمای همه زنان و دختران نیست. چرا که ایشان هنوز در اقلیتند.»

و در ادامه خطاب می‌کند که «... هدف اکثریت است. تلاش ما بر این بوده است که به زن در مجموعه این اکثریت بقبولانیم که حتی در قالب مادر و همسر نیز نقش او مهم و دارای بار عظیمی از مسئولیت اجتماعی است. به او بگوییم: امر تربیت که به دست او انجام می‌پذیرد چه اثرات مثبت یا منفی - بسته به آگاهی یا نا آگاهی او در پیشبرد جامعه دارد. اگر حقوق پیشین او با این مسئولیت‌ها و نیازها همخوانی ندارد، باید برای رفع کمبودها کاری انجام شود و زن ناگزیر است در اعلام این خواسته، خود نخستین «خواهان» باشد.»

توجه ایشان به نقش مهم مادری با بیان نظرات ارائه شده در این نوشتار، نگاهی به وجود اوج قدرت زنانه است.

«زن در ابتدایی‌ترین چهره زندگی، مادر است. این مادر باید خود را بشناسد. از نقش خود در خانواده آگاه شود. باید بداند که پرورش نوزاد انسان با آن کندی رشد، و آسیب‌پذیری، امر کوچک و کم‌اهمیتی نیست. زن باید بداند که بر پهنه زمین



سید محمد موسوی بجنوردی



مشخص شد که این شروط دوازده گانه به جای ماده ۸ قانون حمایت از خانواده و به صورت گسترده تری به سرانجام رسیده است و در سال ۱۳۶۰ در دفترچه های ازدواج ثبت و اجرایی شود. امروز سند های ازدواج با همان شروط در دسترس زوجین قرار دارد. موسوی بجنوردی در دانشگاه های متعددی از جمله دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس کرد و عضو شورای پژوهش پژوهشکده حقوق و قانون ایران بود. آثار ایشان عبارتند از: کتاب عقد ضمان، علم اصول، فقه تطبیقی، اندیشه های حقوقی حقوق خانواده، قواعد فقهیه جلد ۱ و ۲، مقالات اصولی و... می باشد. بخشی از گفتگوهای آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی در موضوعات خانواده و زنان در مجله زن روز:

- بررسی تأثیر قول مشهور در حقوق زنان -۱-
 پیرامون ارث زوج و حضانت فرزندان، ویژه نامه روز زن شماره ۱۲۵۱، سال ۱۳۶۸

سید محمد موسوی بجنوردی فقیه و حقوقدان ایرانی پس از یک دوره بیماری در ۵ اسفند ۱۴۰۲ درگذشت. موسوی بجنوردی به عنوان یکی از چهره های ماندگار رشته فقه و حقوق برگزیده شد. موسوی بجنوردی تحصیلات خود را در حوزه علمیه نجف گذراند و پس از انقلاب ۱۳۵۷ به ایران آمد. از سال ۱۳۶۱ الی ۱۳۶۸ به عنوان عضو شورای عالی قضایی فعالیت کرد. در طول سال های حضورش در فقه و حقوق توانست نقش مثبتی در حوزه پاسخگویی به پرسش های حوزه خانواده و زنان ایفا کند. ایشان در موضوع شروط ضمن عقد ازدواج با طرح دغدغه های زنان، تلاش بسیاری کرد تا بتواند فضای جامعه را به سوی امید به اصلاحات قانونی برود. در آن زمان که حتی قانون خانواده هم در معرض بودن یا نبودن قرار داشت، وجود این شروط و بیان مباحث جدید زنان و آگاهی از کیفیت آن در جامعه موثرات داد. در گفتگوهای متعددی که با موسوی بجنوردی در باره نقد شروط صورت گرفت،



پیرامون شرط تأهل در گرفتن برخی از مجوزهای فرهنگی: شرط تأهل، مطابق موازین اسلامی نیست، مجله حقوق زنان، شماره ۱۶، تیر و مرداد ۱۳۷۹، ص ۷ و ۷

مقالات:

- خشونت نسبت به زنان از منظر دین، بازتاب اندیشه، مرداد ۱۳۸۴، شماره ۶۴
- بررسی فقهی و حقوقی و حدود مسئولیت مدنی و کیفری ناقلین ایدز با رویکردی بر نظریات حضرت امام خمینی (س)، نامه الهیات، دانشگاه آزاد تهران واحد شمال، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۳.
- قاعده اقدام، دیدگاه‌های حقوقی، ۱۳۷۵، شماره ۲.
- جایگاه عرف در حقوق بین الملل و حقوق اسلام، فصلنامه علمی پژوهشی متین، ۱۳۸۱، شماره‌های ۱۵ و ۱۶.
- کودک آزاری، نشریه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۳.
- بررسی و فقهی و حقوقی حق تألیف با رویکردی به آراء امام خمینی (س)، فصلنامه علمی پژوهشی متین، ۱۳۸۷، شماره ۴۱؛
- حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی (ره)، (با همکاری محمد مهریزی ثانی) پژوهشنامه متین، زمستان ۱۳۹۲، سال پانزدهم، شماره ۶۱
- شبیه‌سازی انسان از منظر دین، (با همکاری اعظم سقازاده)، نامه الهیات، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۱۲.
- درباره جاسوسی و خیانت به کشور، آیین، شهریور ۱۳۸۹، شماره‌های ۳۰ و ۳۱.
- جرم سیاسی در حقوق کیفری اسلام، بهمین و اسفند ۱۳۸۸، شماره‌های ۲۶ و ۲۷.
- نقش حسن نیت در عقود و قراردادهای در فقه و حقوق، حقوق و علوم سیاسی، بهار ۱۳۸۶، شماره ۲.
- همانندسازی با هدف درمان ناباورگی، حقوق عمومی، اسفند ۱۳۸۵، شماره ۲.
- ارث زن از شوهر با رویکردی بر نظرات حضرت امام خمینی (ره)، پژوهشنامه متین، بهار ۱۳۸۵، شماره ۳۰.
- مسئولیت کیفری و مدنی پزشک، پژوهشنامه متین، بهار ۱۳۸۱، شماره ۱۴.
- فهم عرفی در اصول لفظیه و هرمنوتیک، زبان و ادبیات فارسی، پاییز ۱۳۸۰، شماره ۳۴.

- طبق رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، معنادار غیر ولگرد مجرم نیست. شماره ۱۰۴۴، سال ۱۳۶۴
- دادگاه در مورد عسر و حرج می‌تواند طلاق بدهد. کارهای خانه وظیفه زن نیست و او می‌تواند بابت آن اجرت مطالبه کند، شماره ۱۱۹۵، سال ۱۳۶۷
- در مسئله تعدد زوجات، خوف از عدم اجرای عدالت بالاتر از عدالت است، شماره ۱۱۹۶، سال ۱۳۶۷
- گفتگو پیرامون مشکل وسواس، شماره ۱۲۹۵، سال ۱۳۶۹
- ما به عنوان یک حکومت اسلامی باید بیمه زنان خانه دار را قانونی کنیم، شماره ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ به مناسبت روز زن، سال ۱۳۶۹
- فقه شیعه از حیث آزادی اندیشه نظیر ندارد، شماره ۱۳۲۵، سال ۱۳۷۰
- آیت‌الله بجنوردی: یکی از راه‌های تحدید تعدد زوجات، شرط عدم تزویج زوج در ضمن عقد نکاح است، شماره ۱۳۳۴، سال ۱۳۷۰
- مشکل تعیین مهریه اسکناس، کاهش تدریجی قدرت خرید آن است، شماره ۱۳۴۱، سال ۱۳۷۰
- نظریات فقهی امام در تحکیم خانواده موثر بود، شماره ۱۳۶۱، سال ۱۳۷۱
- اعزام دختران دانشجو به خارج از کشور مغایر با موازین شرعی نیست، شماره ۱۴۳۲، سال ۱۳۷۲
- پیرامون شهادت زنان و دیه قصاص (عدم حضور زن در جامعه علت اصلی تفاوت شهادت زن و مرد)، شماره ۱۴۶۰، سال ۱۳۷۳
- بخشی از گفتگوهای آیت‌الله محمد موسوی بجنوردی در موضوعات زنان در نشریه حقوق زنان: گفتگو با آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی: اسلام خشونت نسبت به زن را نمی‌پذیرد (نگرشی به آیه ۳۴ سوره نساء در قرآن مجید، شماره ۳ نشریه حقوق زنان، تیرماه ۱۳۷۷، ص ۵ الی ۹
- گفتگو با آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی شغل‌های ممنوع! (شغل‌های ممنوع برای زنان: ریاست جمهوری و قضاوت)، مجله حقوق زنان، شماره ۲۱، فروردین ۱۳۸۱ ص ۹ الی ۱۱
- گفتگو با آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی



زهرا شجاعی

در چهارچوب قانونی بود، زنان از حقوق بهتری برخوردار بودند.

در گفتگویی که در اولین شماره نشریه حقوق زنان پس از پذیرش مسئولیت به عهده گرفت، اولویت اول اقدامات مرکز را برنامه ریزی برای زنان خانه‌دار اعلام کرد و در پایان مصاحبه از او پرسش شد که سخن ایشان با زنان جامعه چیست؟ و پاسخ ایشان: «خواهشم از زنان جامعه این است که بدانند میزان همت و تلاشی که به خرج می‌دهند در واقع آنها را به هدف‌های انسانی خودشان نزدیک می‌کند. زنان باید خود را باور کنند و این باور را در جامعه به وجود بیاورند و این امر میسر نمی‌شود مگر با اتکال به الله و با همت و تلاش و کوشش خودشان. زنان باید به تقویت روحی و معنوی خود بپردازند و آگاهی خود را افزایش دهند و انتظار نداشته باشند که دیگران برایشان کاری انجام دهند. یادش ماندگار!

زهرا شجاعی، مشاور رییس جمهوری ایران (دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی) و رییس مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۴-۱۳۷۶) با سابقه استادی در دانشگاه الزهرا و دانشگاه تهران در تاریخ ۷ فروردین ۱۴۰۳ به علت بیماری درگذشت. سیاستمداری اصلاح‌طلب که در دوره مسئولیت خود برای بهبود وضعیت زنان و خانواده تلاش بسیاری کرد. آثار بجای مانده از دوران مدیریت او بیانگر درک و تلاش او برای زنان در کشور از هر طبقه‌ای است. زهرا شجاعی از سال ۱۳۸۶ تا هنگام فوت، دبیر کل مجمع زنان اصلاح طلب بود.

یکی از اقدامات مهم در زمان مدیریت زهرا شجاعی پروژه «بازپژوهی حقوق زن» است که برای بررسی قوانین مربوط به زنان در جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. نویسندگان این پژوهش استاد ناصر قربان‌نیا و همکاران ایشان بودند. پژوهش در دو جلد کتاب در تاریخ ۱۳۸۴ منتشر شد. این

پژوهش نشان‌دهنده ضرورت به تجدید نظر و اصلاح قوانین برای زنان بود که در پیوست کتاب به متن الحاق شده است. این یادآوری نشان می‌دهد که زهرا شجاعی به‌عنوان یک مسئول در بخش زنان سعی خود را برای بهبود وضعیت زنان از ابعاد مختلف انجام داد.

شجاعی به صورت مکرر گزارش سالانه خود را برای اطلاع و آگاهی عموم منتشر می‌کرد تا مسئولین هم به کمی و کاستی بخش زنان پی ببرند و هم مردم آنچه که امکان اجرا داشته است، مطالعه کنند.

بی‌شک اگر ساختار مرکز امور مشارکت زنان، دارای اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری به‌حقی





نقش احزاب، زنان و نسل‌های حقوق بشر

محمد مهدی محمدی؛ عضو شورای مرکزی و دبیر اجرایی همایش، آذر منصوری؛ رئیس جبهه اصلاحات ایران، محمدحسن ضیایی‌فر؛ دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مصطفی کواکبیان؛ دبیر کل حزب مردم سالاری و رئیس کمیته انتخابات خانه احزاب ایران، مهدی مهدوی زاهد؛ پژوهشگر مطالعات میان رشته‌ای در حقوق به ایراد سخنرانی پرداختند و از کتاب احزاب سیاسی و پیشبرد فرهنگ رعایت حقوق بشر نوشته آقای مهران صفاری پژوه نیز رونمایی شد.

در پیام رئیس دولت اصلاحات به این همایش آمده است کامروایی جمعیت محترم حمایت از حقوق بشر زنان را در همه عرصه‌های فکری و عملی از پرودگار توانا خواستارم و امیدوارم نشست این جمعیت زیر عنوان «احزاب زنان و نسل‌های حقوق بشر ظرفیت‌ها و چالش‌ها» دستاورد ارزنده برای جامعه به ویژه زنان گرانقدر داشته باشد. از آنجاکه این همایش بر اساس انتشار فراخوان دریافت مقاله در چهار محور فوق‌الذکر، سال

همایش «احزاب، زنان و نسل‌های حقوق بشر؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها» در دی ماه ۱۴۰۲ برگزار شد. این برنامه توسط جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان به مناسبت بیست‌سالگی تشکیل این جمعیت انجام شد. در این برنامه چهار نشست به موضوع: «نقش احزاب در احترام به نسل‌های حقوق بشر و حمایت و تحقق آنها»، «احزاب، دولت‌ها و حقوق بشر زنان»، «احزاب زنان و تحقق نسل‌های حقوق بشر» و «مطالعه تطبیقی پیرامون احزاب و حقوق بشر زنان» مورد بررسی قرار گرفت.

افتتاحیه همایش احزاب زنان و نسل‌های حقوق بشر؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها روز دوشنبه ۴ دی‌ماه با حضور چهره‌ها و شخصیت‌های سیاسی، علمی، پژوهشی، فعالان حوزه حقوق زنان و حقوق بشر به همت جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان با پیام سید محمد خاتمی؛ رئیس‌جمهور سابق کشورمان آغاز و پس از آن شهیندخت مولاوردی؛ دبیرکل جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان و دبیر علمی همایش،



اتفاقا همین نشان می‌دهد، حقوق بشر تا چه حد به یک امر سیاسی تبدیل شده است.)

آذر منصوری در ادامه با طرح پرسش بجز حقوق بشر زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان نه تنها در این منازعات رنج مضاعف می‌بینند بلکه اگر در نقطه‌ای از این کره خاکی حقوقشان نقض شود و در تبعیض و رنج باشند، اساسا چنین جوامعی رنگ توسعه نخواهند دید. در واقع شاخص توسعه یافتگی و شاخص عدالت جنسیتی دو شاخص به شدت در هم تنیده هستند و از این منظر توجه به حقوق بشر زنان اهمیت دو چندان پیدا می‌کند. به همین دلیل نزدیک به دو دهه است که مجمع جهانی اقتصاد شاخص شکاف جنسیتی کشورها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و گزارش آن را منتشر می‌کند. البته این گزارش با توجه به نقص داده‌ها در مورد ایران ممکن است دقیق نباشد، با این حال طبق آخرین گزارش منتشر شده رتبه شکاف جنسیتی ایران در بین ۱۴۶ کشور جهان ۱۴۳ است که نشان از وخامت اوضاع حقوق بشر زنان در ایران دارد و مکرر گفته شده است که تا این تبعیض‌ها علیه زنان ایران رفع نشود، مناقشه بر سر مطالباتی مانند حجاب اجباری ابعاد پیچیده‌تری به خود خواهد گرفت و امروز اگر بخش مهمی از زنان ایران مطالبه حق انتخاب پوشش دارند، دلیل اصلی آن نادیده گرفتن حقوق بنیادین آنهاست. به همین دلیل بهبود حقوق بشر زنان تأثیر مستقیم در بهبود شاخص شکاف جنسیتی خواهد داشت و بهبود این شاخص یعنی کشور یکی از مؤلفه‌های حرکت در مسیر توسعه پایدار و متوازن را رعایت کرده است. (توسعه پایدار با پیشرفت تفاوت ماهوی دارد و طبعاً رئیس مجلس یازدهم نمی‌تواند رأساً نام توسعه را از برنامه هفتم حذف و واژه پیشرفت را جایگزین آن کند که پرداختن به آن مجال مفصل می‌خواهد). وی افزود: اما بخش دیگر پرسش بر می‌گردد به چگونگی دستیابی به حقوق بشر زنان. طبعاً باید دید الگوهای موفق دنیا چه مسیری را طی کرده‌اند تا ما نیز بتوانیم با بومی‌سازی این مدل‌ها از ظرفیت‌های ممکن و مقدر کشورمان برای دستیابی به این هدف استفاده کنیم. آنچه که به عنوان تجربه مشترک همه جوامع

گذشته آغاز شده بود، نشست‌های تخصصی و ارایه مقاله‌های برگزیده در تاریخ پنجم و ششم دی ماه به صورت مجازی در اسکای‌روم ساعت ۱۵ تا ۱۸ برگزار شد که علاقه‌مندان توانستند برنامه نشست‌ها را دریافت و آنها را دنبال کنند. در پایان این برنامه لوح یادبود و تندیس مقاله برگزیده به عمادالدین باقی، حسین نورانی‌نژاد، نیلوفر گچی‌لو، محمد مهدی مجاهدی، کتابون مصری، منصور عنبرمو، نفیسه مرادی، اطهره نژادی، محبوبه صادقی‌نیا، اصلی عباسی، مهدی معتمدی مهر و مهدی مهدوی‌زاهد اهدا شد و از تلاش‌های ایشان نیز تقدیر به عمل آمد.

آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات ایران در همایش سالانه جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان بیان کرد که نمی‌توان گفت حقوق بشر یک امر غیرسیاسی است. اما چرا و چگونه می‌توان حقوق بشر زنان را ارج نهاد و شاهد بهبود حقوق بشر زنان ایران بود؟

طبعاً یکی از اهداف مهم تشکیل نهادهایی که با هدف دفاع از حقوق بشر در جوامع و در سازمان‌های بین‌المللی تشکیل می‌شوند بهبود اوضاع حقوق بشر است و به طریق اولی نهادهایی که در حوزه حقوق بشر زنان فعالیت می‌کنند، نیز در تلاشند وضعیت حقوق بشر زنان را بهبود بخشند. (هر چند با این نسل کشی که اسرائیل در غزه به آن دست زده، شاهدیم که از دست نهادهای بین‌المللی حقوق بشر نیز برای توقف این جنایت‌ها کاری ساخته نیست و



رتبه شکاف جنسیتی ایران در بین
۱۴۶ کشور جهان ۱۴۳ است که
نشان از وخامت اوضاع حقوق بشر
زنان در ایران دارد و امروز اگر
بخش مهمی از زنان ایران مطالبه
حق انتخاب پوشش دارند، دلیل
اصلی آن نادیده گرفتن حقوق
بنیادین آنهاست.

«یکی از چالش‌های فکری «انسان مسلمان» در عصر جدید نحوه مواجهه و مناسبات بین «اسلام» و «تجدد» بوده است و چگونگی این رویارویی به ظهور نحل‌های عقیدتی مختلف انجامیده است. برخی از متفکرین در جدال بین دین و تجدد، چاره را در بازگشت به خویشتن و احیای تمدن اسلامی؛ و گروهی راهکار را در تعامل اسلام و مدرنیته و اصلاح دینی دانسته‌اند. دسته نخست علل انحطاط تمدن عظیم اسلامی را در دوری از سنت‌های اصیل و گروه دوم زوال هیمنه اسلامی را در تقابل با نوسازی می‌دانند. جریان نخست را بنیادگرایان نوسلفی و طیف دوم را نواعتالیون تشکیل می‌دهند که خود ریشه در منازعات کلام اسلامی و تفکرات معتزله‌ای و اشاعره‌ای دارند. نواندیشان دیندار، باور به حسن و قبح ذاتی و عقلی امور داشته و مانند معتزلیان عقل و عدالت را پیشادینی دانسته و شرط اعتبار آموزه‌های دینی را عدم مغایرت آن با این دو رکن (عقل و عدالت) می‌دانند؛ زیرا باید بین «دین» آن چنانکه عندالله هست و «دین» در مقام تحقق خارجی و به مثابه یک پدیده تاریخی قائل به تفکیک شد.»

مهدوی در ادامه افزود: «ما در دیدگاه اصولگرایان زن با محوریت نهاد خانواده و مسائل آن دیده می‌شود. وقتی هم از «خانواده» صحبت می‌کنیم منظور همان خانواده هسته‌ای» و کلاسیک است. بر این اساس هم اولین اقدام دولت اصولگرایان در حوزه زنان تغییر نام «مرکز امور مشارکت زنان» به «مرکز امور زنان و خانواده» بود. و این تغییر عنوان گویای تغییرات مبنایی در مواجهه با مسائل زنان بود. در عهد

موفق پیش روی ماست این است که همواره این خود زنان بوده‌اند که حاملان اصلی تغییر به نفع بهبود این شاخص‌ها بوده‌اند و با ایستادگی در دفاع از حقوق خود در دو سطح موضوع دستیابی به حقوق انسانی خود تلاش کرده‌اند.

سطح اول: در ساختار قدرت رسمی کشورها؛ و سطح دوم: در عرصه عمومی و جامعه مدنی این دو سطح در تلازم با یکدیگرند. اما لازمه اصلی این تغییر حضور قدرتمند زنان در عرصه عمومی است؛ چرا که تجربه ثابت کرده است، سیاستگذاری‌های عمومی به نفع تامین حقوق زنان، اگر پشتوانه عرصه عمومی را نداشته باشد، دوام و بقایی نخواهد داشت و با آمدن و رفتن دولت‌ها چه بسا عملکردها در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرد.

این درست است که برای رفع تبعیض‌های جنسیتی حضور در ساختار قدرت از اهمیت بالایی برخوردار است، اما باید به این نکته توجه داشت که تا زمانی که اراده رفع تبعیض، به قدرت متشکل و سازمان یافته تبدیل نشود، ثبات روندهای ضد تبعیض نیز پایدار نخواهد بود.

منصوری در ادامه افزود: حضور زنان در مقدرات اساسی کشور اگر منضم به خرده جنبش‌های رفع تبعیض نباشد و پشتوانه جنبشی نداشته باشد، تغییرات پایداری به نفع زنان شکل نخواهد گرفت. هر چند با تشدید روندهای استصوابی موجود این در به‌روی زنان نیز مخالف تبعیض نیز بیش از پیش بسته است، اما در هر دو سطح نقش احزاب اهمیت بالایی پیدا می‌کند و اینجاست که نمی‌توان گفت حقوق بشر یک امر غیرسیاسی است.

چه هدف احزاب دمکراتیزه کردن ساختار قدرت و تشکیل دولت توانا باشد و چه قدرتمند کردن جامعه، باید قادر باشند حساسیت لازم را نسبت به حقوق بشر داشته باشند و نسبت به موارد نقض آن کنش فعال و مؤثر داشته باشند.

سخنران دوم مهدی مهدوی‌زاهد؛ استاد و پژوهشگر مطالعات میان‌رشته‌ای حقوق در همایش بیست سالگی جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان با عنوان «احزاب؛ زنان و نسل‌های حقوق بشر؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها» بود:



**حق زنان برای زندگی عاری از خشونت
و تبعیض، حق آموزش، حق دریافت
حقوق برابر، حق داشتن مناصب
سیاسی، حق سلامت جنسی و باروری
و... نه تنها حقوق زنان، بلکه حقوق
بشر است و هرگاه از حقوق بشر زنان
می‌گوییم، از چیزی جز اینها نمی‌گوییم.**

اصولگرایان، سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات متعددی برای حفظ ساختار و کارکرد سنتی نهاد خانواده انجام شده اما نتیجه مورد نظر ایشان حاصل نگردید، زیرا ضعف در درک واقعیات و اتکاء بر اعمال اعمال حاکمیتی و دیوان سالارانه؛ مجموعه‌ای از بحران‌ها و آشفتگی‌ها را به همراه خواهد ساخت. سوءمدخلاتی که با ورود به حوزه و حریم خصوصی افراد ضمن تهدید و تحدید حق‌های فردی و آزادی‌های بنیادین مانند حق بر اشتغال، حق بر مسکن و... به برقراری تبعیض نظام‌مند انجامیده و چالش‌های متعددی را برای افراد به همراه خواهد داشت. بر این بنیاد به نظر می‌رسد که خود تنظیم‌گری جامعه ضروری است؛ زیرا نهادهای اجتماعی از الزامات نظام‌های صوری سیاسی تبعیت نمی‌کند، از این رو تلاش برای نادیده گرفتن منطق کنش اجتماعی و جایگزینی منطق‌های دیوانی و اداری به افول بیشتر دولت می‌انجامد.»

سخنرانی سوم با گزارش شهیندخت مولاوردی دبیرکل و دبیرعلمی همایش «احزاب زنان و نسل‌های حقوق بشر؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها» ادامه یافت: «... جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان فعالیت غیررسمی خود را از سال ۱۳۷۸ آغاز کرد و پایه‌های جمعیت در دوره‌ای که با غلبه گفتمان اصلاح‌طلبی و طرح نظریه گفتمانی گوی تمدن‌ها به حق موسوم به بهار نهادهای مدنی است، گذاشته شد. بعد از دو سال، سرانجام، در سال ۱۳۸۰، به رغم آنکه درخواست اولیه آن مجوز تشکیلی صنفی تخصصی بود، می‌توان گفت در یک توفیق اجباری و در عمل موفق به دریافت پروانه فعالیت بعنوان حزب و تشکیلی سیاسی از وزارت کشور شد و به صورت رسمی، فعالیت خود را ادامه داد و بعد از طی دو دهه فعالیت پرفراز و نشیب، همزمان با بیستمین سالگرد تاسیس خود، بر

آن شد تا نخستین همایش سالانه خود را با همکاری اساتید صاحب‌نظر و پژوهشگران ارجمند برگزار نماید. هرچند جمعیت یکی از احزاب زنان (به اعتبار اعضای هیات موسس آن که همگی زن بودند؛ به عبارتی تشکیلی توسط زنان و برای زنان) محسوب می‌شود، اما در حال حاضر تنها تشکل زنانه است که به اعتبار عنوان، هدف و موضوع فعالیت خود، در شرایط عضویت، هیچگونه محدودیت یا منعی برای عضویت و مشارکت مردان چه در ارکان جمعیت و چه به عنوان عضو وجود ندارد. از جایگاه دبیرکل جمعیت، گفتنی است که تاکنون با برگزاری دو کنگره، تلاش مان بر این بوده پاسخگوی بخشی از این سوالات با ارائه گزارش عملکرد خود باشیم که مشخصاً در کنگره اول به چپستی و چرایی و در کنگره دوم به چگونگی کنش‌گری خود پرداختیم و اینکه «به‌عنوان حزبی با مشی اصلاح‌طلبانه و رویکردی اجتماعی که برای احترام، رعایت و تحقق حقوق بشری زنان می‌کوشد و شعار «همه حقوق بشر برای همه» را در تمامی این سالها، سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده است، با تعهد به آرمان عدالت جنسیتی و اصلاح‌طلبی، سیاست‌ورزی معطوف به حق‌های انسانی به قدرت دارد و نه قدرت مباحو قدرت»

دبیر کل جمعیت ادامه داد: «اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یک نقشه راه و مبتنی بر ارزش‌ها و رویکردهای مشترک، قرار بود در پایان دادن به جنگ‌ها و مخاصمات، رفع تنش‌ها، التیام آلام، پیشبرد زندگی صلح‌آمیز و باکرامت برای همه و ایجاد امنیت و ثباتی که جهان به آن نیاز دارد، کمک کند.

اما در پیام دبیرکل سازمان ملل متحد به مناسبت بزرگداشت دهم دسامبر، بر این واقعیت تاکید شده که امروز مسیر حرکت بشر در بسیاری موارد نادرست است و نتیجه آن بروز یا تشدید بسیاری از چالش‌هاست و لذا اذعان خواهیم نمود که «جهان راه خود را گم می‌کند. مخاصمات بیداد می‌کند. فقر و گرسنگی در حال افزایش است. نابرابری‌ها عمیق‌تر می‌شود. بحران آب و هوا یک بحران حقوق بشری است که آسیب‌پذیرترین افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اقتدارگرایی در حال گسترش است. فضای مدنی در حال کوچک



خشونت و تبعیض، حق آموزش، حق دریافت حقوق برابر، حق داشتن مناصب سیاسی، حق سلامت جنسی و باروری و...، نه تنها حقوق زنان، بلکه حقوق بشر است و هرگاه از حقوق بشر زنان می‌گوییم، از چیزی جز اینها نمی‌گوییم.» و هنوز باید اظهار امیدواری کرد که «اگر همه به حقوق زنان احترام بگذاریم، می‌توانیم به جامعه‌ای عاری از تبعیض دست یابیم. بنابراین، دامن زدن به انواع نابرابری‌ها معضل همه جوامع انسانی است و فعالیت علیه خشونت مبتنی بر جنسیت وظیفه‌ای همگانی است.»

از سوی دیگر بازخوانی وضعیت حقوق بشر و وضعیت زنان در کشورهای اسلامی به‌عنوان یکی از پرمناقشه‌ترین مسایل آن جوامع؛ همانطور که قبلاً و به کرات بر آن تأکید شده است، ضرورت دوجندان می‌یابد. در سند جدید سازمان همکاری اسلامی در مورد حقوق بشر که اخیراً «با هدف مشارکت در تلاش‌های بشریت برای دفاع از حقوق بشر و حمایت از انسان در برابر استثمار و اذیت و آزار و تصدیق آزادی و حق او در جهت برخورداری از یک زندگی باکرامت مطابق با اصول رفیع شریعت اسلامی» تدوین شده است، در مقایسه با سند قبلی آن (اعلامیه اسلامی حقوق بشر معروف به بیانیه قاهره مصوب ۱۹۹۰ سازمان کنفرانس اسلامی) که هر دو غیرالزام آورند، تلاش‌هایی جهت انطباق و همراهی بیشتر ادبیات و مفاد اعلامیه با گفتمان بین‌المللی حقوق بشر، به‌ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر صورت گرفته است.

شایان ذکر است که در تازه‌ترین گزارش مجمع جهانی اقتصاد درباره شاخص شکاف جنسیتی جهانی در ۲۰۲۳ که بر اساس آن از میان ۱۴۶ کشور که در این گزارش تحت بررسی قرار گرفته‌اند ایران رتبه ۱۴۳ را به خود اختصاص داده است. این گزارش جهانی به بررسی وضعیت شکاف جنسیتی و تبعیض علیه زنان در چهار بعد کلیدی (مشارکت و فرصت‌های اقتصادی، پیشرفت تحصیلی، سلامت و بقا و توانمندسازی سیاسی) در تمامی کشورهای جهان می‌پردازد و مرجعی برای اندازه‌گیری سطح عدالت جنسیتی در بین کشورهاست.

مطابق آن، به رغم دستاوردهای چشمگیر زنان و دختران در حوزه آموزش و سلامت، دو شاخص توانمندی سیاسی و توانمندی اقتصادی، هنوز

شدن است و رسانه‌ها از هر سو مورد حمله قرار می‌گیرند. برابری جنسیتی، رویایی دور باقی مانده است و حقوق باروری زنان در حال به عقب رانده شدن است.» و در این پیام از کشورهای عضو می‌خواهد که «از هفتاد و پنجمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و اجلاس سران آینده در سال آتی برای تقویت تعهد خود به ارزش‌های بی‌زمان حقوق بشر استفاده کنند.» و «از آنجایی که جهان با چالش‌های جدید و جاری مواجه است - از آن جمله همه‌گیری‌ها، درگیری‌ها، نابرابری‌های در آستانه‌ی فروپاشی، نظام مالی جهانی ورشکسته، نژادپرستی، تغییرات آب‌وهوایی - اما ارزش‌ها و حقوق مندرج در اعلامیه راهنمای اقدامات جمعی جهانیان است که به اصطلاح هیچ‌کس را پشت سر نمی‌گذارد، ابتکار یکساله‌ی حقوق بشر ۷۵ طراحی شده است که به دنبال این است که توجه، تمرکز، درک و اقدام را به سمت دانش بیشتر درباره جهانی بودن اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنشگری مرتبط با آن سوق دهد.» و اینکه «امروز پیشبرد و احترام به همه حقوق بشر که از همه ما حمایت می‌کند، مهم‌تر از همیشه است.» و «همانطور که اقداماتی برای روزآمدسازی چارچوب‌های جهانی و موثرتر کردن آنها در قرن بیست و یکم در جریان است، لازم است حقوق بشر نقشی منحصر به فرد و محوری در همه تلاش‌ها داشته باشد.»

همچنین کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل با اشاره به وضعیت وخیم جامعه بین‌المللی و لزوم تلاش‌ها برای بازسازی امید و اعتماد، اخیراً اذعان داشته که «اعتماد - به یکدیگر و به نهادهایی که ما را راهبری می‌کنند - در حال سقوط آزاد است و این بحران‌ها پیامدهای عدم رعایت حقوق بشر است.» افزون بر این، مطابق گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۲۲، نیمی از جمعیت و ظرفیت جهان را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. بنابراین، زدودن انواع تبعیض و نابرابری‌ها، نه‌تنها یک حق اساسی بشر است، بلکه برای دستیابی به جوامع پایدار و صلح‌آمیز، با ظرفیت کامل انسانی برای نیل به توسعه پایدار کاملاً ضروری است. بر این اساس «حق زنان برای زندگی عاری از



چالش جدی زنان و جامعه ایرانی است. درک واقع‌بینانه این وضعیت که انباشت بحران‌ها را به همراه داشته است، و شرایطی که به‌ویژه بعد از اعتراضات گسترده‌ای که جامعه را بعد از نیمه دوم سال ۱۴۰۱ با محوریت زنان و جوانان درنوردید، اگر با پوست‌اندازی حاکمیت و افق‌گشایی (پارادایم‌شیفت و تغییر اولویت‌ها) و توسعه دایره انتخاب‌گرایش‌های متکثر همراه و همنشین می‌شد، می‌توانست در خنثی کردن انواع تهدیدهای بیرونی و نیز تقویت و ارتقای توانمندی و مشروعیت نهادهای حکمرانی موثر بوده و برگ برنده نظام در تعاملات و چانه‌زنی‌های دیپلماتیک باشد.

اما امروز بیش از پیش نگرانی‌ها حول این محور در حال شکل‌گیری است که بنا به نظر تحلیل‌گران، دوری‌گزینی‌ها از رویکرد ایجابی و تداوم و غلبیت رویکرد سلبی و امنیتی بر نظام اجتماعی کشور و طبیعتاً بر خرده‌نظام‌های سیاسی و فرهنگی و بی‌اعتنایی و پشت پا زدن به هشدارهای مداوم صاحب‌نظران دلسوز و مصلح نسبت به تبعات اختلال ارتباطی و گفت‌وگویی میان جامعه و حاکمیت که جنبش مهسا را نمونه آن می‌دانند و فرصت‌سوزی‌ها، اعتمادسوزی‌ها و پافشاری بر طرح‌ها و اظهارنظرهایی که منجر به تضعیف روزافزون و کم‌رنگ ساختن بعد جمهوری‌ت نظام و کاهش نقش و مشارکت مردم و نهادهای مدنی می‌شود و تبدیل بهار سیاست به زمستان را نشانه رفته است، به کمتر از قفل‌شدگی یا انسداد فرهنگی و سیاسی و ... رضایت نداده و بشود آنچه نباید.

بررسی‌های این مقاله حاکی از آن است که «در دوره اصلاحات به رغم سابقه‌ی چپ‌نبروهای اصلاح‌طلب که عدالتخواهی جزو مولفه‌های گفتمانی‌شان بود، چون به نوعی رویکرد ایدئولوژی‌زدایی هم دنبال می‌کردند و در پی تثبیت نقش شهروند و تقویت جامعه مدنی بودند، خودبه‌خود گفتمان‌شان معطوف به نسل اول حقوق بشر بود. یعنی: «حقوق مدنی و سیاسی یا حقوق آبی/حقوق لیبرال»، مثل حق آزادی بیان، آزادی مذهب و عقیده، حق دادرسی عادلانه و ... در واقع نسل اول حقوق بشر مولفه‌هایی را تشکیل می‌دهند که به شهروند قدرت تحمل و مقاومت در برابر فشار

دولت‌ها را می‌دهد. اما نسل دوم حقوق بشر، در گفتمان اصلاح‌طلبان، در آن مقطع، تا حدی مورد غفلت واقع می‌شد: «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا حقوق سرخ» که منشا آن دولت‌های سوسیالیستی در گذشته بودند. این حقوق به مواردی مثل: حق تحصیل، حق اشتغال و مباحث عدالت اجتماعی و محو فقر و ... می‌پردازد. به نظر می‌رسد در نوسازی گفتمانی اصلاحات، از بعد از سال ۸۴ به این سو، تلاش شده است تا به نسل دوم و بویژه نسل‌های بعدی حقوق بشر توجه بشود. با درک شهودی و تجربی و گاه تحلیل‌شده و اینکه تقدم دموکراسی بر سایر ابعاد حقوق بشری یا بی‌توجهی به آن به بهانه مصالح سیاسی یا اصلاً غیرسیاسی دانستن مفاهیم حقوق بشری، یک انگاره قابل نقض است که در بیرون از قدرت بهتر فهمیده می‌شود، به‌خصوص پس از اتفاق نظر اکثر اصلاح‌طلبان درباره امتناع اصلاح از بالا و درون ساخت قدرت، به این معنا اگرچه امکان حضور آنها در ساخت قدرت منتفی شده است و در صورت حضور هم امکان کافی برای پیشبرد برنامه‌هایشان ندارند، اما این به‌معنای بی‌توجهی و نفی مطالبه‌گری نسبت به سایر حقوق شهروندان از حاکمیت نیست؛ راهبردی که خودبخود رویکرد حقوق بشری در سیاست‌ورزی را چه در سطح نظارت و موضع‌گیری و چه در سطح ترویج و کنش‌گری موجب می‌شود.

به گواه این مقاله، این وضعیت دارای حداقل سه تأثیر مهم در کنش این دسته از کنش‌گران سیاسی است: کاهش نخبه‌گرایی و اجتماعی‌تر شدن آنها، تعهد بیشتر به مصلحت جامعه در برابر مصلحت قدرت و اهمیت مضاعف یافتن تأثیر بر رفتار قدرت به نسبت کسب قدرت.

هرچند باید اذعان داشت که هنوز اغلب قریب به اتفاق احزاب و تشکلهای سیاسی کشور با استانداردهای کار حزبی و تشکیلاتی فاصله دارند- چه برسد به سیاست‌ورزی مدرن که در پیوستگی با حقوق بشر است- که تنها بخشی از آن به شرایطی که از درون به آنها تحمیل می‌شود برمی‌گردد، یا یادآوری اینکه «این وضعیت تا حدود نسبتاً زیادی ریشه در عوامل بیرونی دارد و نقش حاکمیت را در عدم شکل‌گیری و نهادینه شدن نظام





اصل مقالات، بنا به تصمیم دبیرخانه همایش این مهلت و نیز مهلت اعلام نتایج داوری تمدید و زمان برگزاری همایش به موعد دیگری موکول شد که امروز در خدمتان هستیم.

همچنین لازم به ذکر است با تعریف شاخص برای انتخاب مقالات برگزیده (و نه برتر)، از میان مقالات دریافتی (بالغ بر ۳۰ مقاله)، در بخش پایانی این همایش از ۹ مقاله تقدیر بعمل خواهد آمد و نهایتاً چاپ و انتشار مجموعه مقالات نیز جزو برنامه‌های بعد از همایش پیش بینی شده است.

در پایان، قدردان همه اساتید و پژوهشگران گرامی هستیم که با وجود مشغله‌های فراوان با مشارکت در برگزاری این همایش و افزودن بر غنای علمی آن، ما را رهین منت خود نمودند و همچنان در رفع کاستی‌ها، ضعف‌ها و خلاهای برگزاری چنین رویدادهایی در کنارمان هستند.

همچنین مراتب سپاس و امتنان خود را نثار هموردان خود و بویژه اعضای کمیته‌های علمی و اجرایی همایش می‌کنم که با تمام بی‌مهری‌ها، مرارت‌ها و مشقات فعالیت در حوزه غیردولتی و نهادهای مدنی، صمیمانه و خالصانه همراهی‌مان کردند؛ تا چه قبول افتد و چه در نظر آید!

حزبی و تحزب در کشور و میدان ندادن به نقش‌آفرینی احزاب نباید نادیده گرفت و بر این اساس دولت‌ها هم که مولود و زاییده احزاب و نظام حزبی نیستند و بالمآل پاسخگو هم نیستند و میانه چندان‌ی هم با این واقعیت که «دولت توانمند محصول ملت توانمند» است و احزاب خواسته‌ها و مطالبات بخش بزرگی از مردم را نمایندگی و به نظام سیاسی منتقل می‌کنند، ندارند.»

به همین منوال، این واقعیت و ضرورت بازخوانی وضعیت آن در مورد احزاب زنان به مراتب بیش از سایر تشکل‌ها خودنمایی می‌کند

و خالی از لطف نیست که اینجا اشاره شود، طراحی چشم‌انداز و مدل مطلوب آینده فعالیت احزاب زنان در دستور کار ائتلاف احزاب زنان اصلاح‌طلب قرار گرفته است.

به‌عنوان دبیر علمی همایش؛ لازم به توضیح است که قرار بود این همایش به مناسبت بیستمین سالگرد تاسیس جمعیت، در آذر ۱۴۰۱ برگزار شود که با تنظیم تقویم همایش و تعیین مهلت ارسال چکیده و اصل و داوری مقالات و تدوین و اطلاع‌رسانی راهنمای نگارش آن، فراخوان همایش منتشر شد و متعاقب آن دبیرخانه مجازی و کمیته‌های علمی و اجرایی آن راه‌اندازی گردید، اما نیک می‌دانیم که «در اگر نتوان نشست»، درسی است که در این جغرافیا و این تاریخ بارها آموخته‌ایم و نظر به شرایط و اوضاع و احوال پیش‌بینی‌نشده و وضعیت حاکم بر فضای علمی، پژوهشی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور و به تبع آن با توجه به موانع و محدودیت‌های دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات و همچنین دریافت درخواست‌های متعدد مبنی بر تمدید مهلت ارسال چکیده و



ماذا حل بنا؟



ليلا صادقي
مترجم عربي

بين مطالب الناس التي تنبثق من صميم المجتمع وإجراءات المسؤولين التي لا تختلف فحسب بل غالبا ما تكون متناقضة مع رغبات المجتمع. على مرّ السنوات، حذر النقاد المخلصون من أنه يجب الانتباه إلى هذه الفجوات قبل فوات الأوان لكن للأسف لم يسمح بعض الفاعلين بسماع هذه الانتقادات والتأثير عليها. نصائح تهدف إلى إفادة المجتمع والناس الذين واجهوا بصبر كل الصعاب لسنوات للحفاظ على النظام والقانون وتحقيق العدالة والإنصاف. للأسف، تم خنق صوت المنتقدين في مهده ولم يكن هناك من يسمعهم. النتيجة هي لعب تلك المخاوف التي أدت إلى الانقسام الحالي في المجتمع. الآن الوقت والمكان ليس في صالح أي شخص. في هذه السنوات، كان هناك رجال ونساء ناضلوا

اتقضى عام ١٤٠٢ ش. عام يجب أن نقول بكل صراحة أنه كان مليئا بالأسف على الفرص الضائعة، عاما بلا إنجاز. على مرّ السنين، لم تتمكن النساء من إيصال مطالبهن المحققة إلى صانعي القرار والتأثير على عملية صنع القرار. ربما لم تكن مطالب النساء ولا تزال كذلك، من بين أولوياتهن، وربما حتى أن مسؤولينا في هذه السنوات غير متأثرين بشكل عام.

مع التأمل والتدقيق البسيط في الإجراءات والأحداث في السنوات الأخيرة، ندرك أن قضايا المرأة لم تكن من بين اهتمامات المسؤولين، وأن خططهم وإجراءاتهم ركزت على محاور واهتمامات أخرى.

الفتوة في المجتمع الإيراني اليوم هي أيضا نتيجة لمثل هذه التناقضات. هناك هوة عميقة



تميز وعدم مساواة باستخدام العقلانية والعقل. يجب أن يشعر جميع الناس، بغض النظر عن الجنس أو مكان الإقامة، بأنهم متساوون أمام القانون وأنهم يتمتعون بحقوق ومزايا متساوية ومتناسبة مع أحوالهم. يجب سماع انتقادات المنتقدين وليس معاملتهم كأعداء خارجيين. للأسف، تصدر المحاكم أحيانا عقوبات على نقد واحتجاج المواطنين، مما أثار حيرة علماء القانون والقضاة. من المتوقع أن يُنظر إلى النقد والاحتجاج على أنه واجب للمواطنين، وفي الحالات التي يتم فيها انتهاك القانون، يجب أيضا أن تتناسب العقوبة مع الجريمة المرتكبة. من الواضح أنه إذا أعطى صانعو القرار الأولوية لحقوق الشعب والمصلحة العامة، فسوف يشعر المواطنون أيضا بتداعيات ذلك في حياتهم اليومية. الآن بعد أن مررنا بعام ١٤٠٢ش ودخلنا عام ١٤٠٣ش، أين نحن حيال إحياء حقوق مواطنينا وإلى أين نتجه؟ نترك الإجابة على هذا السؤال للمسؤولين.

المسؤولية التحريرية

من أجل حقوق المرأة، وقدموا عددا كبيرا من المشاريع والاقتراحات التشريعية بهدف القضاء على القيود والحرمان وتحقيق حقوق الإنسان، لكن هذه الأمور لم تلقَ ترحيبا من قبل الحكام. إذا نظرنا إلى القائمة الطويلة من المشاريع والاقتراحات التشريعية المقدمة للحكومة والمجلس، فسندمدى إمكانية وواقعية إصلاح القانون المدني والقانون الجنائي. إلى أي مدى يمكننا تقليل الفجوة بين النساء والرجال والفجوة بين الجنسين في القانون؟ وبطبيعة الحال، ستخفف الأضرار الناجمة عن التمييز وكذلك الضغط النفسي الواقع على مجتمع النساء. من الجدير بالذكر أنه تم أخذ آراء وانتقادات علماء الدين والخبراء في العلوم الإسلامية في الاعتبار في معظم المشاريع والاقتراحات الإصلاحية، كما تم فحص عيوب بعض القوانين الحالية من منظور ديني وفقهي من قبل خبراء.

تعتقد الكاتبة أن واجبنا كمواطنين هو التأمل والتفكير للوصول إلى طريقة تؤدي إلى إصلاح أي



لا للحرب

محسن مقيمي

في الفترة من ١٩٤٥ إلى ١٩٨٩، وكذلك بعد انهيار الشيوعية، إلى بأس. اليوم، أصبح استخدام القوة في العلاقات الدولية أكثر شيوعاً مقارنة بالعقود الماضية.

العناوين الرئيسية في هذه المقالة هي: الحرب من منظور الأمم المتحدة، الحرب من منظور اتفاقيات جنيف، مفهوم السلام، نظرة عامة على الحرب بين إسرائيل وحماس، الالتزام بقوانين الحرب، والنتيجة.

لمنع العنف والحرب أهمية كبيرة في الحفاظ على السلام واستقرار الأمن في المجتمع. لا يشير هذا المفهوم فقط إلى التصدي للعنف داخل الدول، بل يركز أيضاً على منع استمرار النزاعات والحروب الدولية. تجنب استخدام القوة العسكرية واستبدالها بالمفاوضات الدبلوماسية والحلول السلمية للحفاظ على هياكل المجتمع التي تسعى إلى عالم أكثر استدامة وجيدة. كما ظهر منع الحرب والحفاظ على السلام في إطار اتفاقيات جنيف كاستراتيجية دولية. تسعى اتفاقيات جنيف، بما في ذلك "اتفاقية جنيف" لتحسين حالة الجرحى والمرضى من أفراد القوات المسلحة في الميدان، إلى تكريم مبادئ حقوق الإنسان والقانون الدولي الإنساني. تم تصميم هذه الاتفاقيات لتقليل المعاناة في الحرب وزيادة الحماية للأفراد المصابين والمدنيين المتضررين من النزاعات، بهدف الحفاظ على الإنسانية وتعزيز الإرادة المشتركة لمنع انتهاك قوانين الحرب.

تعدّ القواعد المتعلقة بحظر استخدام القوة واستثنائها جوهر النظام القانوني الدولي الناشئ عن أكبر كارثة إنسانية في التاريخ، أي الحرب العالمية الثانية. في هذا النظام القانوني، تم اعتبار السلام القيمة الأساسية التي يجب حمايتها، ولم يتم الاعتراف إلا باستثناء واحد في المادة ٥١ من ميثاق الأمم المتحدة لحظر استخدام القوة بشكل عام الوارد في المادة ٢ (٤) من الميثاق، والذي يسمح بالدفاع عن النفس الفردي والجماعي. سرعان ما تحولت الآمال في تحقيق نظام دولي سلمي



كيف يمكن للحرب أن تؤثر على حياة النساء والفتيات والأطفال؟

آرزو عزيزي

الحرب ذا وجه مشترك، بل كان لكل واحدة أسبابها وطريقة تواجهها، أو حتى دون وجودها في ساحة المعركة، تأثرت بالحرب وتغيرت حياتها بشكل كبير. أولى النساء المتأثرات بالحرب من حيث الزمان والمكان هن النساء المتضررات من الحرب، حيث كان هذا المواجهة مفاجئة، وحتى بعد الهجرة إلى مناطق مختلفة أكثر أماناً، بقيت بعض هؤلاء النساء للمساعدة في ساحة المعركة في المدن أو انفصلن عن عائلاتهن ومدنهن وتوجهن إلى المدن التي مزقتها الحرب لتقديم المساعدة. مارست هؤلاء النساء مهاراتهن في التمريض أو الإسعافات الأولية، أو حتى أصبحن مراسلين حربيين، وإذا لم يكن لديهن مهارة خاصة، فقد قُدمن الماء والطعام للناجين. في نفس الوقت، هناك مجموعة من النساء لم يكن في مناطق الحرب على الإطلاق، لكنهن عشن تجربة الحرب برحيل رجال العائلة إلى الحرب [١].

[١] دراسات المرأة

(عندما تندلع الحرب، ينهار كل شيء. أصوات إطلاق النار والانفجارات دائماً في الهواء. يتم تدمير المنازل والمدارس، ويتم تخريب كل شيء من حولنا. إنها أوقات مخيفة، و لن أستطيع أن أبقى مستيقظاً. أود الذهاب إلى المدرسة واللعب مع أصدقائي، لكن هذا لا يحدث. أمي قلقة دائماً، ووالدي ذهب إلى الحرب ولا أعرف متى سيعود. علينا الذهاب إلى أماكن سرية للاختباء من الرصاص والقنابل. أتمنى أن ينتهي كل هذا الخوف والرعب. نعيش دائماً في الظلام وعدم الأمان. أمل أن تنتهي الحرب يوماً ما، وأن تعود كل الأمور إلى ما كانت عليه.)

منذ زمن بعيد، شغلت الحرب وصراعاتها العالم بأسره. اليوم، أصبح موضوع الحرب أكثر وضوحاً بالنسبة لنا، حيث شهدنا هذا العام صراعاً بين فلسطين وإسرائيل، ومن ناحية أخرى، كنّا نشهدنا على حرب روسيا وأوكرانيا في عام ٢٠٢٠م. على الرغم من وجود وسائل الإعلام وتشكيل العديد من المؤسسات، لا تزال هناك حاجة لدراسة وتحليل الحرب وتأثيرها على المجتمعات في فترات زمنية مختلفة. وذلك لأن المجتمعات تمرّ بشكل متزايد من التقليدي إلى الحديث، وحتى ما بعد الحديث، ومما يؤسف له أنه على الرغم من التطورات العديدة، لا تزال نعيش في مجتمعات عسكرية، وعلى عكس التوجه المتفائل للعصر الحديث لإزالة رمز الحرب من الحياة اليومية للبشر، خاصة الفئات الضعيفة من النساء والأطفال وكبار السن، ما زلنا نشهد كل يوم أشكالا أكثر تدميراً للحرب وعواقبها السلبية على العالم، بحيث يمكن أن يشكل خطر الحرب في هذه الفترة تهديداً لوجود البشرية بأكملها. لفحص وضع النساء وتأثير الحرب على ظروف حياتهن ومعنوياتهن، يمكننا إلقاء نظرة على الحرب بين بلدنا والعراق. لم يكن تواجد جميع النساء الإيرانيات في




and the impact of war on their living conditions and spirit, we can have a look at the war between our country and Iraq. The presence of all Iranian women in the war did not have common reason; rather, each had their own reasons and form of participation. Even without presence in the battlefield, they had been affected by the war and their lives had undergone various changes. The first women affected by war, both temporally and geographically, were the women in war zones. This encounter was unexpected, and even after migrating to various safer areas, some of these women remained in cities to help in the battlefield or separated from their families and cities and rushed to war-torn cities to provide assistance. These women employed their skills in nursing or relief work, or even became war correspondent. If they lacked specific skills, they engaged in providing water and food for survivors. Meanwhile, there was a group of women who had never been in war zones at all but had experienced war when their male family members had gone to war.





How can War have an Impact on the Lives of Women, Girls, and Children?

Arezoo Azizi



(When war breaks out, everything falls apart. The sound of gunfire and explosions are constantly heard. Homes and schools are destroyed, and everything around us is ruined. It's a terrifying time and I can never stay awake. I like to go to school and play with my friends, but this does not happen. My mother is always worried, and my father has gone to war and I don't know when he'll come back. We have to go to hiding places to stay safe from bullets and bombs. I wish all this fear and terror would end. We always live in darkness and insecurity. I hope one day the war will end, and everything will return to how it was before.)

From long time ago, war and its tumults have engulfed the entire world. Today, the issue of war has become more tangible for us, as this year we witness the conflict between Palestine and Israel, and moreover, in the

Persian year 1400, we observed the war between Russia and Ukraine. Despite the presence of media and the formation of various foundations, the need for studying and examining war and its impact on societies and in different time periods is still felt. This is because societies are increasingly transitioning from traditional to modern, and even post-modern stages and unfortunately, despite various advancements, we still live in militarized societies. Contrary to the optimistic approach of the modern age towards eliminating the symbol of war from human daily life, especially for vulnerable group of women, children and the elderly, every day, we have been witnessing more destructive forms of war and its negative consequences on the world's life in a way that the danger of war in this period can expose the entire existence of human to destruction. To examine the status of women

No to War

Seyyed Mohsen Moghimi

Preventing violence and war is of great importance in maintaining peace and establishing societal security. This concept not only refers to combating violence within countries but also focuses on preventing the continuation of conflicts and international wars. Avoiding the use of military force and instead, promoting diplomatic negotiations and peaceful solutions for preserving societal structures aspire to a better and more stable world. Moreover, preventing war and maintaining peace in the form of Geneva Conventions have manifested as an international strategy. The Geneva Conventions, including the convention for the protection of the military wounded and sick, seek to honor the principles of human rights and international humanitarian law. These agreements have been designed to alleviate suffering during war and increase support for injured individuals and non-militaries affected by conflicts, with the aim of preserving humanity and enhancing common will to prevent violating the laws of war. The rules regarding the prohibition of the use of force and its exceptions constitute the

essence of the international legal system arisen from the greatest human tragedy in history, namely World War II. In this legal system, peace was considered as the most fundamental value to be protected, and for the general prohibition of the use of force stipulated in Article 2(4) of the United Nations Charter, only one exception was acknowledged in Article 51 of the Charter, which permits individual and collective self-defense. The hopes for realizing a peaceful international order between the years 1945 and 1989, as well as after the fall of communism, quickly faded into despair. Today, the use of force in international relations is more prevalent than in previous decades.

This article includes topics such as: war from the viewpoint of the United Nations, war from the viewpoint of the Geneva Conventions, the concept of peace, an overview of the war between Israel and Hamas, observing the laws of war, and conclusion.





the government and parliament, we realize how feasible and practical it could have been to amend the Civil Code and the Penal Code. How much we could have reduced the gap between women and men and gender disparities in the law, and thereby reduced the harms resulting from discrimination as well as psychological pressures inflicted on women in the society. It is worth mentioning that in most amending proposals and bills, the opinions and criticisms of religious scholars and experts in

Islamic studies were also taken into

account, and the deficiencies of some current laws were examined from a religious and jurisprudential perspective by experts.

The author believes that it is our duty as citizens to contemplate to find a way that, through rationality, leads to the reform of any discrimination and inequality. All people, regardless of their gender or place of living, should feel being equal before the law and enjoy equal rights and benefits proportionate to their conditions. Criticisms of the critics should be heard rather than treated like those of foreign enemies. Unfortunately, sometimes courts issue punishments for citizens' criticism and protest that have made legal experts and judges wonder. It is expected to respect criticism and protest as a duty of citizens, and in cases where the law has been violated, the punishment should conform to the committed offense. It is obvious that if the decision-makers prioritize the rights of the nation and the public interest, citizens will also feel its consequences in their daily lives. Now that the year 1402 was passed and we have entered the year 1403, where do we stand in restoring our citizens' rights and where are we going? We leave the answer to this question to the authorities.

Managing Editor



What have Happened to Us?



زهرا داورزانی
مترجم انگلیسی

The Persian year 1402 passed. A year which should be expressly described as a year full of regret over missed opportunities; a year without accomplishments. Throughout long years, women have not been able to communicate their rightful demands to decision-makers and influence the decision-making process. Often, women's demands have not been and are not their demand, and women's claims have not been among their priorities. Even perhaps, our authorities have been actually uninfluenceable during these years.

With a little reflection and exploration about recent events and actions, we come to realize that women's issues have not been among the concerns of those in charge, and their programs and measures have revolved around other issues and interests.

The gap observed today in Iranian society is also the result of such contradictions. There is a deep gap between the public's demands, which stem from the heart of society, and the measures of those in charge, which not only differ

from but also sometimes contradict the demands of the society. During all these years, some concerned critics had said that these gaps should be taken into consideration before it becomes too late, but unfortunately, certain actors did not let these criticisms to be heard and to have an impact; the advices aimed at benefiting the society and the people who, for years, had patiently endured all hardships to maintain order and law and achieve justice and fairness. Unfortunately, the voices of critics were stifled, and there was no willingness to listen to them. The result of trifling with those concerns is today's fragmentation in the society. Now, the time and the situation are in favor of no one.

During these years, there were women and men who tried to vindicate women's rights and introduced to the lawmakers numerous bills and proposals aimed at eliminating restrictions and deprivations and realizing human rights. However, the efforts were not welcomed by the ruling authorities. If we consider the extensive list of proposals and bills presented to

Identity card

CHIEF EDITOR:

Ashraf Gramizadehgan

AUTHORS IN THIS ISSUE:

Roofia Tigrari (art editor), Arezoo Azizi,
Seied Mohsen Moghimi, Mohammadreza
Shams, Homa Mehri, Zahra Davarzani,
Leila Sadeghi.

EXECUTING DIRECTOR:

Homaion Koochakzadeh

LOGO DESIGNER:

Morteza Momayez

TECHNICAL COUNSELOR:

Alireza Frzami

COVER & ART DIRECTOR:

Maryam Farzamifard

GRAPHIC:

Atefeh Hashemi

TYPE:

Women Rights

PRINT:

Nazar Printing

ADDRESS:

#401, No 11, Mahzad Al, South Iranshahr
Ave, Teh.

TEL:

09121302775 - 021 88318949

EMAIL:

h_q_zanan@yahoo.com

WEBSITE:

www.hqzanan.org



Women Rights Magazine

- Honorable writers and translators who wish to have their works published in the Women's Rights Quarterly, should attach a brief description of their education, occupation, research works, and translation along with the content, or send their resume to the publication's email.
- Content should be sent in typed format to the publication via email.
- The translated content must be accompanied by a copy of the original text.
- Please keep a copy of your article in your archive.
- Women rights are free to edit and shorten the contents.
- Any use of exclusive content and images of Women Rights Magazine is subject to permission from the responsible manager.
- Women rights accepts your advertisements in the field of educational, cultural, economic and service activities.

برگ اشتراک حقوق زنان

شماره اشتراک:

نام: نام خانوادگی: سن: تحصیلات:
شغل: تلفن:
نشانی/ صندوق پستی:

به پیوست فیش بانکی به شماره
ریال مبلغ
بابت بهای اشتراک نشریه‌ی حقوق زنان (برای ۴ شماره) فرستاده می‌شود.
خواهشمند است مجله را برای شماره به نشانی بالا بفرستید.

برگ اشتراک را کامل و خوانا پر کرده و کد پستی را حتما یادداشت کنید.

بهای اشتراک را به حساب جاری شماره (۰۱۰۸۳۳۸۹۰۶۰۰۵) یا به شماره کارت (۶۰۳۷۹۹۷۵۹۷۹۷۴۴۴) بانک ملی ایران شعبه‌ی امیرآباد (کد ۱۲۸) به نام اشرف گرامی‌زادگان پرداخت نمایید و از طریق ایمیل یا واتساپ به شماره ۰۹۱۲۱۳۰۲۷۷۵ ارسال نمایید.
لطفا کپی فیش را نزد خود نگهدارید.

بهای اشتراک برای هر شماره نشریه مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال (۱۰۰ هزار تومان) است.

در صورت هرگونه تغییر در نشانی، دفتر مجله را آگاه کنید.

ایمیل نشریه: h_q_zanan@yahoo.com

ایمیل پشتیبان: gramizadehgan@yahoo.com

سایت نشریه: www.hqzanan.org

علاقمندان اشتراک نشریه در خارج از کشور از طریق دوستان و خویشاوندان خود در ایران اقدام کنند.